

چشم‌انداز اقتصادی جهان، منطقه و ایران در سایه پاندمی کووید 19

گزارش اول: چشم‌اندازها و سیاست‌های جهانی در قبال پاندمی کووید 19

گزارش دوم: پیامدهای بعد از پاندمی کووید 19: چشم‌انداز خسارت اقتصادی میان‌مدت

گزارش سوم: چشم‌انداز اقتصاد منطقه خاورمیانه و آسیای مرکزی، نجات از بحران کووید 19: ساختن آینده‌ای بهتر

گزارش چهارم: چشم‌انداز اقتصاد ایران از نگاه سازمان‌های بین‌المللی

مترجمین:

مهدی محرمی

دکتر حسن ولی بیگی

گزارش اول: چشم‌اندازها و سیاست‌های جهانی در قبال پاندمی کووید 19

بهبودهای واگرا در میان عدم قطعیت بالا

چشم‌اندازهای جهانی تا یک سال پس از همه‌گیری بسیار نامشخص باقی مانده است. جهش‌های جدید ویروس کووید 19 و انباشت تلفات انسانی نگرانی‌ها را افزایش داده است، حتی در حالی که گسترش واکسیناسیون باعث افزایش امیدواری‌ها شده است. بهبودهای اقتصادی در کشورها و بخش‌های مختلف متفاوت است که نشان‌دهنده تنوع در اختلالات ناشی از همه‌گیری و میزان سیاست‌های حمایتی است. چشم‌انداز نه تنها به نتیجه نبرد بین ویروس و واکسن بستگی دارد، بلکه به میزان موثر بودن سیاست‌های اقتصادی که در شرایط عدم قطعیت بالا، به کار گرفته می‌شوند بستگی دارد.

همه‌گیری همچنان تلفات شدید انسانی می‌گیرد

فاصله گذاری اجتماعی، واکسیناسیون و درمان به کاهش سرعت پیشرفت ویروس کمک کرده و زندگی بسیاری را نجات داده است. در عین حال، اختلافات زیادی از نظر ظرفیت کشورها برای حمایت از جمعیت خود، به ویژه اقشار آسیب‌پذیر وجود دارد. از طرفی، با اینکه به طور کلی تولید ناخالص داخلی در نیمه دوم سال 2020 قوی تر از حد انتظار بود، با این حال همچنان به طور قابل توجهی پایین تر از روند پیش از همه‌گیری در اکثر کشورها باقی مانده است.

زیان‌های تولید به ویژه برای کشورهایی که به گردشگری و صادرات کالا اتکا دارند و برای کشورهایی که دارای فضای سیاستی محدود برای پاسخگویی هستند بسیار بزرگ بوده است. بسیاری از این کشورها در شرایط نامناسب مالی وارد بحران شدند و ظرفیت کمتری برای پاسخ‌های سیاستی در حوزه سلامت بودند که قرنطینه گسترده تر برای جلوگیری از گسترش ویروس را در پی داشت. عواملی مانند نسبت مشاغل "دورکاری"، سهم اشتغال در شرکت‌های کوچک و متوسط، عمق بازارهای سرمایه، اندازه بخش غیررسمی و کیفیت و دسترسی به زیرساخت‌های دیجیتالی نیز - هم در رکود و هم در سرعت بهبود - تاثیرگذار بود.

تفاوت در بخش‌ها: تقاضای بالا برای محصولات تولید شده در خانه (کار در خانه) و آزاد شدن تقاضای خاموش برای کالاهای بادوام به طور کلی (به ویژه خودروها) از عوامل کلیدی بهبود اقتصاد جهانی از نیمه دوم سال 2020 بوده است. به دنبال رکود، در نیمه دوم سال 2020 تولید صنعتی به سطح قبل از همه‌گیری بازگشته است. مصرف خدمات پرتماس همچنان پایین است. همچنین، تجارت بین‌المللی کالاها، الگوهای مشابهی را نشان می‌دهد. حجم تجارت کالا به سطح قبل از همه‌گیری بازگشته است. تجارت فرامرزی در خدمات همچنان پایین باقی مانده است.

آسیب‌پذیری‌های بازار کار: در بازار کار بهبودی مشاهده نمی‌شود و بیکاری همچنان بالا است. با وجود سیاست‌های حمایتی فوق‌العاده (از جمله برنامه‌های حفظ مشاغل و یارانه دستمزد)، نرخ بیکاری در هر دو بازار کشورهای پیشرفته و نوظهور و در حال توسعه حدود 1.5 درصد بالاتر از میانگین قبل از همه‌گیری است.

واگرایی بین بازار دارایی و بقیه بخش‌های اقتصاد: برخلاف بازارهای نیروی کار و محصول و علیرغم نوسانات اخیر، بازار دارایی پیشرو بوده و به لطف محرک‌های سیاستی و انتظارات از عادی سازی ناشی از توزیع واکسن محور در اواخر امسال

روند رو به رشدی داشته اند. این قطع ارتباط در حکم یک شمشیر دو لبه است: شرایط مالی قوی برای بهبود حیاتی هستند، اما اختلافات زیاد بین بازار دارایی و چشم‌اندازهای اقتصادی، ریسک ثبات مالی را افزایش می‌دهد.

واگرایی‌ها در داخل کشورها باعث افزایش بیشتر نابرابری می‌شود: با توجه به ماهیت نامتقارن شوک کووید 19، تأثیر اشتغال و درآمد همه‌گیری در میان گروه‌های کارگری بسیار نابرابر بوده است. جوانان، زنان و افراد با مهارت نسبتاً پایین بیشترین ضربه را دیده‌اند. این گروه‌های جمعیتی بیشترین آسیب را در این رکود دیده‌اند، زیرا مشاغل آنها در خدمات پر تماس و بخش غیررسمی متمرکز بوده است.

اقدامات سیاستی بی‌سابقه‌ای تا حد زیادی از نتایج بدتر جلوگیری کرد

یک واکنش قوی و سریع جهانی: یک سال پیش که به نظر می‌رسید که اقتصاد جهان در لبه پرتگاه قرار دارد، بانک‌های مرکزی به سرعت به توسعه نقدینگی پرداخته و اعتبارات را به طیف وسیعی از وام‌گیرندگان توسعه دادند. در همان زمان، مقامات بودجه‌ای کمک‌های خود را به خانوارها و شرکت‌ها از طریق پرداخت‌های انتقالی، یارانه دستمزد، و حمایت از نقدینگی ارائه کردند. از طرفی، ارزش بیشتر ارزهای بازارهای نوظهور و ارزهای کشورهای صادرکننده کالا افزایش یافته در حالی که ارزش دلار آمریکا از آوریل گذشته کاهش یافته است. همه این تحولات به تقویت شوک کمک کرد.

اقدامات سیاستی - از جمله تثبیت‌کننده‌های خودکار، اقدامات اختیاری و اقدامات بخش مالی - حدود 6 درصد به رشد جهانی در سال 2020 کمک کرد، در حالی که تعیین آن دشوار است، بدون این اقدامات، انقباض رشد جهانی سال گذشته می‌توانست سه برابر بدتر از آنچه بود باشد. کار بسیاری برای دستیابی به بهبودی کامل باقی مانده است. این وظیفه‌ای پیچیده برای سیاست‌گذاران است، با توجه به عدم قطعیت بالای چشم‌انداز، و برای بسیاری، با توجه به چشم‌انداز جلوگیری از تأثیر درآمدهای حاصل از دوره‌های توقف و از سرگیری فعالیت با فضای سیاستی بسیار کمتر از آنچه در ابتدا در دسترس بود.

چشم‌انداز: واگرایی‌های نوظهور و چالش‌های سیاست‌گذاری

تحولات به (1) مسیر همه‌گیری، (2) اقدامات سیاستی، (3) تکامل شرایط مالی و قیمت کالا و (4) ظرفیت اقتصاد برای انطباق با موانع مرتبط با سلامت بستگی دارد. جزو و مد این محرک‌ها و تعامل آنها با ویژگی‌های خاص هر کشور، سرعت بهبود و میزان آسیب‌های میان‌مدت را تعیین می‌کند.

در چنین تصویر جهانی، توزیع واکسن در مناطق مختلف متفاوت خواهد بود؛ به طوری که تا پیش از در دسترس قرار گرفتن واکسن‌ها، برخی کشورها خروج سریع‌تری از بحران داشته و با شیوع نسخه‌های جدید ویروس، قرنطینه گاه به گاه و منطقه‌ای قابل پیش‌بینی است.

تنوع قابل ملاحظه‌ای در میزان سیاست‌های حمایتی در سراسر کشورها قابل انتظار است. در مورد اقتصادهای پیشرفته، ایالات متحده و ژاپن حمایت مالی قابل توجهی را برای سال 2021 اعلام کرده‌اند و اتحادیه اروپا با توزیع وجوه صندوق نسل بعدی اتحادیه اروپا (Next Generation EU Fund) موافقت کرده است. انتظار می‌رود بسته مالی 1.9 تریلیون دلاری جدید دولت بایدن زمینه ساز رشد قوی در ایالات متحده در سال 2021 گشته و سرریزهای مثبت قابل ملاحظه‌ای را به شرکای تجاری باعث گردد. انتظار می‌رود هزینه خدمات بدهی همچنان در اقتصادهای پیشرفته قابل کنترل باقی بماند.

حمایت مالی در بازارهای نوظهور و اقتصادهای در حال توسعه محدودتر بوده و به طور کلی انتظار می‌رود با بهبود درآمد و احیای اقتصاد و متعاقباً کاهش مخارج مربوط به بحران کسری ها نیز کاهش یابند. انتظار می‌رود هزینه خدمات بدهی بالاتر نیز توانایی این کشورها در پرداختن به نیازهای اجتماعی، از جمله افزایش فقر و افزایش نابرابری، یا تصحیح عقب ماندگی در انباشت سرمایه انسانی در طول بحران را محدود کند. انتظار می‌رود شرایط مالی در بازارهای پیشرفته و نوظهور و اقتصادهای در حال توسعه به طور گسترده ای در سطح مناسب باقی بماند.

افزایش قیمت کالاها: مطابق با پیش‌بینی بهبود جهانی، برآورد می‌شود قیمت نفت 30 درصد در سال 2021 نسبت به سال 2020 رشد کند که این امر منعکس کننده محدودیت های عرضه اوپک پلاس (سازمان کشورهای صادرکننده نفت، از جمله روسیه و دیگر کشورهای صادرکننده نفت غیر عضو اوپک) است. پیش‌بینی می‌شود که قیمت فلزات به واسطه بهبود اقتصاد چین به شدت در سال 2021 افزایش یابد. قیمت مواد غذایی نیز انتظار می‌رود در سال جاری افزایش یابد.

مسیرهای واگرا، GDP کمتر از پیش‌بینی های پیش از همه‌گیری

پس از برآورد انقباض 3.3 درصدی در سال 2020، پیش‌بینی می‌شود اقتصاد جهانی 6 درصد در سال 2021 رشد کرده و رشد آن در سال 2022 به 4.4 درصد تعدیل شود. به طور کلی، قدرت بازایی پیش‌بینی شده در کشورهای مختلف، بسته به شدت بحران سلامت، میزان اختلالات داخلی در فعالیت (مربوط به وابستگی کشورها به بخشهای پر تماس)، قرار گرفتن در معرض سرریزهای مرزی، و-مهمتر از همه- اثربخشی سیاستهای حمایت در محدود ساختن آثار مداوم بحران متفاوت خواهد بود.

پس از سال 2022، رشد جهانی به 3.3 درصد در میان مدت تعدیل می‌شود. انتظار می‌رود آسیب مداوم به پتانسیل تولید در هر دو اقتصادهای پیشرفته و بازارهای نوظهور و رشد کندتر جمعیت نیروی کار به دلیل پیری جمعیت (تا حد زیادی در اقتصادهای پیشرفته، و البته در چند بازار نوظهور)، و توازن مجدد لازم به یک مسیر رشد پایدار در چین، بر چشم‌انداز رشد اقتصاد جهانی در میان مدت سایه بیافکنند. پیش‌بینی می‌شود سطح تولید ناخالص داخلی بیشتر کشورها تا سال 2024 پایین تر از مسیر پیش از همه‌گیری باقی بماند.

در بازارهای نوظهور و اقتصادهای در حال توسعه، داده های تهیه واکسن نشان می‌دهد که مراقبتهای بهداشتی موثر برای اکثر مردم در سال 2021 در دسترس نخواهد بود. محدودیتهای و اقدامات قرنطینه بیشتری ممکن است در سال 2021 و 2022 نسبت به اقتصادهای پیشرفته مورد نیاز باشد که این امر احتمال زیان میان مدت به تولید بالقوه این کشورها را افزایش می‌دهد. تمایز قابل توجهی میان چین - جایی که اقدامات کنترلی موثر، واکنش قوی سرمایه‌گذاری عمومی، و حمایت نقدینگی بانک مرکزی، بهبودی قوی را تسهیل کرده است- و دیگر کشورها قابل انتظار است.

برای منطقه نوظهور و در حال توسعه آسیا، پیش‌بینی ها برای سال 2021 به میزان 0.6 درصد به بالا اصلاح شده است که منعکس کننده بهبود قوی تر از آنچه که پس از رفع محدودیت ها در برخی از کشورهای بزرگ (به عنوان مثال، هند) انتظار می‌رفت است. با این حال، هنوز تعداد زیادی موارد کووید 19 در برخی از کشورهای بزرگ در سه ماهه اول سال 2020 وجود دارد (مانند اندونزی و مالزی) که این امر چشم‌انداز رشد را تحت الشعاع قرار می‌دهد. برای خاورمیانه و آسیای مرکزی، پیش‌بینی ها برای سال 2021 تقریباً بدون تغییر باقی مانده است، اما بازتاب تفاوت‌های قابل توجهی بین کشورها، بسته به مسیر همه‌گیری، توزیع واکسن، میزان وابستگی به گردشگری، تحولات قیمت نفت و فضا و اقدامات سیاستی است.

به دنبال کاهش شدید در سال 2020، فقط یک بهبود خفیف و چند سرعته در آمریکای لاتین و کارائیب در 2021 پیش‌بینی می‌شود. به لطف بهبود تولید در صنایع کارخانه‌ای جهان در نیمه دوم سال 2020، رشد در برخی کشورهای صادرکننده بزرگ منطقه از انتظارات فراتر رفت (به عنوان مثال، آرژانتین، برزیل و پرو) که این امر پیش‌بینی سال 2021 را به 4.6 درصد افزایش داد (بازبینی 1 درصدی). با این حال، چشم‌انداز بلندمدت همچنان به مسیر همه‌گیری وابسته است.

همه‌گیری همچنان تلفات انسانی زیادی را در جنوب صحرای آفریقا (به ویژه، به عنوان مثال، غنا، کنیا، نیجریه و آفریقای جنوبی) به دنبال دارد. به دنبال بزرگترین افت رشد در منطقه (1.9- درصد در سال 2020)، انتظار می‌رود رشد در سال 2021 به 3.4 درصد برسد که به طور قابل توجهی پایین تر از روند پیش‌بینی شده در پیش از همه‌گیری است.

فشار تورمی در بیشتر کشورها تحت کنترل باقی خواهد ماند

همانطور که اشاره شد، انتظار می‌رود قیمت کالاها (به ویژه نفت) در ماه‌های آینده بیشتر تقویت شود. با توجه به سطح پایین آنها در یک سال قبل، قیمت‌های بالاتر قاعدتاً به طور مکانیکی به افزایش تورم منجر خواهد شد. این چشم‌انداز نشان‌دهنده تحولات در بازار کار است که در آن رشد دستمزدها کاهش یافته و قدرت چانه‌زنی کارگران اخیراً با بیکاری زیاد و نرخ مشارکت کمتر توأم شده است. علاوه بر این، منحنی‌های فیلیپس در سال‌های اخیر مسطح‌تر شده‌اند که این امر منعکس‌کننده عوامل مختلفی از جمله جهانی شدن، اتوماسیون و افزایش تمرکز بازار، و قدرت مونوپسونی بالاتر بنگاه‌ها در بازار کار است. این که آیا تورم به طور اورشوت کرده و یا در میان‌مدت روندی صعودی را در پیش خواهد گرفت، دلالت‌های مختلفی دارد و در وهله اول به معتبر بودن چارچوب‌های پولی و واکنش مقامات پولی به افزایش فشار تورم بستگی دارد.

انتظار می‌رود تجارت فرامرزی خدمات در سطح پایین باقی بماند

با تقویت بهبودی در سال 2021، پیش‌بینی می‌شود تجارت جهانی به 8.4 درصد برسد که عمدتاً به دلیل افزایش مجدد حجم تجارت کالا است. انتظار می‌رود تجارت فرامرزی خدمات (گردشگری، حمل و نقل) تا زمانی که همه‌گیری در همه جا تحت کنترل دربیاید، پایین باقی بماند.

یک عدم قطعیت فراگیر و ریسک‌های زیاد

از آنجا که مسیر همه‌گیری بسیار نامشخص است، تعیین تعادل ریسک‌ها پیرامون چشم‌انداز مرکزی بسیار مشکل است؛ ریسک‌ها در هر دو سو فراوان است. واکسن‌های جدیدی که راهی را برای بهبود دوباره بگشایند به صورت مداوم در حال تأیید بوده، با این حال، عدم قطعیت در مورد اثربخشی آنها در برابر گونه‌های جدید ویروس همچنان باقی است. تاخیر در واکسیناسیون تمام نقاط جهان می‌تواند به جهش‌های ویروسی مقاوم در برابر واکسن منجر شده و شیوع‌های جدید می‌تواند در هر زمان و مکان شروع شود که این امر محدودیت‌ها برای کنترل سرایت ویروس را در پی خواهد داشت.

عوامل ریسک منفی اصلی شامل موارد زیر است:

• **احیای همه‌گیری:** نسخه‌های مقاوم به واکسن مانعی بالقوه برای فعالیت‌های اقتصادی به شمار می‌روند، همین امر برای ریسک‌های عملیاتی مانند تاخیر در تولید و توزیع واکسن نیز صادق است. این روند ناموزون در توزیع واکسن در

مناطق مختلف ممکن است به الگوهای شروع-توقف در پاسخ به ظهور دوباره موارد ابتلا بینجامد و در ادامه فاصله گذاری اجتماعی و عدم قطعیت را برای خانوارها، شرکت‌ها و سیاست‌گذاران به دنبال داشته باشد.

• **شرایط مالی بگرنج‌تر:** ارزیابی مجدد مبانی بازار (مانند پاسخ به تحولات نامطلوب کووید 19 یا اتمام زودتر از انتظار سیاست‌های حمایتی)، افزایش بازده اوراق دولتی (در پاسخ به بسته حمایتی دولت)، یا تجدید ارزیابی ریسک‌های تورمی (در پی افزایش تورم در چارچوب حمایت‌های پولی و مالی قابل توجه) می‌تواند باعث قیمت‌گذاری مجدد دارایی‌های مالی شود. قیمت‌های ریسکی ممکن است به شدت کاهش یافته و باعث بی‌ثباتی و ایجاد زیان‌های قابل توجه در موسسات مالی مهم غیربانکی شود.

• **آسیب گسترده:** اگرچه اقدامات سیاستی تاکنون از تبدیل بحران سلامت و شرایط اقتصادی به یک بحران مالی سیستماتیک (احتمالاً محدود کردن میزان آسیب که در غیر این صورت ممکن بود رخ دهد) جلوگیری کرده است، بحران کووید 19 هنوز می‌تواند منجر به آسیب قابل ملاحظه و مداوم به پتانسیل تولید شود. این امر ممکن است بواسطه به عنوان مثال، کاهش مشارکت نیروی کار، ورشکستگی‌ها و اختلالات مربوط به شبکه‌های تولید رخ دهد. هر چه رکود اقتصادی طولانی‌تر شود، به احتمال زیاد تداوم چنین اثراتی نیز بیشتر خواهد بود، به ویژه در بازارهای نوظهور و اقتصادهای در حال توسعه، که در آن رواج شرکت‌های نسبتاً کوچک و بازارهای سرمایه کم عمق می‌تواند سرمایه‌گذاری و اشتغال را برای مدتی طولانی مختل کند.

• **تشدید ناآرامی‌های اجتماعی:** در حالی که ناآرامی‌های اجتماعی در ماه‌های اول همه‌گیری کاهش یافت (به دلیل کاهش تحرک‌ها)، رویدادهای اخیر نشان می‌دهد که روند چند ساله پیش از همه‌گیری می‌تواند به سرعت دوباره تکرار شود - به ویژه در کشورهایی که پیشرفت مسائل اساسی اجتماعی و سیاسی در آنها متوقف شده و بحران چالش‌ها و مسائل پیشین را نمایان یا تشدید کرده است.

• **افزایش بلایای طبیعی:** فراوانی و شدت بلایای طبیعی ناشی از آب و هوای نامساعد که به تغییرات آب و هوایی مربوط می‌شود در سال‌های اخیر افزایش یافته است که این امر خسارات زیادی را در حوزه تلفات انسانی و معیشت ضروری وارد کرده است. برخی اقتصادهای کوچک و مستعد حتی ممکن است خسارات نسبتاً بزرگ اقتصادی را متحمل شوند، به ویژه به این دلیل که واکنش سیاستی در قبال همه‌گیری از ظرفیت بودجه‌ای آنها کاسته و توانایی آنها برای مقابله با افزایش ناگهانی در نیازها به مراقبت‌های بهداشتی را کاهش داده است.

• **ریسک‌های ژئوپلیتیک، تجاری و فناوری:** بسیاری از عوامل ریسک پیش از کووید 19 همچنان برقرار هستند. تنش بین آمریکا و چین در جبهه‌های متعدد، از جمله در حوزه تجارت بین‌المللی، مالکیت معنوی و امنیت سایبری همچنان بالا باقی خواهد ماند. نابرابری‌های اقتصادی داخلی ناشی از همه‌گیری نیز ممکن است باعث ایجاد موانع تجاری جدید، با انگیزه حمایت از کارگران محلی شود.

اولویت‌های سیاستی

با وجود چشم‌اندازی که در بین کشورهای مختلف متفاوت است، اهداف کلان سیاستی همچنان به طور قابل ملاحظه‌ای یکنواخت هستند. مهمترین آنها غلبه فوری بر بحران سلامت و بازگرداندن اشتغال به سطوح نرمال است. فراتر از این، کشورها باید تاثیر بلندمدت بحران را از طریق محدود کردن آسیب‌های ناشی از شرکت‌های زامبی به حداقل رسانده و نابرابری را - چه در داخل و چه در سراسر کشورها کاهش دهند. در آینده، تهدید ناشی از تغییرات آب و هوایی با فشار

بیشتری همراه خواهد بود که این امر خواستار اقدام جسورانه در راستای محدود کردن انتشار گازهای گلخانه‌ای، به ویژه برای آلاینده‌های بزرگ است.

همکاری قوی بین‌المللی برای دستیابی به این اهداف و حصول اطمینان از اینکه بازارهای نوظهور و کشورهای در حال توسعه کم درآمد همچنان شکاف بین استانداردهای زندگی خود و اقتصادهای با درآمد بالا را تنگ تر می‌سازند ضروری است. در بخش مراقبتهای بهداشتی، این به معنی اطمینان از تولید کافی واکسن در سراسر جهان و توزیع جهانی با قیمت مقرون به صرفه است؛ به طوریکه همه کشورها بتوانند سریع و قاطعانه با همه‌گیری مقابله کنند. محدودیتهای صادراتی بر روی واکسن، نهاده‌های تولید واکسن و کالاهای پزشکی باید برداشته شود. جامعه بین‌المللی نیز باید همکاری نزدیک داشته تا اطمینان حاصل کند که اقتصادهای دارای محدودیت مالی از دسترسی کافی به نقدینگی بین‌المللی جهت تداوم مراقبتهای بهداشتی و همچنین سایر زیرساختهای اجتماعی لازم برای توسعه و همگرایی به درآمد سرانه بالاتر برخوردار هستند.

در حالی که اهداف سیاستی ممکن است مشابه باشد، سیاستهای مورد نیاز برای دستیابی به آنها باید متناسب با شرایط خاص کشورها تنظیم شود. برای تحمیل نوعی ساختار بر این تنوع سیاستی، اولویتهای سیاستی باید بر حسب اضطرار تقسیم شوند: اقدامات فوری؛ طرحها برای اطمینان از بازیابی فعالیتهای اقتصادی؛ و اقدامات برای ایجاد اقتصادی از حیث محیط زیستی پایدار، انعطاف‌پذیر و فراگیر برای جهان پس از کووید 19. این البته تا حدودی تقریبی است؛ در عمل، خطوط بین مراحل متوالی مبهم بوده و ممکن است کشورها نیاز به انجام برخی سیاستهای مرتبط با مراحل بعدی بحران باشند.

با توجه به عدم قطعیت بالا پیرامون چشم‌انداز، سیاستگذاران باید سیاستهایی را در اولویت قرار دهند که صرفنظر از وضعیت غالب جهان دوراندیشانه باشند- به عنوان مثال، تقویت حمایتهای اجتماعی با صلاحیت بیشتر برای بیمه بیکاری برای تحت پوشش قرار دادن مشاغل آزاد و غیر رسمی؛ اطمینان از منابع کافی برای مراقبتهای بهداشتی، برنامه‌های پرورش کودکان، آموزش و پرورش حرفه‌ای؛ و سرمایه‌گذاری در زیرساختهای سبز برای تسریع در گذار به وابستگی کمتر به کربن.

گزارش دوم: پیامدهای بعد از همه‌گیری کووید 19: چشم‌انداز خسارت اقتصادی میان‌مدت

همه‌گیری کووید 19 منجر به یک رکود شدید جهانی شده به طوری که اثرات آن در کشورهای مختلف متفاوت بوده است. یک سوال کلیدی که سیاست‌گذاران با آن روبرو هستند دامنه آسیبی است که ممکن است در پی بحران محقق شود. این فصل به بررسی اثرات مداوم احتمالی همه‌گیری و مجاری که از طریق آن ممکن است رخ دهند می‌پردازد. زیان انتظاری ناشی از همه‌گیری بر تولید میان‌مدت قابل ملاحظه است، به طوری که انتظار می‌رود تولید جهانی در سال 2024 حدود 3 درصد پایین‌تر از پیش‌بینی قبل از همه‌گیری باشد. پیش‌بینی می‌شود که زیان‌ها نسبت به بحران مالی کمتر باشد، با فرض برطرف شدن همه‌گیری جهانی تا پایان سال 2022. درجه آسیب مورد انتظار ناشی از بحران در بین کشورها بسته به نوع ساختار اقتصادی و اندازه واکنش سیاستی متفاوت است.

انتظار می‌رود بازارهای نوظهور و اقتصادهای در حال توسعه بیشتر از اقتصادهای پیشرفته دچار آسیب شوند. جهت محدود کردن آسیب ناشی از بحران، سیاست‌گذاران باید از بخش‌های آسیب‌دیده و کارگران بیشترین حمایت را فراهم سازند. سیاست‌های درمانی برای شکست موانع بر سر راه انباشت سرمایه انسانی، اقدامات برای افزایش سرمایه‌گذاری، و برنامه‌ها جهت حمایت از تخصیص مجدد (آموزش مجدد، آموزش مهارت، و رویه‌های ورشکستگی) عوامل اصلی برای رفع زیان‌های بلندمدت تولید ناخالص داخلی و نابرابری خواهد بود.

مقدمه

بحرانی که شبیه هیچ بحران دیگری نیست. بیماری همه‌گیری کووید 19 منجر به رکود شدید جهانی شد که از بسیاری جهات منحصر به فرد است. رکود در سال 2020 در مقایسه با بحرانهای جهانی قبلی بسیار ناگهانی و عمیق بود، اگرچه واکنش سیاستی در بسیاری از کشورها سریع و قابل ملاحظه بود. تولید جهانی حدود سه برابر بیشتر نسبت به بحران مالی کاهش یافت. بحران همه‌گیری همچنین به دلیل اثرات آن در بخشها و کشورها، کانال‌های پیچیده انتقال و عدم اطمینان بالا در مورد مسیر بهبود (با توجه به اینکه بهبودی بستگی به سرنوشت خود و ویروس دارد) از سایر بحران‌ها متمایز است.

پاسخ سیاستی فوق‌العاده. پاسخ سیاستی نیز بی‌سابقه بوده است - هم از حیث اندازه، به ویژه در اقتصادهای پیشرفته و هم از حیث استفاده از اقدامات "رگ حیاتی" برای بهبود سیستم‌های مراقبت‌های بهداشتی و تقلیل آسیب به خانوارها، کارگران و بنگاه‌ها. حدود 40 درصد پاسخ مالی در گروه 20 (G20) اقتصادهای پیشرفته (30 درصد در اقتصادهای نوظهور G20) به شرکت‌ها و طرح‌هایی برای حفظ اشتغال هدایت شد. حمایت در بازارهای نوظهور و اقتصادهای در حال توسعه به طور کلی محدودتر بوده است.

عدم قطعیت استثنایی. ادامه عدم قطعیت در مورد مدت زمان بحران سلامت، همه‌جنبه‌های مسیر بهبودی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. علاوه بر این، سوالات در مورد اثرات دائمی بالقوه شوک با تداوم همه‌گیری برجسته‌تر می‌شود: چه میزان آسیب (آسیب مداوم به پتانسیل تولید) ممکن است رخ دهد؟ این میزان در کشورهای مختلف، متفاوت است چرا که دامنه بحران سلامت با ساختار اقتصادی کشورها ارتباط دارد.

تقاضا و عرضه در اقتصادهای کم تماس: چاشنی شوک همه‌گیری

با توجه به ماهیت منحصر به فرد بحران، بررسی مختصری از شوکهای عرضه و تقاضا می‌تواند به تشریح انتقال اثرات اقتصادی همه‌گیری و تأثیرات متفاوت آن در سراسر جهان کمک کند. بخشها را می‌توان بر اساس شدت تماس و آسیب‌پذیری آنها در برابر اختلال ناشی از همه‌گیری به چهار گروه تقسیم طبقه بندی کرد.

• در طرف عرضه، قرنطینه ظرفیت بهره‌وری موثر را کاهش داد. برخی از مشاغل نیز بهره‌وری پایین تر را تجربه کردند، زیرا آنها مجبور شدند به منظور افزایش فاصله فیزیکی بین کارگران به سازماندهی مجدد تولید مبادرت ورزند. سرریز این شوکهای اولیه عرضه از طریق پیوندها در شبکه های تولید بر عرضه سایر بخشها نیز اثر گذاشت.

• تقاضا به دلیل کاهش تحرک و افزایش پس اندازهای احتیاطی در پی عدم قطعیت بالا کاهش یافت. شوکهای اولیه عرضه نیز افت تقاضا را به دنبال داشت. انتقال اثرات شوک عرضه در بسیاری از موارد توسط خانوارها و بنگاه های دارای محدودیت نقدینگی که وادار شدند مخارج خود را کاهش دهند (که منجر به اخراج بیشتر و کاهش بیشتر هزینه های خصوصی شد) تقویت شد.

به طور کلی، رکود اقتصادی در نیمه اول سال 2020 به بهترین شکل به عنوان ترکیبی از یک شوک عرضه اولیه عظیم و کاهش شدید تقاضا که اثرات آن از طریق شبکه های تولید منتشر شد قابل درک است. اقدامات سریع انجام شده توسط سیاست‌گذاران، درآمد خانواده ها و جریان نقدی شرکتها را تضمین نموده و از انتشار سریع شوک از کانال بخش مالی و کانالهای تقاضا جلوگیری کرد.

شوکهای عرضه حدود دو سوم کاهش اشتغال و تولید در ایالات متحده را در سه ماهه دوم سال 2020 به خود اختصاص می‌دهد، البته در این میان شوکهای زیاد تقاضا در خدمات غذایی، اقامت، و بخشهای گردشگری نیز در این امر دخیل بوده اند. در نتیجه تأثیر متفاوت در بخشهای مختلف، کشورهایی که سهم بیشتری از بخشهای پر تماس را داشتند بیشتر در معرض رکود همه‌گیری بوده و افت بیشتری را متحمل شدند.

کشورهای وابسته به گردشگری به شدت تحت تأثیر قرار گرفته و نسبت به طول بحران و محدودیت های مربوط به سفر آسیب پذیر بوده اند. در داخل کشورها، بحران اثرات نامتوازنی بر کارگران و بنگاه ها داشته است. کاهش اشتغال به طور نامتناسبی در بین کارگران با مهارت پایین متمرکز بوده است، در حالی که خروج کارگران از مشاغل کوچک به ظاهر در حال افزایش است.

به طور کلی، احتمال ایجاد آسیب میان مدت از قبل همه‌گیری در یک اقتصاد به تعامل چهار عنصر مرتبط است:

(1) آینده مسیر همه‌گیری و اقدامات مربوط به مهار آن؛

(2) تأثیر شدیدتر همه‌گیری بر بخشهای پر تماس؛

(3) قابلیت مشاغل و کارگران جهت انطباق با محیط کار و معاملات کم تماس؛ و

(4) اثربخشی پاسخ سیاستی در محدود کردن آسیب‌های اقتصادی.

درعین حال، همه‌گیری به افزایش دیجیتالی شدن و نوآوری در تولید و فرآیندهای تحویل دامن زده که این امر به احتمال زیاد به جبران شوک بهره‌وری نامطلوب در برخی از کشورها کمک خواهد کرد، اگرچه عمده کشورها فاقد پیش نیاز اتصال

گسترده و قابل اعتماد هستند. این عوامل در کنار هم نشان می‌دهد که چشم‌انداز آسیب ناشی از بحران همه‌گیری در کشورهای مختلف بسته به قرار گرفتن در معرض شوک کووید 19 متفاوت است. این تا حدی به ساختار تولید اقتصاد کشورها و نحوه انتقال شوک‌های همه‌گیری مربوط می‌شود.

رکودها به طور معمول شامل تقویت شوک از طریق سرریزهای بخشی است

در حالی که بخش‌های پرتماس، مانند رستوران‌ها و تجارت خرده‌فروشی، از اهمیت کمتری در شبکه‌های تولید به عنوان مثال، بخش انرژی یا واسطه‌گری مالی برخوردار هستند و مشخص شد که بازه زمانی اختلال در عرضه کوتاه‌تر از آن چیزی است که در ابتدا تصور می‌شد، تحلیل‌ها بر مبنای استانداردهای تاریخی از سرریزهای بزرگ به دلیل اندازه اختلال کووید 19 حکایت دارد. این سرریزها شوک‌های اولیه را در بخش‌های مشمول محدودیت‌های قرنطینه به میزان قابل توجهی تقویت کرده و ممکن است باعث زیان‌های متداوم در تولید شود. به طور خاص، تجزیه و تحلیل نشان می‌دهد که زیان‌ها محدود به بخش‌های پرتماس نبوده و می‌توانند تا حد زیادی از طریق شبکه‌های تولید تقویت شوند.

در مورد شوک بهره‌وری، مجموع اثرات سرریز به طور متوسط تقریباً دو برابر بیشتر از اثرات درون بخشی بوده است. در خصوص شوک مخارج دولت، اثرات سرریز به طور گسترده‌ای به همان اندازه شوک عرضه بوده، در حالی که اثرات درون بخشی شوک کوچکتر بودند. در نتیجه، اندازه نسبی اثرات سرریز، در مقایسه با اثرات درون بخشی برای شوک مخارج دولت حدود هفت برابر بیشتر از شوک بهره‌وری است. اثرات سرریز برای هر دو نوع شوک ماندگار بوده و تا پنج سال پس از شوک باقی می‌ماند هرچند که اثرات سرریز شوک‌های بهره‌وری ماندگارتر است. این بدان معنی است که همه‌گیری نه تنها فعالیت را در بخش‌هایی که مستقیماً در معرض شوک کووید 19 قرار داشتند کاهش داد بلکه اثرات آن از طریق سرریز به بخش‌های متصل تقویت شد.

دلالت‌های میان‌مدت: خسارات ناشی از کووید 19 بر تولید تا چه حد ماندگار به نظر می‌رسند؟

رکورد تاریخی نشان می‌دهد که اکثر رکودها آسیب‌های مداوم بر جای می‌گذارند- عمدتاً از طریق رشد بهره‌وری کمتر (در مورد رکودهای همه‌گیری و بحران‌های مالی) انباشت کندتر سرمایه. علاوه بر این، شوک‌های نامطلوب بهره‌وری متمرکز در برخی از بخش‌ها می‌توانند انتشار یافته و به دیگر بخش‌ها سرایت کنند که این امر رکود گسترده‌تر را به دنبال خواهد داشت.

علاوه بر این، واکنش بی‌سابقه سیاستی به حفظ روابط اقتصادی کمک کرده و ضمن تضمین درآمد خانوارها و جریان نقدی شرکتها و از تقویت شوک طریق بخش مالی جلوگیری کرد. این اقدامات به بهبود فعالیتهای اقتصادی کمک شایانی کرده است. علاوه بر این، پس‌اندازهای قابل توجهی از سوی خانوارها در طول همه‌گیری انباشته شد (به عنوان مثال، در اقتصادهای پیشرفته) که این امر به آزاد شدن احتمالی تقاضا و افزایش رشد پس از پایان بحران سلامت و لغو محدودیتها اشاره دارد. این عوامل نشان می‌دهد که براساس الگوهای گذشته، شدت خسارات میان‌مدت به دنبال انقباض شدید تولید در سال 2020 می‌تواند کمتر از آن چیزی باشد که عمق بحران گویای آنست.

با در نظر گرفتن این عدم قطعیت، چشم‌انداز میان‌مدت (افق پنج ساله) در پیش‌بینی فعلی نسبت به پیش‌بینی‌های قبل از همه‌گیری، زیان‌های تولید در اقتصاد جهانی را حدود 3 درصد برآورد می‌کند. در مقایسه، خسارت ماندگار از قبل بحران مالی جهانی برای کل جهان در یک مدت مشابه تقریباً 10 درصد بزرگتر بود. زیان‌های کوچکتر جهانی که در حال حاضر از قبل همه‌گیری قابل انتظار است، در مقایسه با بحران مالی جهانی، منعکس‌کننده تأثیرات شدیدتر بر اقتصادهای

پیشرفته و به میزان کمتری در بازارهای نوظهور است. متقابلاً، انتظار می‌رود کشورهای با درآمد کمتر در این زمینه به طور متوسط، نسبت به وضعیت بحران مالی جهانی بدتر عمل کنند.

علاوه بر این، پیش‌بینی می‌شود زیانهای اقتصادی در کشورهای پیشرفته‌ای بسیار کمتر از بازارهای نوظهور و اقتصادهای در حال توسعه باشد که این امر به احتمال زیاد منعکس کننده سیاست‌های حمایتی جامع‌تر و دسترسی سریع‌تر به واکسن و درمان در این کشورها است. انتظار می‌رود زیان‌ها در بین کشورهای کم‌درآمد با توجه به فضای محدود سیاستی آنها بیشتر باشد. سطح متوسط درآمد، ساختار بخشی اقتصاد (وابستگی آن به گردشگری و سهم آن از خدمات در پیش از بحران)، و اندازه سیاست‌های بودجه‌ای در سال 2020 تا حد زیادی تفاوت در اقتصادهای مختلف را توضیح می‌دهد.

بیشترین تأثیر بحران متوجه اقتصادهای با بیشترین وابستگی به گردشگری است به طوری‌که افزایش یک انحراف استاندارد در سهم گردشگری و سفر از تولید ناخالص داخلی، کاهش 2.5 درصدی تولید در سال 2022 را به دنبال دارد. قرار گرفتن در معرض همه‌گیری از کانال گردشگری تا حدی در گذر زمان از بین خواهد رفت اما نزدیک به 2 درصد در سال 2024 باقی خواهد ماند. اقتصادهای با بخش خدمات بزرگتر نیز احتمالاً زیان‌های بزرگتر تولید را تجربه خواهند کرد (0.5 درصد کاهش در تولید مورد انتظار در سال 2022). سیاست‌های حمایتی در این میان نقش مهمی ایفا می‌کند. پیش‌بینی می‌شود کشورهایی که اقدامات بودجه‌ای بیش از حد متوسطی در قبال همه‌گیری گسترده داشته‌اند، با فرض ثبات سایر شرایط، زیان‌های کمتری را تجربه کنند.

سیاست‌ها جهت محدود کردن خسارات ناشی از بحران

تجربه رکودهای گذشته، اهمیت اجتناب از اضطراب مالی همزمان با گسترش پاسخ سیاستی در قبال همه‌گیری را برجسته می‌سازد. برای جلوگیری از خساراتی که می‌تواند از بی‌ثباتی مالی آینده ناشی شود، می‌بایست اقدامات از جمله تأمین اعتبار و در عین حال انعطاف‌پذیری ترازنامه و بافرهای مناسب در دستور کار قرار گیرد.

با افزایش پوشش واکسن و لغو محدودیتهای عرضه، کشورها باید پاسخ سیاستی خود را با توجه به مراحل مختلف همه‌گیری تنظیم کنند. حمایت بودجه‌ای هدفمند که اثرات بخشی مختلف بحران را هدف قرار می‌دهد، در حین برقراری محدودیتهای عرضه، مثمرتر بوده، حال آنکه سرمایه‌گذاری عمومی می‌تواند به افزایش عرضه و تقاضا همزمان با لغو محدودیتهای کمک کند. هر جا که فضای سیاستی اجازه دهد، سیاست‌گذاران باید ترکیبی از حمایت‌های هدفمندتر برای خانوارهای و بنگاه‌های آسیب دیده را اتخاذ کرده و سرمایه‌گذاری عمومی باید به موارد زیر معطوف گردد:

- حذف موانع بر سر راه انباشت سرمایه انسانی و تشویق اشتغال؛

- حمایت از بهره‌وری؛

- افزایش سرمایه‌گذاری.

فصل سوم: چشم‌انداز اقتصاد منطقه خاورمیانه و آسیای مرکزی،

نجات از بحران کووید 19: ساختن آینده‌ای بهتر

تحولات و چشم‌انداز منطقه‌ای

یک سال پس از همه‌گیری ویروس کرونا (کووید 19)، رقابت بین واکسن و ویروس در خاورمیانه و آسیای میانه وارد مرحله جدیدی شده و پیش‌بینی می‌شود مسیر بهبود در سال 2021 طولانی و واگرا باشد. چشم‌انداز در بین کشورها بسته به مسیر همه‌گیری، توزیع واکسن، شکنندگی‌های اساسی، قرار گرفتن در معرض گردشگری و بخش‌های پرتماس و فضا و اقدامات سیاستی به طور قابل توجهی متفاوت خواهد بود. سال 2021 سال سیاست‌ها که به نجات جان و بهبود معیشت انجامیده و در عین حال نیاز به پایداری بدهی و انعطاف‌پذیری مالی را متعادل می‌کند، خواهد بود. در عین حال، سیاست‌گذاران نباید چالش‌های تحول آفرین برای پیشرفت بهتر و تعجیل در خلق اقتصادهای جامع تر، انعطاف‌پذیرتر، پایدارتر و سبزتر را فراموش کنند. همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی مکمل‌های اساسی برای سیاست‌های داخلی قوی خواهد بود.

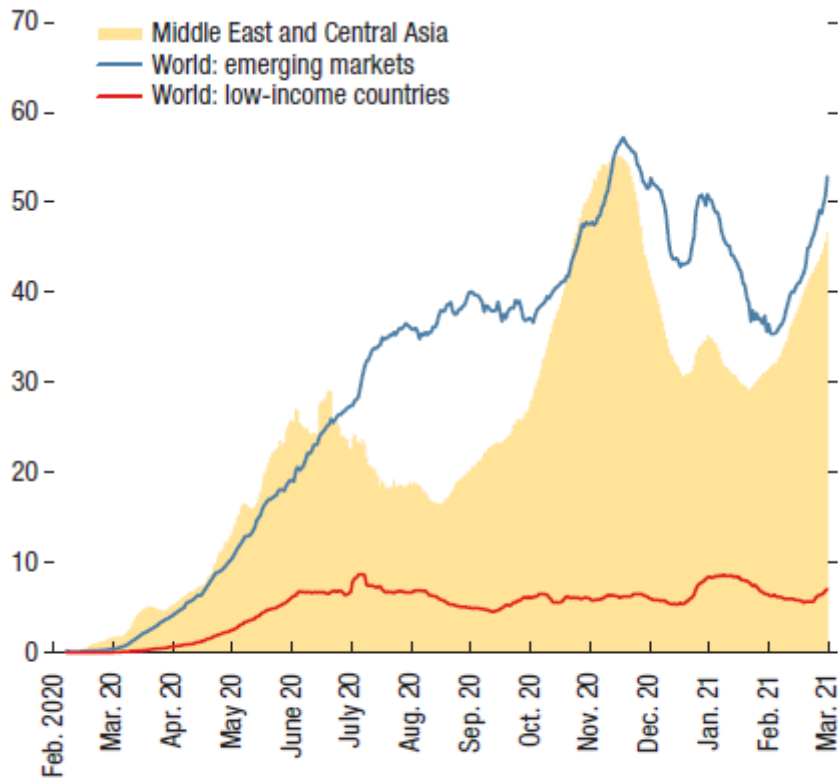
یک سال پس از همه‌گیری: خاورمیانه و آسیای میانه کجا ایستاده است؟

یادگیری زندگی در کنار همه‌گیری کووید 19 و کمپین‌های واکسیناسیون

یک سال پس از ظهور همه‌گیری، کووید 19 همچنان به تخریب اقتصاد جهانی و خاورمیانه و آسیای میانه ادامه می‌دهد. کاهش محدودیت‌های اعمال شده در اوایل سال گذشته (موج اول) و متعاقباً افزایش فعالیت‌ها طی ماه‌های تابستان منجر به موج جدید شیوع ویروس در اواخر سال گذشته شد (موج دوم) (نمودار 1). چندین کشور شکننده و بحران زده (سومالی، سوریه و یمن) نرخ شیوع و میزان مرگ و میر نسبتاً کمتری را گزارش کردند. با این حال، آزمایش و ظرفیت ناکافی مراقبت‌های بهداشتی نشان می‌دهد که ابعاد واقعی گسترش همه‌گیری احتمالاً بیش از این بوده است. در پاسخ، بسیاری از کشورها مجدداً قرنطینه و سایر محدودیت‌های هدفمند را در اواخر سال 2020 اعمال کردند، هرچند محدودیت‌های کمتری برای کار و مسافرت در مقایسه با موج اول اعمال شد و لذا افت فعالیت‌ها به مراتب کمتر بود. پس از کاهش سریع در اوایل در سال 2021، میزان شیوع و مرگ و میر دوباره افزایش یافت و هشت کشور انواع جدیدی از کووید 19 را گزارش کرده اند.

در همین حال، رقابت بین واکسن و ویروس وارد مرحله جدیدی شد. کمپین‌های واکسیناسیون در چند کشور آغاز شده است، اما دسترسی به منابع کافی واکسن برای بسیاری دیگر همچنان یک چالش محسوب می‌شود.

نمودار 1. نرخ شیوع ویروس کورونا



Sources: Johns Hopkins University Center for Systems Science and Engineering (CSSE); and IMF staff calculations.

واکسیناسیون اولیه: بیشتر کشورها در این گروه (که شامل کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، قزاقستان و مراکش است) واکسیناسیون را در دسامبر 2020 یا ژانویه 2021 آغاز کرده و انتظار می‌رود که سهم قابل توجهی از واکسیناسیون مردم خود را تا پایان سال 2021 انجام دهند.

واکسیناسیون کند: با توجه به محدودیت در توافقنامه‌های خرید یا کمبود بودجه در این کشورها، انتظار می‌رود چالش‌هایی را برای واکسیناسیون انبوه ایجاد کند. 13 کشور و سرزمین در این گروه (افغانستان، الجزایر، جیبوتی، مصر، ایران، عراق، اردن، لبنان، لیبی، پاکستان، تونس، ازبکستان، کرانه باختری و غزه) تلقیح را با پوشش محدود آغاز کردند و به طور کلی انتظار نمی‌رود که واکسیناسیون بخش قابل توجهی از جمعیت آنها تا حداقل اواسط سال 2022، با توجه به نبود تلاش‌های اضافی، مانند کمک از جامعه بین‌المللی محقق شود.

واکسیناسیون متاخر: 11 کشور باقیمانده به خصوص کشورهای کم درآمد (LIC)، احتمالاً واکسیناسیون طولانی‌مدت را تجربه خواهند کرد، و در کوتاه‌مدت واکسیناسیون دو دوز فقط تا 20 درصد از جمعیت کشور را پوشش می‌دهد محدود می‌شود. با توجه به ظرفیت کم برای ذخیره و توزیع واکسن، کشورهای در این گروه انتظار نمی‌رود که تا سال 2023 و

در نبود تلاش‌ها برای در دسترس قرار دادن و مقرون به صرفه ساختن واکسن، واکسیناسیون کامل داشته باشند¹. با این حال، نشانه‌هایی از همکاری منطقه‌ای در خاورمیانه و منطقه آفریقای شمالی (MENA) برای کمک به این گروه دیده می‌شود: در امارات متحده عربی، کنسرسیوم Hope در حال کار بر روی ذخیره سازی و توزیع واکسن در منطقه بوده، و با عنایت به تلاش‌های اتحاد لجستیک واکسن² انتظار می‌رود تحویل دو میلیارد دوز واکسن در 2021 تحت کواکس را پشتیبانی کند.

پس زمینه‌ای بهتر از انتظار، اما آسیب‌پذیری‌های در حال ظهور برای برخی کشورها

فعالیت اقتصادهای پیشرفته و عمده اقتصادهای در حال ظهور بازگشت فراتر از انتظاری داشتند (چشم‌انداز اقتصاد جهانی آوریل 2021، فصل 1). به همین ترتیب، تجارت کالاهای جهانی در سه ماهه سوم سال 2020 نسبت به سقوط در نیمه اول بازگشت چشمگیری داشت. با این وجود تجارت خدمات فروکش کرده است و این نشان‌دهنده ضعف ادامه‌دار در بخش‌های گردشگری و مسافرت است.

قیمت کالاها مجدداً در مسیر بازگشت قرار گرفته‌اند. قیمت نفت از سه ماهه آخر سال 2020 رو به افزایش گزارده است که نشان‌دهنده بهبود تقاضای جهانی به‌همراه توافقنامه سازمان کشورهای صادرکننده نفت و دیگر توافق‌کنندگان تولیدکننده نفت (OPEC+) برای تمدید کاهش تولید نفت و اعلامیه عربستان سعودی در مورد کاهش بیشتر تولید است (نمودار 2). پس از سقوط به 27 دلار در هر بشکه در آوریل 2020، قیمت نفت در اواسط مارس 2021 به 67 دلار در هر بشکه (در حدود 4.5 درصد بالاتر از میانگین سال 2019) رسید. منحنی‌های آتی نفت نشان می‌دهد که قیمت‌ها در ماه‌های آینده نزدیک به سطوح فعلی رسیده و در پایان 2021 پیش از تعدیل به 53 دلار در هر بشکه در سال 2022 به 57 دلار در هر بشکه می‌رسند - همچنان پایین‌تر از متوسط 64 دلار در هر بشکه در سال 2019. در همان زمان، قیمت کالاهای غیرسوختی (به ویژه قیمت مواد غذایی) در نیمه دوم سال 2020 به طور قابل توجهی افزایش یافت و انتظار می‌رود در سال جاری همچنان بالا بماند. پیش‌بینی می‌شود شاخص قیمت مواد غذایی صندوق بین‌المللی پول در سال 2021 حدود 14 درصد افزایش یابد.

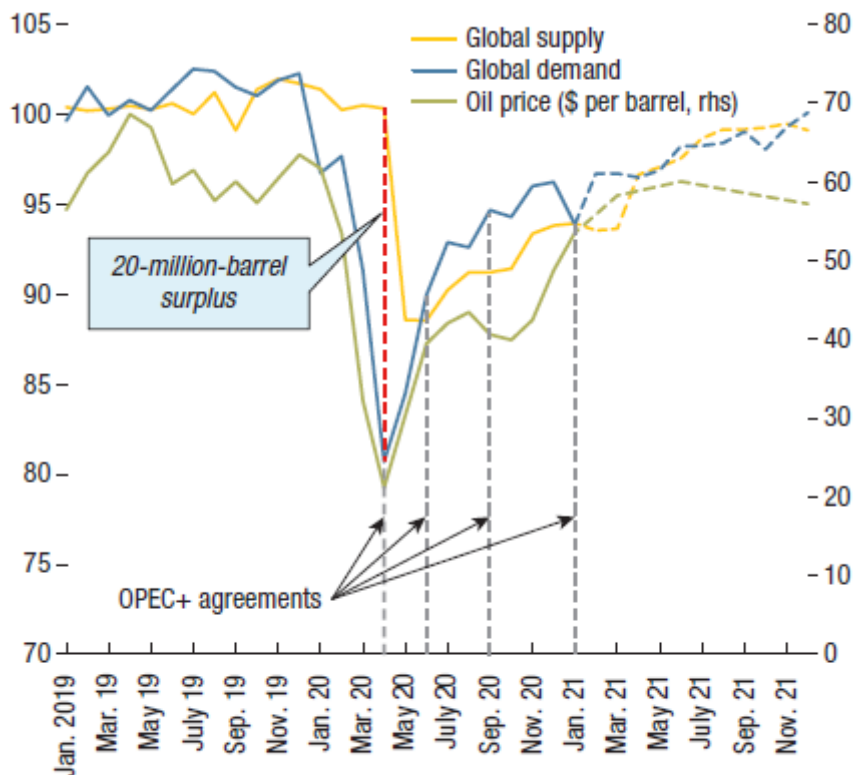
شرایط مالی جهانی با توجه به نرخ بهره و نرخ اسپرد³ جهانی پایین و زمینه مناسب برای انتشار اوراق حاکمیت در منطقه، به طور کلی مناسب بوده است (فصل 2). جریان سرمایه به بازارهای نوظهور در اواخر سال 2020 تثبیت شد و در آغاز سال 2021 افزایش یافت. پس از خروج حداقل 6 میلیارد دلار از منطقه در نیمه اول سال 2020، کل ورودی‌ها در شش ماه پایانی سال به 4 میلیارد دلار رسید. در اواخر فوریه 2021، مجموع جریان‌های سرمایه از آغاز همه‌گیری مثبت شده است. با این حال، این روند با افزایش اخیر بازده اوراق قرضه بلندمدت ایالات متحده به پایان رسید.

¹ طبق اعلام مرکز نوآوری سلامت جهانی دوک (Duke Global Health Innovation Center)، مدل‌های فعلی پیش‌بینی می‌کنند که تا سال 2023 یا 2024 واکسن کافی برای پوشش جمعیت جهان وجود نخواهد داشت. ظرفیت تولید را می‌توان با سرمایه‌گذاری هدفمند توسعه بخشید اما تا اندازه‌ای این امر امکان‌پذیر خواهد بود و نرخ آن محدودتر باقی خواهد ماند.

² . Vaccine Logistics Alliance

³ . Spread

نمودار 2. عرضه و تقاضای جهانی نفت (میلیون بشکه در روز)

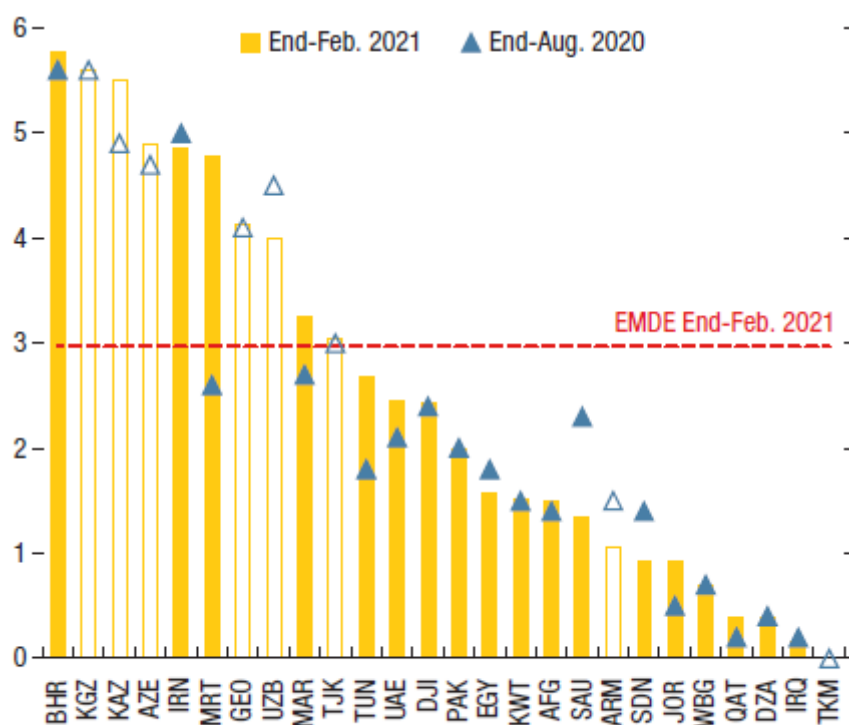


Sources: US Energy Information Administration (EIA) Short-Term Energy Outlook; and IMF World Economic Outlook database.

پاسخ‌های سیاستی قوی

بسته‌های مالی برای مهار اثرات همه‌گیری (بیشتر قبل از ماه آگوست) اجرا شدند و به طور متوسط حدود 2 درصد از تولید ناخالص داخلی بودند (نمودار 3). اگرچه بسیاری از کشورها با توجه به محدودیت فضای سیاستی، مخارج خود را مجدداً اولویت‌بندی کردند، اما سیستم‌های بهداشتی و رفاهی قوی به چندین صادرکننده نفت اجازه داد تا هزینه‌های اضافی مراقبت‌های بهداشتی را در بودجه موجود لحاظ کنند.

نمودار 3. بسته‌های مالی در پاسخ به کووید 19 (درصدی از GDP 2020)

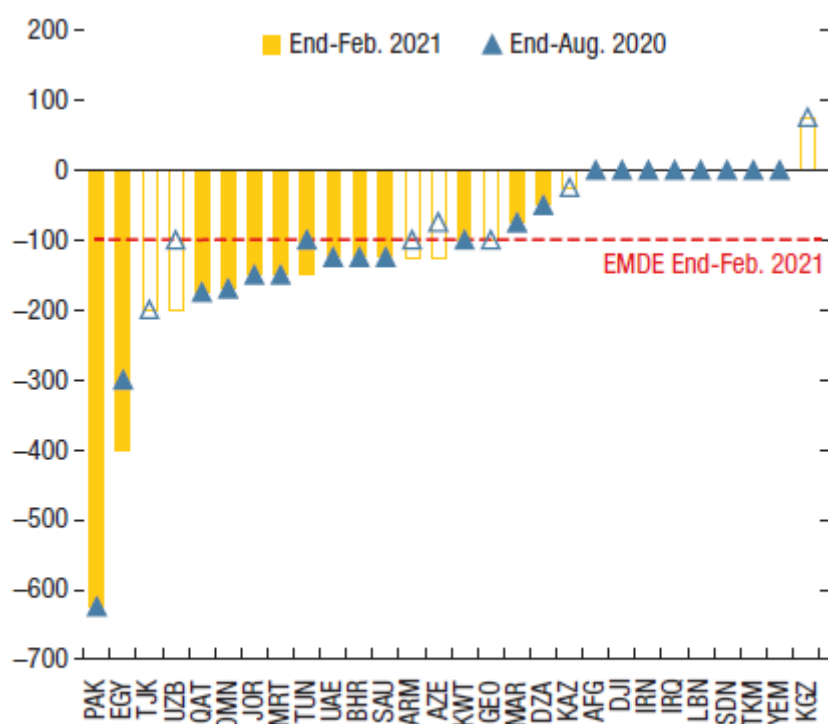


Sources: IMF COVID-19 Tracker; and IMF staff calculations.

انعطاف‌پذیر نرخ ارز در برخی موارد بخشی از شوک را جذب کرد. چندین کشور با نرخ ارز انعطاف‌پذیر در اوایل همه‌گیری ارزش پول ملی خود را کاهش دادند (ارمنستان، گرجستان، قزاقستان، جمهوری قرقیزستان، مراکش، پاکستان، تاجیکستان، تونس) و از آن زمان در برخی موارد روند نرخ ارز تا حدی معکوس شده است. برای کاهش نوسانات بیش از حد، در چند مورد (ارمنستان، مصر، گرجستان، قزاقستان، پاکستان) مداخله ارزی انجام شد.

در پایان ماه آگوست، اکثر بانک‌های مرکزی نیز نرخ سیاستی (نرخ بهره) خود را کاهش دادند. پس از پایان ماه آگوست، پنج بانک مرکزی نرخ‌های بیشتری را کاهش دادند، از 25 تا 100 صدم درصد: ارمنستان، آذربایجان، مصر، تونس و ازبکستان (نمودار 4). کل کاهش به ویژه در پاکستان و مصر به ترتیب جمعاً با 625 و 400 صدم درصد چشمگیر بود. بانک‌های مرکزی همچنین نرخ ذخیره قانونی را کاهش دادند، تمدید مهلت بازپرداخت وام را تشویق کرده، نقدینگی را تأمین کردند و به بانک‌ها اجازه دادند از حائل‌های حفظ سرمایه خود استفاده کرده و نرخ نقدینگی مورد نیاز را کاهش دهند.

نمودار 4. تعدیل نرخ سیاست پولی (تغییر در نرخ بهره نسبت به پایان سال 2019)



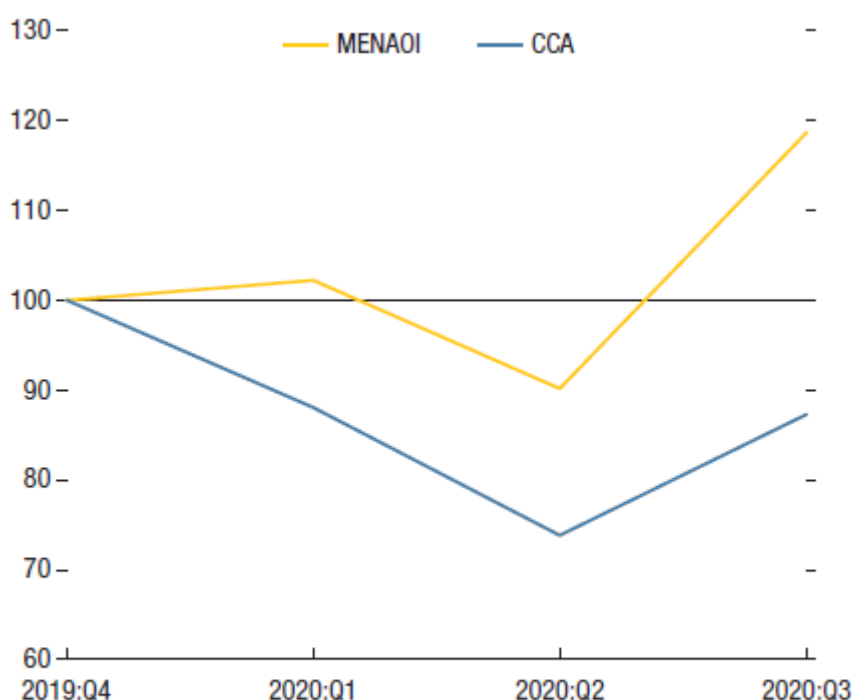
Sources: IMF COVID-19 Tracker; and IMF staff calculations.

فعالیت‌ها بهبود یافت، اما بهبود در بین بخش‌ها و بین کشورها ناهمگن است

فعالیت در نیمه دوم سال 2020 انعطاف‌پذیرتر بود. قرنطینه‌های هدفمندتری که در طول موج دوم استفاده شدند تأثیر کمتری بر تحرک عوامل اقتصادی داشتند که در فعالیت‌های اقتصادی منعکس شد. داده‌های موجود در مورد تولید ناخالص داخلی واقعی در منطقه نشان‌دهنده بازگشت جدی در سه ماهه سوم سال 2020 است چرا که کشورها مقررات قرنطینه را کاهش دادند. بیشتر شاخص‌های مدیران خرید تا اواسط سال 2020 به محدوده‌های انبساطی بازگشته و در اواخر سال 2020 و اوایل سال 2021 در برخی از صادرکنندگان نفت (قطر، عربستان سعودی و امارات متحده عربی) روند صعودی خود را ادامه دادند. با این حال، شاخص‌ها در برخی از واردکنندگان نفت (مصر) با افت همراه بودند، اگرچه دامنه آن نسبت به موج اول همه‌گیری، با شروع مجدد قرنطینه‌ها (لبنان)، کمتر بود.

حواله‌های ارسالی به کارگران نیز بهتر از حد انتظار بود. جریان‌های ارسالی در سه ماهه سوم سال 2020 پس از کاهش قابل توجه در سه ماهه دوم (نمودار 5) دوباره روند بازگشتی داشت که منعکس‌کننده ترکیبی از عوامل، از جمله بهبود گسترده در رشد سه ماهه سوم در کشورهای فرستنده حواله، تغییر سریع به کانال‌های رسمی انتقال به دلیل بسته شدن مرزها و مشوق‌های انتقال الکترونیکی (به عنوان مثال، پاکستان) بود. با توجه به الگوهای اشتغال فصلی در روسیه و کاهش ارزش روبل، کاهش اولیه حواله‌های قفقاز و آسیای میانه (CCA) بیشتر از منطقه MENA بود.

نمودار 5. حواله‌های ارسالی (شاخص 2019، سه ماهه چهارم=100)



Sources: Balance of payments; IMF, national authorities; and IMF staff calculations.

در نتیجه، تخمین زده می‌شود تولید ناخالص داخلی واقعی برای منطقه MENA در سال 2020، 3.4 درصد کاهش داشته باشد، یک بازبینی صعودی در حدود 1.6 درصد در مقایسه با پیش‌بینی‌های اکتبر سال 2020، که نشان‌دهنده پاسخ‌های سیاستی قوی‌تر در سراسر کشورها و بهبود قابل توجه در نیمه دوم سال، به ویژه برای صادرکنندگان نفت است. برآورد تولید ناخالص داخلی منطقه CCA اندکی به روز شده است (0.2 صدم درصد) که انقباض حدود 1.9 درصدی را نشان می‌دهد. با این حال، این امر اختلاف بین کشورها را پنهان می‌کند، زیرا کاهش در برخی از کشورها - که عمدتاً توسط عوامل خاص داخلی (ارمنستان، آذربایجان و ترکمنستان) ایجاد شد - با ارتقاء در سایر نقاط (جمهوری قرقیزستان، تاجیکستان، ازبکستان) تقریباً جبران شد.

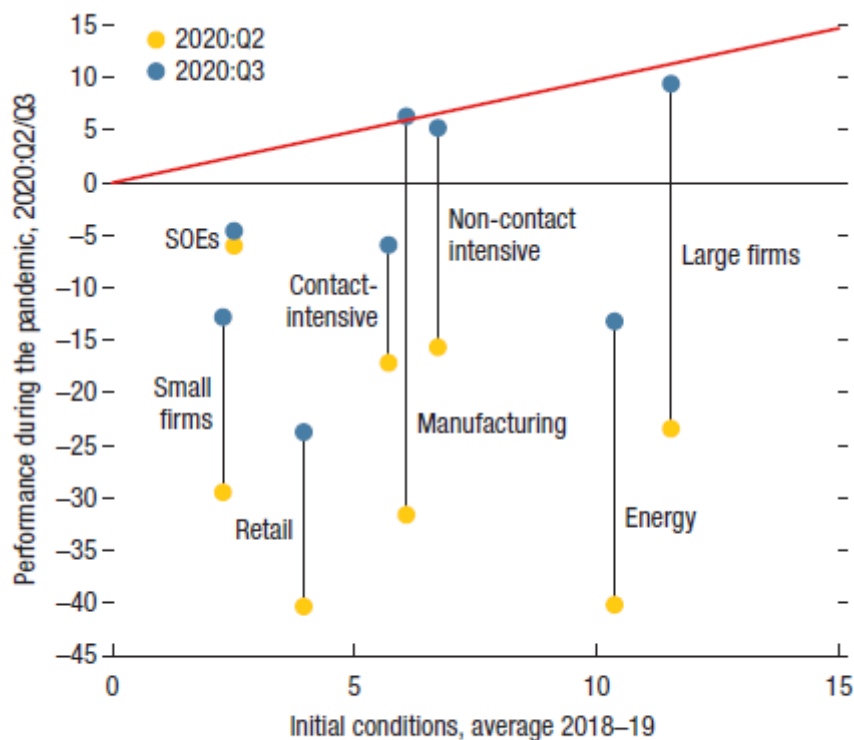
تورم علی‌رغم تقاضای ضعیف و هزینه‌های پایین انرژی شتاب گرفت. بر خلاف اقتصادهای نوظهور در سایر نقاط (به استثنای هند)، تورم اصلی در بسیاری از کشورهای منطقه افزایش داشت - که بخشی از آن ناشی از افزایش قیمت مواد غذایی، کاهش نرخ سیاستی و افت نرخ ارز در برخی کشورها است - به غیر از شورای همکاری خلیج فارس، اردن و مراکش که تورم همچنان پایین باقی ماند.

شرایط بازار کار همچنان ضعیف و ناهموار است. نتایج بازار کار به ویژه در مورد جوانان به طور چشمگیری در کل منطقه رو به زوال است. داده‌های موجود در مورد نرخ بیکاری اشاره به سطح بالا در نیمه دوم سال 2020 پس از افزایش در نیمه اول از 5 درصد در قزاقستان تا 25 درصد در اردن دارد. نرخ بیکاری جوانان، که پیش از همه‌گیری در بسیاری از

کشورها از نظر ساختاری بالا بود، در سه ماهه چهارم سال 2020 در مراکش به 32 درصد، در تونس 36.5 درصد و در اردن به 55 درصد رسید (بین 3 تا 10 درصد بالاتر از سطح پیش‌بینی). داده‌های سطح بنگاه نشان می‌دهد که دستمزد در بخش‌های پرتماس (به ویژه خرده‌فروشی)، که بیش از 55 درصد اشتغال بخش خصوصی قبل از همه‌گیری را در منطقه جذب کرده است، در سه ماهه دوم سال 2020 به طرز چشمگیری کاهش یافته و هنوز بهبود نیافته است، اما بخش‌های بدون تماس (به عنوان مثال، کالاهای مصرفی و تولید) کمتر تحت تأثیر قرار گرفتند و رشد مثبت را در سه ماهه سوم از سر گرفتند. در مقابل، دستمزد در شرکت‌های دولتی در نه ماهه اول سال 2020 رشد کرد که احتمالاً نشان‌دهنده حمایت دولت از شرکت‌های دولتی و اشتغال عمومی است.

احیای شرکت‌ها نیز ناهموار بود. شرکت‌های منطقه MENA و پاکستان در سه ماهه سوم سال 2020 (پس از انقباض تاریخی در نیمه اول سال) به طور ناهموار بهبود یافتند، به طوری که بخش‌های پرتماس (به ویژه خدمات و خرده‌فروشی)، شرکت‌های کوچکتر و آنهایی که با شرایط ضعیف‌تری وارد همه‌گیری شدند هنوز رشد مثبت درآمدی را ثبت نکرده‌اند. در مقابل، بخش‌های بدون تماس (به ویژه تولید) و شرکت‌های بزرگ بیشتر عملکرد قبل از همه‌گیری خود را باز یافته‌اند (نمودار 6).

نمودار 6. عملکرد درآمدی بنگاه‌های پاکستان و منا (درصد، سالانه)



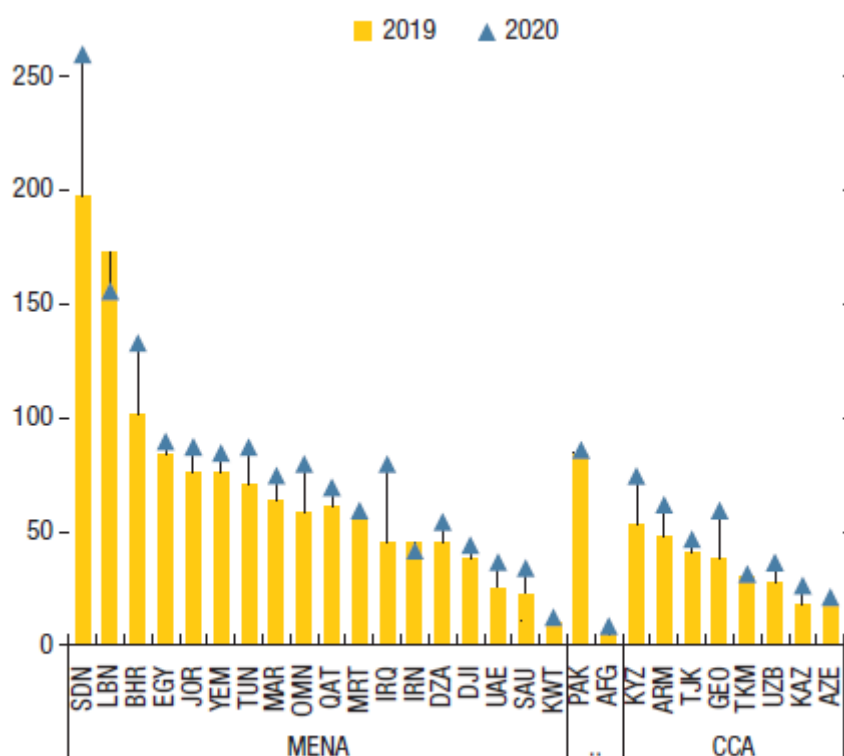
Sources: S&P Global Market Intelligence; Compustat; and IMF staff calculations.

حساب‌های مالی در سال 2020 به شدت در سراسر منطقه بدتر شد، که منعکس کننده درآمد پایین‌تر به دلیل کاهش تقاضای داخلی و افت قیمت نفت و همچنین اقدامات سیاستی برای کاهش تأثیر همه‌گیری است. صادرکنندگان نفت در مقایسه با واردکنندگان نفت، افت بزرگتری در بودجه عمومی خود ثبت کردند که نشان‌دهنده درآمد کمتر نفت است. برای

منطقه MENA، کسری‌های مالی از 3.8 درصد تولید ناخالص داخلی در سال 2019 به 10.1 درصد تولید ناخالص داخلی در سال 2020 افزایش یافت. برای CCA، تراز مالی از مزاد 0.5 درصد تولید ناخالص داخلی در سال 2019 به 5.6- درصد تولید ناخالص داخلی کاهش یافت.

بدهی دولت از 47.6 درصد در سال 2019 به 56.4 درصد از تولید ناخالص داخلی در منطقه MENA، و از 25.9 درصد در سال 2019 به 33 درصد تولید ناخالص داخلی در منطقه CCA افزایش یافت (نمودار 7). با این حال، این سطوح میانگین، طیف گسترده‌ای از وضعیت کشورها را پنهان می‌کند، به طوری که بیش از یک سوم کشورهای خاورمیانه و آسیای مرکزی دارای نسبت بدهی به تولید ناخالص داخلی بیش از 70 درصد تولید ناخالص داخلی هستند که بیشتر آنها در منطقه MENA هستند. نیازهای تامین مالی ناخالص عمومی نیز زیاد است (رجوع کنید به فصل 2).

نمودار 7. بدهی عمومی (درصدی از GDP)



Sources: National authorities; and IMF staff calculations.

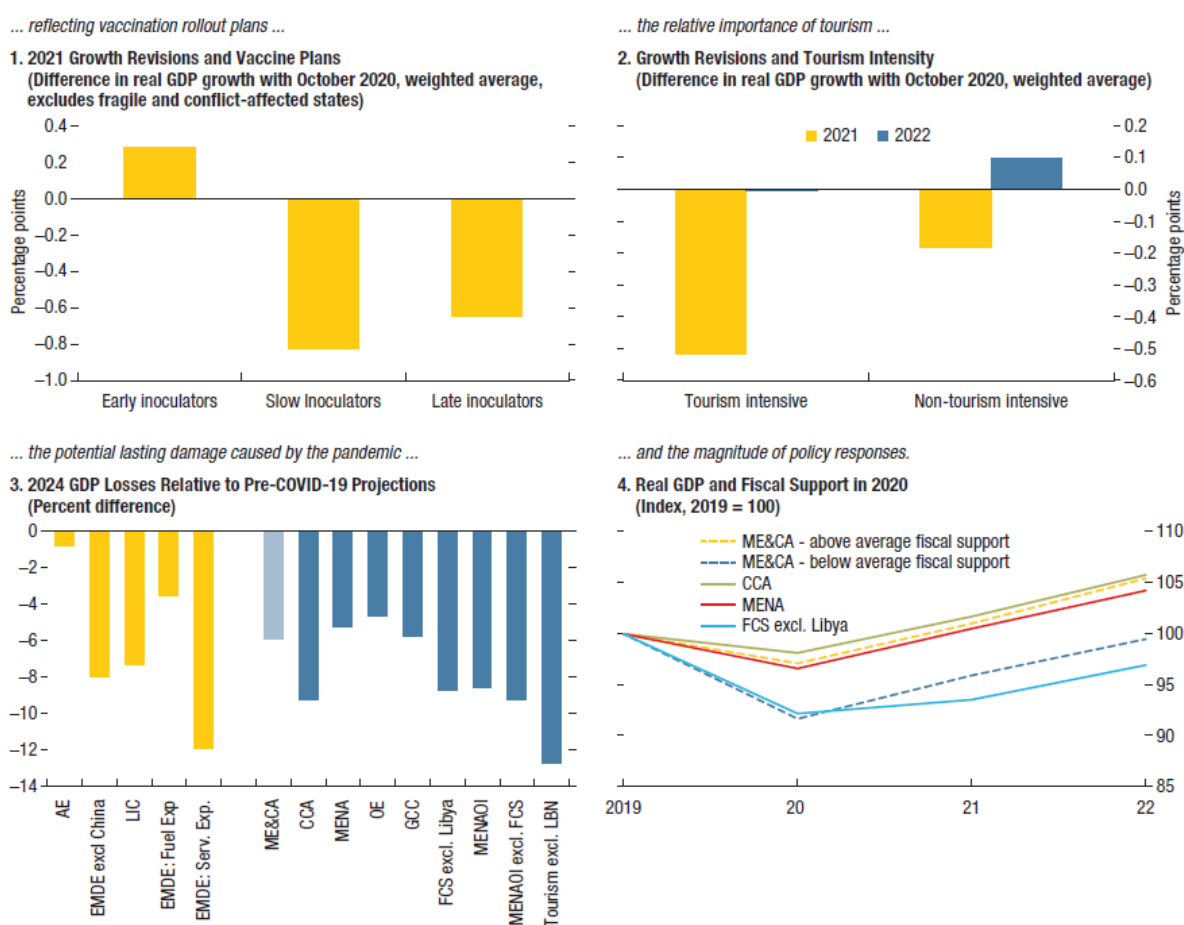
بانک‌ها تاکنون مقاوم بوده‌اند، اما پیوندهای حاکمیت-بانک افزایش یافته است. بانک‌های منطقه با ترازنامه‌های نسبتاً قوی وارد بحران شدند و موقعیت‌های سرمایه در سطح مطلوبی باقی مانده‌اند. با این حال، با توجه به ادامه سیاست‌های حمایتی و اقدامات تاب‌آوری تنظیم‌گری، تأثیر کامل بحران بر این بخش هنوز مشاهده نشده است. بعلاوه، از آنجا که در سال 2020 سهم بزرگی از نیازهای تامین مالی ناخالص عمومی توسط بانک‌های داخلی تأمین می‌شد، مطالبات قابل توجه بانک‌ها از بخش دولتی، برای برخی از کشورهای منطقه MENA حتی به صورت خالص بیش از پیش افزایش یافت (فصل 2).

مانده حساب جاری کشورهای صادرکننده نفت به دلیل پایین آمدن قیمت نفت و صادرات بدتر شد. در مقابل، کسری حساب جاری واردکنندگان نفت (به استثنای گرجستان) به واسطه سقوط تقاضای داخلی و متعاقباً افت واردات، قیمت‌های پایین‌تر واردات (به ویژه نفت) و بهبود حواله‌های آرسالی با بهبود همراه بود.

منطقه به کجا می‌رود؟ مسیرهای احیای واگرا

اگرچه رشد اقتصادی 2021 چشم‌انداز اقتصادی منطقه‌ای خاورمیانه و آسیای میانه از اکتبر 2020 به بالا تجدید نظر شد: مسیرهای بهبود بسته به توزیع واکسن، قرار گرفتن در معرض گردشگری و بخش‌های پر تماس و فضا و اقدامات سیاستی، در سراسر منطقه متفاوت و واگرا خواهد بود. (نمودار 8)

نمودار 8. سرعت احیا در سراسر منطقه متفاوت خواهد بود



Sources: IMF COVID-19 Policy Tracker; national authorities; and IMF staff calculations.

توزیع واکسن برای بهبود حیاتی است

توزیع واکسن‌های اولیه رشد 2021 را نسبت به پیش‌بینی‌های ماه اکتبر به بالا اصلاح کرد، و انتظار می‌رود تولید ناخالص داخلی در سال 2022 به سطح 2019 برسد. در مقابل، برای موارد متناظر با واکسن‌های کند و متاخر، انتظار می‌رود که سطح تولید ناخالص داخلی بین سالهای 2022-23 به سطح 2019 بازگردد.

تفاوت‌های ساختاری و سیاسی نیز کلیدی خواهد بود

کشورهایی که حمایت مالی آنها در طی همه‌گیری قوی بود، انقباض کمتری را تجربه کردند و بنابراین انتظار می‌رود سریعتر از کشورهایی که حمایت کافی نداشتند بهبود یابند. در منطقه، انتظار می‌رود GDP کشورهایی که از حمایت مالی بالاتر از متوسط در سال 2020 برخوردار هستند، در سال 2022 به سطح تولید ناخالص داخلی قبل از همه‌گیری بازگردد. در مقابل، کشورهایی که دارای حمایت پایین‌تر از متوسط هستند، تا سال 2023 بازگشت به سطح 2019 را تجربه نخواهند کرد.

نیازهای شدید تامین مالی می‌تواند فضای سیاستی مورد نیاز برای حمایت از بهبود را محدود کند، زیرا بسیاری از کشورها نیاز به حل چالش‌های مالی و بدهی خود دارند. انتظار می‌رود که متوسط نیازهای تامین مالی ناخالص عمومی در سال‌های 2021-22 در بازارهای نوظهور منطقه همچنان افزایش داشته باشد و به 37 درصد تولید ناخالص داخلی در بحرین و مصر برسد. استهلاک‌های خارجی در سطوح قابل کنترل باقی مانده‌اند، اما متوسط استهلاک داخلی در حدود 10 درصد از تولید ناخالص داخلی در سال است. چنین نیازهای اساسی پایه برای تامین مالی می‌تواند حمایت بیشتر را با پیامدهایی برای ترازنامه و عملکرد شرکتی متوقف کند، زیرا به نظر می‌رسد حمایت مالی در سراسر کشورها با رشد درآمد، سودآوری و نقدینگی شرکت‌ها ارتباط مثبت دارد. علاوه بر این، از آنجا که انتظار می‌رود بسیاری از کشورها برای پوشش بیشتر تعهدات تامین مالی بودجه خود به بانک‌های داخلی وابسته باشند، این می‌تواند منجر به کاهش بیشتر اعتبارات برای بخش خصوصی شود.

کشورهای شکننده و متأثر از بحران همچنان با موانع زیادی روبرو خواهند شد که مانع بهبودی مداوم در کوتاه‌مدت می‌شوند. علاوه بر تأثیر طولانی‌مدت شوک کووید 19 نسبت به بقیه مناطق، با توجه به عدم دسترسی به واکسن و فضای سیاستی، چشم‌انداز کوتاه‌مدت این کشورها با درگیری‌های مسلحانه، موارد اضطراری انسانی (افغانستان، سومالی، سوریه و یمن) و بی‌ثباتی بالقوه سیاسی و اقتصادی (عراق، لبنان، لیبی، سودان) به چالش کشیده خواهد شد.

چشم‌انداز خدمات پر تماس، به ویژه گردشگری، تحت تأثیر محدودیت‌ها بر سفرهای غیر ضروری داخلی و بین‌المللی و اقدامات فاصله‌گذاری اجتماعی داوطلبانه و دستوری قرار خواهد گرفت. از این رو انتظار می‌رود که روند بهبود در کشورهایی که به این فعالیت‌ها وابسته هستند در سال 2021 کند باقی بماند. به طور خاص، پیش‌بینی می‌شود بخش گردشگری در برخی کشورها (ارمنستان، اردن و مراکش) به طور تدریجی بین 2022-23 و در سایر کشورها (آذربایجان، گرجستان، لبنان) تا پایان 2024 یا 2025 بهبود یابد.

انتظار می‌رود در میان‌مدت، سطح تولید ناخالص داخلی پایین‌تر از آنچه پیش‌بینی‌های پیش از همه‌گیری نشان می‌دهد، باقی بماند که بخشی از آن منعکس کننده برخی آسیب‌های پایدار ناشی از بحران به واسطه بیکاری بالا، انباشت کندتر

سرمایه و بهره‌وری ضعیف است⁴. پیش‌بینی می‌شود متناسب با روند جهانی، میزان آسیب برای کشورهای وابسته به جهانگردی بزرگترین و برای صادرکنندگان نفت کمترین باشد.

چشم‌انداز خاورمیانه و شمال آفریقا، پاکستان و افغانستان

پیش‌بینی می‌شود رشد واقعی تولید ناخالص داخلی در منطقه MENA در سال 2021 به 4.0 درصد برسد که نسبت به اکتبر 0.9 درصد افزایش یافته است. آهنگ بهبود رشد در پاکستان در سال 2021 به طور آهسته و با شدت بیشتری در افغانستان (به ترتیب 1.5 و 4.0 درصد) ادامه دارد. انتظار می‌رود در میان‌مدت، تولید ناخالص داخلی واقعی تقریباً 6 درصد پایین‌تر از پیش‌بینی‌های پیش از بحران باقی بماند که منعکس کننده افت کمتر تولید در کشورهای صادرکننده نفت نسبت به واردکنندگان نفت است که کاملاً با سایر اقتصادهای بازار در حال ظهور مطابقت دارد.

فعالیت در کشورهای صادرکننده نفت قرار است دوباره بهبود یابد، که منعکس کننده میزان انتقال از سه ماهه آخر سال 2020 است که با افزایش مورد انتظار فعالیت در نیمه دوم سال 2021 تقویت می‌شود. قیمت‌های بالاتر نفت و توزیع زودهنگام واکسن چشم‌انداز بسیاری از اقتصادهای کشورهای شورای همکاری های خلیج فارس را پشتیبانی می‌کند. افزایش اخیر قیمت‌های نفت باعث افزایش اعتماد به نفس و حمایت از تولید ناخالص داخلی غیرنفتی خواهد شد که پیش‌بینی می‌شود 3.3 درصد در سال 2021 افزایش یابد. فعالیت‌های نفتی در کوتاه‌مدت ضعیف باقی خواهد ماند که نشان‌دهنده محدودیت‌های تولید اوپک + و ادامه تحریم‌های آمریکا علیه ایران است. در حالی که پیش‌بینی می‌شود تولید ناخالص داخلی با نفت 5.8 درصد در سال 2021 رشد کند، این درجه اول منعکس کننده افزایش تولید نفت لیبی به میزان +233 درصد پس از بازگشایی میادین نفتی و بنادر در اواخر سال 2020 است.

انتظار می‌رود بهبود اقتصادی واردکنندگان نفت در کوتاه‌مدت کند باشد بطوریکه پیش‌بینی می‌شود رشد در سال 2021 2.3 درصد باشد - 0.4 درصد افت نسبت به ماه اکتبر. پیش‌بینی رشد برای اردن، مراکش و تونس، که وابستگی زیادی به جهانگردی دارند، کاهش یافته است، اما در مورد موریتانی، با توجه به گسترش بیشتر در بخش استخراج و سرمایه‌گذاری عمومی، به بالا تجدید نظر شده است. اقتصاد مصر و پاکستان که در سال 2020 نسبتاً مقاوم بودند، پیش‌بینی می‌شود که در سال 2021 رشد کندی داشته باشند. لبنان تنها کشوری در منطقه است که انتظار می‌رود فعالیت آن بیشتر منقبض شود، که نشان‌دهنده بحران عمیق اقتصادی و مالی است که با موج دوم همه‌گیری وخیم تر شده است. در مقابل، با حرکت سودان به سمت نقاط تصمیم‌گیری برای کشورهای فقیر به شدت بدهکار (Heavily Indebted Poor Countries Decision Point) و همکاری دوباره با جامعه مالی بین‌المللی، انتظار می‌رود افت تولید در سال‌های گذشته به پایان برسد و در میان‌مدت اعتماد به نفس و فعالیت تقویت گردد.

پیش‌بینی می‌شود تورم در این منطقه در سال 2021 به 12.8 درصد افزایش یابد، زیرا این امر به دلیل افزایش قیمت مواد غذایی در کشورهایی است که مواد غذایی سهم زیادی در سبد مصرفی دارند، و همچنین قیمت‌های بالاتر انرژی در کشورهای واردکننده نفت، انتقال افت ارزش پول در برخی کشورها (عراق، لبنان و یمن) و تأمین مالی پولی در سایر

⁴ فصل 2 چشم‌انداز اقتصادی منطقه ای MCD در اکتبر 2020 و IMF فصل 2 چشم‌انداز اقتصاد جهانی صندوق بین‌المللی پول در آوریل 2021 را ببینید.

کشورها (لبنان و یمن). انتظار می‌رود تورم در کشورهای شکننده و متأثر از درگیری نظامی (لبنان، لیبی، سودان و یمن) که با بی‌ثباتی اقتصاد کلان داخلی همراه بوده، دو رقمی باقی بماند.

انتظار می‌رود ترازهای مالی در سراسر منطقه به واسطه درآمد بالاتر و اتمام اقدامات مربوط به همه‌گیری و از سرگیری تثبیت مالی در برخی از کشورها (به عنوان مثال مصر، عراق، اردن، عمان و پاکستان) با بارهای بدهی بالا بهبود یابد. با این وجود، پیش‌بینی می‌شود واردکنندگان نفت در سال جاری بهبود ملایم‌تری در کسری‌های مالی خود ثبت کنند، زیرا آهنگ رشد همچنان ملایم است. در مقابل، انتظار می‌رود ترازهای مالی صادرکنندگان نفت به طور قابل توجهی بهبود یابد، که منعکس کننده درآمد بالاتر نفت است.

انتظار می‌رود افزایش قیمت نفت به طور چشمگیری موقعیت خارجی صادرکنندگان نفت را بهبود بخشد. پیش‌بینی می‌شود تراز حساب جاری آنها 128 میلیارد دلار افزایش یابد. در مقابل، پیش‌بینی می‌شود کسری حساب جاری واردکنندگان نفت، به دلیل افزایش قیمت نفت و افزایش تقاضای داخلی، اندکی افزایش یابد. با این حال به طور گسترده‌تر، انتظار می‌رود گردشگری در کوتاه‌مدت به عنوان یک بخش زیانده در بسیاری از اقتصادها باقی بماند.

چشم‌انداز قفقاز و آسیای میانه

در سال 2021، انتظار می‌رود رشد در منطقه CCA پس از همه‌گیری بهبود یابد، در حالی که پیش‌بینی می‌شود تورم کاهش یابد، کسری‌های مالی کاهش یافته و حساب‌های خارجی از بهبود جهانی بهره‌مند شوند. پیش‌بینی شده است که تولید در سال 2021، 3.7 درصد افزایش یابد و به واسطه حمایت جدی سیاستی در سال گذشته، به سطح پیش از بحران خود بازگردد. انتظار می‌رود رشد در سال آینده روند شتابان به خود گرفته و در سال 2025 به 4.0 درصد برسد در حالی که سطح تولید ناخالص داخلی میان‌مدت حدود 9 درصد زیر پیش‌بینی‌های پیش از بحران خود باقی بماند، که کاملاً مطابق با پیش‌بینی‌های بازارهای در حال ظهور است.

پیش‌بینی می‌شود فعالیت در کشورهای صادرکننده نفت و گاز منطقه با همان سرعتی که در ماه اکتبر پیش‌بینی شده رشد کند و تولید ناخالص داخلی 3.7 درصد رشد کند. فعالیت در آذربایجان به طور ملایم تحت تأثیر کاهش تولید نفت تحت توافقنامه‌های اوپک + قرار خواهد گرفت، اما قزاقستان می‌تواند تولید نفت خود را افزایش دهد. انتظار می‌رود ازبکستان از یک جهش در بخش معدن و حمل و نقل و توریسم بهره‌مند شود.

رشد در بقیه مناطق به طور قابل توجهی کاهش یافته است، که منعکس کننده تجدید نظر رو به پایین در ارمنستان به دلیل درگیری سال گذشته و اثرات طولانی‌مدت و عمیق موج دوم همه‌گیری و گردشگری ضعیف است. انتظار می‌رود تولید ناخالص داخلی واقعی به دلیل تأثیر موج دوم همه‌گیری و ضعف مستمر در گردشگری با سرعت کندتری نسبت به پیش‌بینی‌های قبلی در گرجستان و جمهوری قرقیزستان رشد کند.

پیش‌بینی می‌شود که تورم پس از افزایش به دلیل افزایش قیمت مواد غذایی در سال گذشته و کاهش ارزش پول، در سال 2021 به 6.9 درصد کاهش یابد. انتظار می‌رود بالا بودن قیمت مواد غذایی و انرژی باعث افزایش تورم در برخی از کشورها شود، اما به دلیل کسادی بزرگ اقتصادی، انتظار می‌رود فشارهای اساسی قیمت همچنان مهار شود.

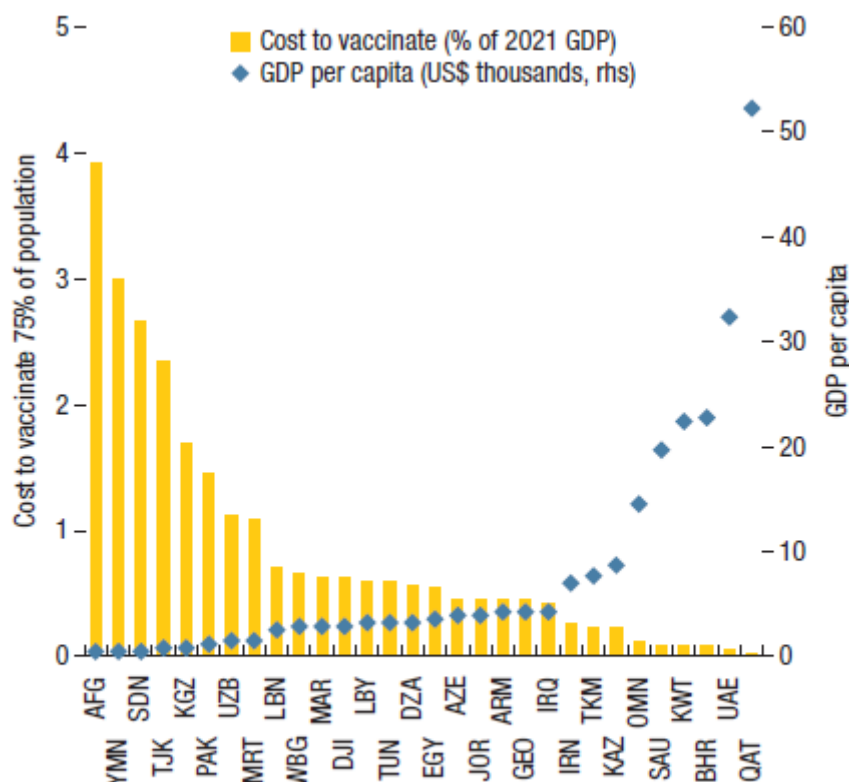
پیش‌بینی می‌شود کسری های مالی از 2.4 درصد تولید ناخالص داخلی به 3.2 درصد تولید ناخالص داخلی در سال 2021 کاهش یابد که نشان‌دهنده بهبود بیشتر صادرکنندگان نفت و گاز به دلیل درآمد بیشتر نفتی و غیرنفتی و گازی و اتمام پیش‌بینی شده برنامه‌های حمایت مالی است. انتظار می‌رود که کاهش کسری‌های مالی واردکنندگان نفت، ملایم‌تر و تحت تأثیر بهبود فعالیت باشد.

پیش‌بینی می‌شود که حساب های خارجی از بهبود تقاضای جهانی، افزایش قیمت نفت برای صادرکنندگان نفت و بازیابی حواله‌ها بهره‌مند شوند، اما گردشگری احتمالاً همچنان بخش زیانده خواهد بود. پیش‌بینی می‌شود کسری حساب جاری 1.5 درصد کاهش یابد و به 2.1 درصد تولید ناخالص داخلی در سال جاری برسد که عمدتاً ناشی از بهبود صادرکنندگان نفت و گاز است، در حالی که انتظار می‌رود کسری حساب جاری واردکنندگان نفت به طور کلی بدون تغییر باقی بماند.

نااطمینانی استثنایی در مورد چشم‌انداز

اگر تولید واکسن گسترش یابد و توزیع آن تسریع شود - با پشتیبانی همکاری‌های جهانی و منطقه‌ای - آهنگ بهبود می‌تواند سریع‌تر باشد. در چنین سناریویی، رشد در منطقه تقریباً با یک چهارم درصد در سال 2021 افزایش یافته و در سال 2022 به سه چهارم درصد دیگر افزایش می‌یابد. اگرچه هزینه واکسیناسیون، به ویژه برای کشورهای کم درآمد، غیر قابل اغماض است، اما مزایای آن از چنین هزینه‌هایی به مراتب بیشتر است (نمودار 9).

نمودار 9. هزینه واکسیناسیون در مقابل تولید ناخالص داخلی سرانه



Sources: World Bank; and IMF staff calculations.

در مقابل، عفونت‌ها و انواع جدید ویروس می‌تواند منجر به قرنطینه مجدد شود. در صورت تأخیر در واکسیناسیون، این خطر افزایش می‌یابد. عفونت‌های مداوم همچنین گزینه‌های دشواری را برای سیاست‌های حمایتی ایجاد کرده و علاوه بر افزایش بدهی بیشتر دولت، ریسک‌های تأمین مالی را نیز به دنبال دارد.

این منطقه در برابر افزایش سریع بازده اوراق قرضه آمریکا آسیب‌پذیر است. افزایش سریع بیشتر نرخ‌های ایالات متحده می‌تواند منجر به تنگنای شرایط مالی جهانی، افزایش مجدد خروج سرمایه و افزایش اسپرد حاکمیتی شود. اگرچه سطح ذخایر یک پشتیبانی برای بازارهای نوظهور منطقه فراهم می‌کند، اما آسیب‌پذیری برای کشورهایی که بدهی خارجی آنها بالا است و فضای مالی محدودی دارند بیشتر است. علاوه بر این، جریان پرتفوی به منطقه در طول تاریخ به تغییرات در نااطمینانی جهانی تقریباً دو برابر حساس‌تر بوده است و در دوره‌های قبلی بازارها کشورها را با توجه به اصول بنیادی (فاندامنتال) و حائل‌های خارجی متفاوت کرده‌اند.⁵ بانک‌های داخلی همچنان در معرض بدهی دولت قرار دارند، به ویژه در میان واردکنندگان نفت، چنین محدودیتی اتکای دولت‌ها به تأمین مالی از بانک‌های داخلی را افزایش می‌دهد. این، به نوبه خود، می‌تواند موجب محرومیت اعتباری بیشتر برای بخش خصوصی آن هم در زمان افزایش نیازهای مالی بخش خصوصی گردیده، چشم‌اندازهای بهبود را در حاله‌ای از ابهام قرار داده و ثبات مالی را تهدید کند (فصل 2).

حذف زود هنگام سیاست‌های حمایتی می‌تواند به افزایش ورشکستگی منجر شود. کشورهایی که قرار است اقدامات اضطراری در آنها در سال 2021 منقضی شود و فضای سیاست کمی در دسترس است باید نظارت دقیقی بر سرعت بهبودی داشته باشند. برداشتن زود هنگام حمایت‌ها می‌تواند عرصه را بر شرکت‌ها (به ویژه شرکت‌های کوچک و بزرگ و شرکت‌های فعال در بخشهای پرتماس) و خانوارها تنگ‌تر کرده و به طور بالقوه منجر به ورشکستگی، نکول وام، و بیکاری بیشتر شود. ترازنامه ضعیف تر شرکت‌ها و خانوار احتمال وام‌های ناکارآمد را افزایش داده که می‌تواند به طور بالقوه ثبات مالی را تهدید کند.

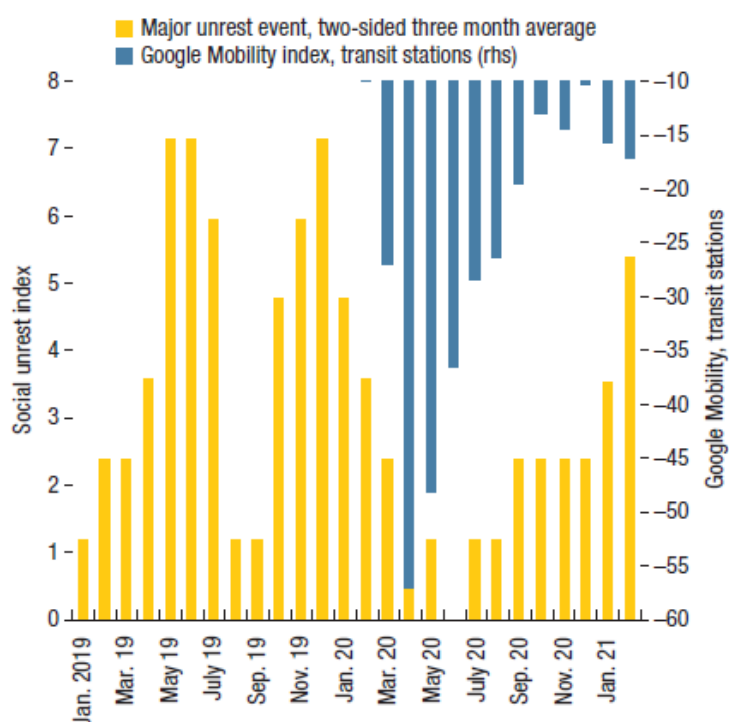
افزایش اولیه ناآرامی‌های اجتماعی⁶ به دلیل خستگی ناشی از قرنطینه و تأثیر اقتصادی متقابل آن - خصوصاً در کشورهایی که فضای سیاست محدودی دارند - می‌تواند شتاب بگیرد (نمودار 10). در کشورهای شکننده و کشورهای متأثر از درگیری نظامی، که زیرساخت ذخیره مواد غذایی ضعیف تر است، نوسان قیمت مواد غذایی، و یا دسترسی نابرابر به واکسیناسیون می‌تواند نقش اساسی در ایجاد ناآرامی ایفا نموده و در عین حال ریسک ناامنی غذایی را افزایش داده که این امر تبعات انسانی در پی خواهد داشت.

⁵ به فصل 4 چشم انداز اقتصادی منطقه ای اکتبر 2019: خاورمیانه و آسیای میانه مراجعه کنید.

⁶ در طی دوره افزایش نرخ بازده اوراق خزانه داری آمریکا در سال 2013 ("taper tantrum")، این منطقه با خروج قابل ملاحظه ای از سرمایه مواجه شد به طوریکه حجم خروج سرمایه به طور تجمعی (طی بیش از 11 ماه) به 2.7 میلیارد دلار رسید. علی رغم خروج سرمایه اخیر، از اواخر ژانویه 2021، این منطقه تا اواسط ماه مارس 490 میلیون دلار ورود سرمایه داشته و اسپرد‌ها همچنان پایین است. نسبت به دوره مربوطه در سال 2013، نسبت بدهی های خارجی و عمومی بالاتر و حساب های مالی کافی بوده، اما حائل ذخایر نیز قوی تر است.

⁷ به کادر 1.4 در فصل 1 چشم انداز اقتصاد جهانی اکتبر 2020 مراجعه کنید.

نمودار 10. تحرک و نارآرامی اجتماعی در ME&CA



Sources: Factiva; Google Mobility Reports; and IMF staff calculations.

در بلندمدت، بزرگترین ریسک این است که یک بهبود نابرابر منجر به گسترش مداوم نابرابری گردد. همه‌گیری چالش‌های بزرگی را برای دسترسی به خدمات اساسی به وجود آورده و به طور نامتناسبی اقشار آسیب‌پذیر، از جمله جوانان و زنان و شرکت‌های کوچک را تحت تاثیر قرار داده است. این، به نوبه خود، می‌تواند به افزایش فقر و ایجاد شکاف درآمدی که امکان دارد در بین نسل‌ها، از جمله بین بخش‌های رسمی و غیررسمی تداوم یابد، منجر گردد. علاوه بر این، بدون اقدام سیاستی، بدهی بیش از حد و آسیب‌های ناشی از بیکاری، ورشکستگی شرکت‌هایی که می‌توانستند تداوم یابند، و انتقال مشکلات به بخش‌های جدید می‌تواند به آسیب‌پذیری‌های موجود افزوده و به رشد پایین طولانی‌مدت و افزایش فقر منجر شود. نتیجه می‌تواند گسترش نارآرامی‌های اجتماعی و متعاقباً تقویت یک چرخه معیوب باشد.

اقدامات تعادل‌زا: چگونه کشورها باید بحران را مدیریت کرده و بهبودی را تسریع بخشند

سال 2021 سال شکل‌گیری بهبود و ایجاد زمینه برای اقتصادهای فراگیر، مقاوم و سبز خواهد بود. چالش‌های فوری بسیار مهیب هستند: همچنانکه کشورها به نجات جان و معیشت خود ادامه می‌دهند، باید تعادل مناسبی را بین تقویت بهبود و محافظت از پایداری بدهی و ثبات مالی برقرار کنند. رگ‌های حیاتی باید تا زمان ریکاوری در جای خود باقی بمانند، اما باید کارآمد و متمرکز باشند زیرا فضای سیاست‌گذاری برای بسیاری از کشورها محدود است. در همین زمان، منطقه باید با استفاده از روندهای شتاب‌دهنده مانند دیجیتالی‌سازی، با چالش‌های تحول‌آفرین مقابله کرده تا زمینه را برای اقتصاد پایدار، فراگیر، مملو از فرصت‌های شغلی و سبز فراهم کند. همکاری‌های بین‌المللی و منطقه‌ای باید از سیاست‌های قوی داخلی حمایت کند.

نجات جان و معیشت در اولویت اصلی قرار دارد. بهبود توزیع واکسنها ضمن اطمینان از منابع کافی سیستمهای بهداشتی برای نجات جان افراد و به حداقل رساندن تأثیر آن بر معیشت بسیار مهم است. در حالی که توزیع واکسن در حال پیگیری است، ممکن است محدودیتهای محلی هدفمند برای جلوگیری از شعله ور شدن مجدد موارد جدید و بروس ضروری باشد.

برای کشورهای با فضای مالی (برخی از کشورهای CCA [آذربایجان، قزاقستان، ترکمنستان])، برخی از صادرکنندگان نفت [کویت، قطر و امارات متحده عربی]، و موریتانی و مراکش) سیاست باید انعطاف‌پذیر باقی بماند تا با برنامه‌های بهداشتی و اقتصادی به شیوع‌های مکرر پاسخ دهد. برنامه‌های احتمالی مالی پشتیبانی هدفمند باید تا زمان بهبودی برقرار باشد زیرا انحراف در مسیر بهبود هزینه‌های مالی آینده را به خطر می‌اندازد. اگر بهبود از حد انتظار قوی تر باشد، کشورها باید از فضای موجود برای بازسازی حائل‌ها استفاده کنند.

برای کشورهایی که فضای مالی ندارند، حمایت نیاز به یک اقدام متعادل‌کننده دقیق برای حفظ پایداری بدهی دارد. تحکیم مالی در سال 2021 آغاز می‌شود که بخشی از آن منعکس‌کننده اقدامات اتمام یافته و بهبود درآمد است و باید بر یک برنامه مالی میان‌مدت معتبر که به بهبود تحرک درآمدی اتکا دارد متکی باشد - کنترل معافیت‌های مالیاتی، گسترش پایه مالیاتی - و کارایی بالاتر مخارج از جمله حذف تدریجی یارانه‌ها و دستمزدهای بالا. اولویت‌بندی مجدد هزینه برای تأمین نیازهای کوتاه‌مدت کلیدی خواهد بود. خطوط حیاتی هدفمند جدید باید با اقدامات جبران‌کننده در جای دیگر متعادل گردد. از آنجا که ریسک بدهی و تأمین مالی افزایش یافته است، کشورها باید استراتژی‌های مدیریت بدهی خود را برای رفع ریسک‌های نقدینگی در حال ظهور، کاهش ریسک‌های تمدید بدهی‌ها و بازپرداخت مالی، گسترش پایه سرمایه‌گذاران و نظارت و جلوگیری از تحقق بدهی‌های احتمالی، از جمله حمایت خارج از قالب بودجه در طی همه‌گیری تقویت کنند.

برای همه کشورها، حمایت بیشتر باید به خوبی هدف‌گذاری شود، به طور عادلانه توزیع شود و بر اقتصاد پس از کووید 19 متمرکز شود. برای محدود کردن نشت منافع و جهت دهی آن به سمت کسانی که بیشترین نیاز را دارند، کشورها باید آزمایش مبتنی بر پراکسی را همراه با گزینه‌هایی مانند پول سیار، پرداخت‌های انتقالی غیرنقدی، پایگاه داده‌های ذینفع‌ذیربند و استفاده از روش‌های مبتنی بر جامعه بررسی کنند. برای بنگاه‌ها، حمایت باید محدود به موارد شکست بازار و ایجاد زمین بازی عادلانه برای رقابت بین شرکت‌های دولتی و بخش خصوصی باشد. سرانجام، سیاست‌های حمایتی همچنین باید تغییر جهت دادن به دنیای پس از کووید 19 را از طریق آموزش‌های شغلی و اتخاذ مشوق‌ها ترغیب کند.

کشورها همچنین باید مکمل‌ها و جایگزینی‌ها را بین اقدامات بودجه‌ای، پولی و مالی متعادل کنند. انتخاب بین اقدامات پولی بیشتر در مقابل حمایت بودجه‌ای باید فضای مالی کشورها، اثربخشی انتقال پولی و تحولات مالی داخلی و جهانی را در نظر بگیرد. برای کشورهایی با نرخ ارز انعطاف‌پذیر و انتظارات تورمی کاملاً منسجم (برخی از کشورهای CCA و مصر)، بانک‌های مرکزی باید موضع مطلوبی داشته باشند اما همچنان نسبت به ریسک تورم (از جمله از قبیل قیمت‌های بین‌المللی مواد غذایی) و تشدید شرایط مالی هوشیار باشند. انعطاف‌پذیری نرخ ارز می‌تواند به عنوان یک حائل مهم عمل کند، و باید اثرات ترازنامه را، به ویژه برای چندین کشور CCA با اقتصاد دلاریزه بالا کنترل کرد.

خروج تدریجی از حمایت‌های هدفمند برای اطمینان از نقش حمایتی بخش مالی در بهبود بخش خصوصی مهم خواهد بود. با توجه به اینکه آسیب‌پذیری ترازنامه برای بخش‌های پر تماس و شرکت‌های کوچکتر ادامه دارد، حمایت از نقدینگی

باید همچنان به وام گیرندگان بحران زده، اما قابل دوام ادامه یابد. سیاست‌گذاران باید ضمن حمایت از رشد اعتبارات برای بخش خصوصی، با گذشت زمان، از بیش از حد در معرض قرار گرفتن بانک‌ها در برابر حاکمیت کاسته و توسعه بازار بدهی را پیگیری کنند. با وجود انعطاف‌پذیری مداوم بخش بانکی، همگام با لغو سیاست‌های اضطراری، نظارت دقیق بر عملکرد وام و اهرم شرکتی برای حفظ ثبات مالی مهم خواهد بود.

همکاری جهانی و منطقه‌ای در مورد دسترسی به واکسن به تقویت جهان پس از کووید 19 کمک می‌کند. قدرت بهبود جهانی و منطقه‌ای به تحت کنترل در آوردن همه‌گیری بستگی دارد. نقاط حساس در هر نقطه از جهان ریسک گسترش انواع دیگر ویروس را در پی خواهد داشت. بنابراین، منابع اضافی کشورها (از جمله تولیدات داخلی افزایش یافته) باید طبق طرح کواکس به کشورهای با منابع ناکافی توزیع شود و بودجه و پوشش واکسن آنها باید به سرعت تقویت شود. علاوه بر این، بهبود شفافیت قرارداد واکسن، دسترسی کشورها به واکسن تحت شرایط منطقی را تضمین می‌کند. کشورهای کم درآمد و کشورهای شکننده و متأثر از درگیری نظامی در منطقه احتمالاً در توزیع واکسن با چالش‌های لجستیکی و توزیعی روبرو خواهند شد. به اشتراک‌گذاری منطقه‌ای دانش و تخصص، تجهیزات و واکسن‌های مازاد می‌تواند از عقب افتادن این کشورها جلوگیری کند. همچنانکه کشورها از بحران بهبود می‌یابند، صندوق بین‌المللی پول با بیش از 17 میلیارد دلار اعتبار در سال 2020 از منطقه حمایت کرد، علاوه بر تأمین مالی، از طریق مساعدت فنی، هماهنگی پشتیبانی از موسسات بین‌المللی و منطقه‌ای، و مشاوره سیاستی نیز یار ثابت قدم باقی خواهد ماند.

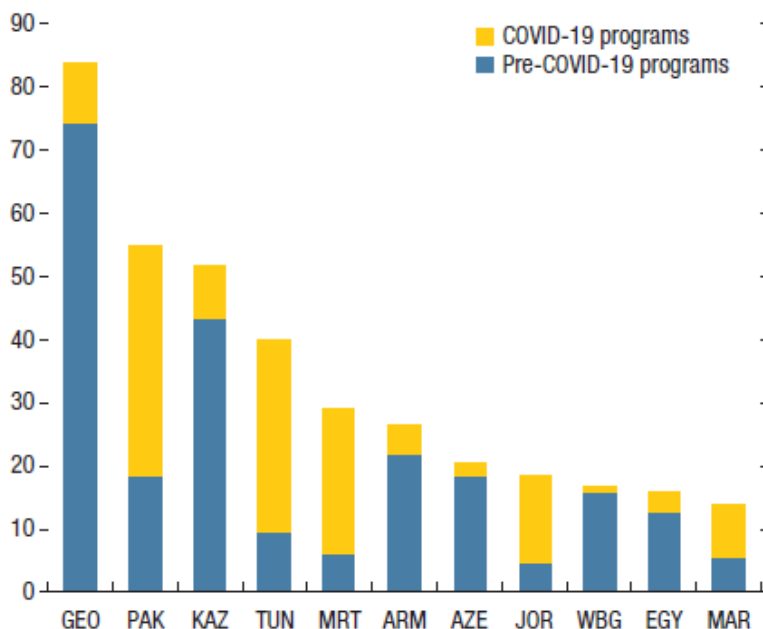
... در حالی که پیشرفت بهتر صورت می‌گیرد

سیاست‌گذاران نمی‌توانند از چالش‌های تحول آفرین، از جمله مقابله با نابرابری، فقر و فساد، ارتقا مشاغل بخش خصوصی، پرداختن به تغییرات اقلیمی، و بهبود حاکمیت غافل شوند. در حالی که برخی از کشورهای منطقه (مصر، اردن، قزاقستان، ازبکستان) حتی در طی همه‌گیری روند اصلاحات را حفظ کرده‌اند، اکنون با پشتیبانی از چارچوب‌های مالی میان‌مدت و رشد افزا که از طریق آن همه سهم عادلانه می‌برند، فرصتی برای اصلاحات جسورانه‌تر وجود دارد. باید یک قرارداد اجتماعی جدید با مشاغل بیشتر در بخش خصوصی و بهبود حاکمیت، شفافیت و پاسخگویی برای دولت‌ها منعقد شود. اصلاح بخش بزرگ دولتی و شرکت‌های دولتی می‌تواند زمینه‌ای برای رشد بخش خصوصی و ارائه نتایج بهتر از سوی بخش دولتی و تضمین پایداری مالی فراهم کند. اصلاحات بازار کار برای کاهش تحریفات به نفع مشاغل بخش دولتی، کاهش مشاغل غیررسمی و اطمینان از ایجاد مشاغل با ارزش افزوده بالا در بخش خصوصی، اقتصاد را از پارادایم اشتغال بخش دولتی دور خواهد کرد. ساده‌سازی قوانین ضمن اطمینان از اجرای منصفانه آنها و تقویت چارچوب‌های ضد فساد، اعتماد مردم به دولت را افزایش می‌دهد.

بر اساس تحقیقات صندوق بین‌المللی پول، افزایش کارایی هزینه‌های اجتماعی، حتی بدون افزایش هزینه‌ها، می‌تواند به رفع یک سوم شکاف شاخص توسعه انسانی منطقه کمک کند. باید از دستاوردهای مربوط به همه‌گیری، که توسعه مهمی در برنامه‌های کمک‌های اجتماعی هدفمندتر و مشروط‌تر در منطقه در پی داشت، درس گرفت. (نمودار 11). افزایش دسترسی به فناوری و دیجیتالی‌سازی می‌تواند ضمن تقویت اطمینان از بهره‌برداری کامل منطقه از روندهای مهم جهانی، به تقویت اصلاحات در همه زمینه‌ها کمک کند. با کاهش بحران، باید همچنانکه کشورها سیستم‌های حفاظت اجتماعی خود را تقویت می‌کنند و آنها را برای پاسخگویی به شوک‌های بعدی آماده می‌کنند، کار بر روی ارزیابی مجدد ثبات

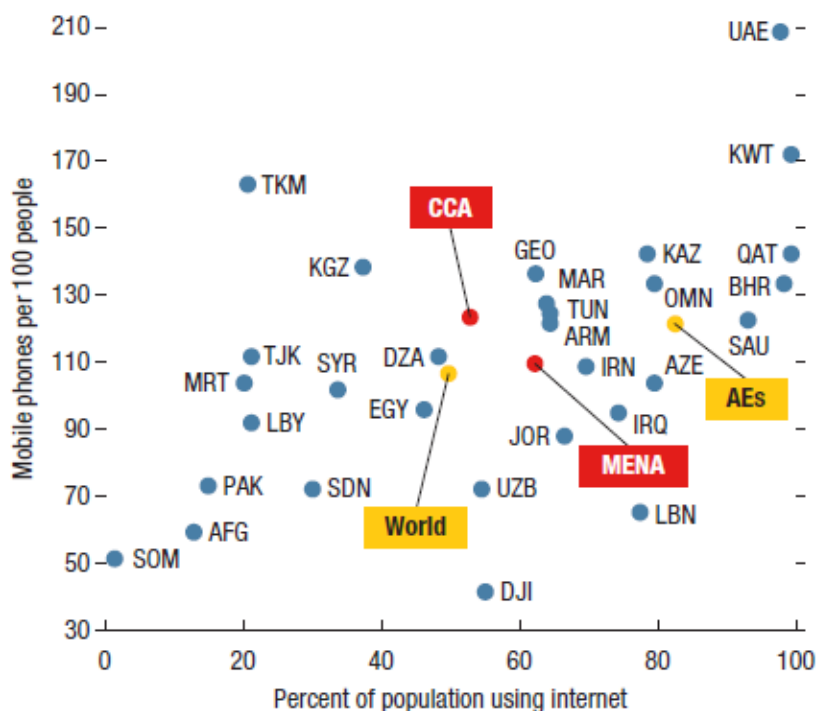
اضطراری آغاز شود. ارتقا دسترسی مالی و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های اینترنت (نمودار 12)، در صورت لزوم، به ویژه برای اطمینان از داشتن شبکه‌های امنیتی گسترده و هدفمند در کشورهای منطقه بسیار مهم خواهد بود.

نمودار 11. پوشش برنامه های پرداخت انتقالی نقدی



Sources: World Bank; and IMF staff calculations.

نمودار 12. دسترسی به اینترنت و نفوذ موبایل



Sources: World Development Indicators (WDI); and IMF staff calculations.

تغییرات آب و هوایی در حال حاضر آثار خود را در منطقه برجای گذاشته است، از جمله در قالب گرمای شدید هوا و تنش‌های آبی بیشتر. این چالش‌ها احتمالاً عمیق‌تر شده و نیاز فوری به شناسایی اولویت‌های سیاست برای سازگاری و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های مقاوم در برابر آب و هوا را برجسته می‌کنند. صادرکنندگان نفت منطقه با دور شدن تدریجی جهان از سوخته‌های فسیلی، با چالش دیگری یعنی کنار گذاشتن وابستگی به نفت روبرو هستند. بازسازی حائل‌های مالی و پیگیری تنوع اقتصادی و مالی ضمن بهبود هرگونه تأثیر منفی توزیعی بر خانوارها، اولویت‌های اصلی سیاست در این زمینه هستند. در برهه فعلی فرصتی برای استفاده از برنامه‌های بهبودی، هزینه‌های عمومی و مقررات برای کاهش تأثیر شوک‌های اقلیمی فراهم شده است. در صورت مدیریت صحیح، می‌توان فرصت‌های مهم اشتغال و سرمایه‌گذاری را برای منطقه فراهم کرد.

ریسک میراث بدهی‌های دولت و تأمین مالی ناشی از همه‌گیری

بحران ویروس کرونا (کووید 19) به افزایش بدهی دولت و نیازهای تأمین مالی منجر شد زیرا بسیاری از کشورهای خاورمیانه و آسیای میانه برای کاهش تأثیر همه‌گیری سریعاً دست به کار شدند. اگرچه تعداد زیادی از این کشورها با موفقیت به بازارهای مالی بین‌المللی دسترسی پیدا کردند، اما بانک‌های داخلی سهم قابل توجهی از نیازهای مالی بازارهای نوظهور را پوشش داده و در نتیجه بیشتر در معرض بخش دولتی قرار گرفتند. در مقابل، اکثر کشورهای کم درآمد (LIC) به دلیل محدودیت‌های فضای مالی و سیاستی، واکنش محدودی در برابر بحران داشتند. با نگاه به جلو، انتظار می‌رود که نیازهای تأمین مالی ناخالص عمومی در اکثر بازارهای نوظهور در خاورمیانه و آسیای مرکزی در سالهای 2021-22 افزایش یابد، در حالی که انتظار می‌رود در صورت تنگنای شرایط مالی جهانی و یا تأخیر در تحکیم مالی به دلیل ضعیف‌تر شدن بهبود، ریسک روند نزولی وجود داشته باشد. با این حال، اتکا بیشتر به تأمین مالی داخلی، توانایی بانک‌ها در حمایت از ظهور بخش خصوصی از بحران را کاهش داده و لذا بهبود را طولانی‌تر می‌کند. استراتژی‌های مالی و مدیریت بدهی میان‌مدت معتبر، همراه با اقدامات سیاستی برای توسعه بازارهای سرمایه داخلی و کاهش بیش از حد مواجهه بانک‌ها با دولت، ریسک‌های مالی را کاهش داده، از بار بدهی کاسته و ثبات مالی را تضمین می‌کند.

زمینه: چشم‌انداز پیش از ظهور همه‌گیری ویروس کرونا

چندین کشور در خاورمیانه و آسیای میانه با افزایش بدهی دولت و آسیب‌پذیری‌های مالی، به بیماری همه‌گیری وارد شدند، زیرا بحران مالی جهانی و شوک نفتی در سالهای 2014-15 دستاوردهای کاهش بدهی را معکوس کرده بود. در پایان سال 2019، در یک سوم کشورها نسبت بدهی دولت بالای 70 درصد از تولید ناخالص داخلی بود و پنج کشور با نیازهای تأمین مالی ناخالص عمومی بالای 15 درصد از تولید ناخالص داخلی روبرو بودند⁸. لبنان دچار نکول اعتباری

⁸ نیازهای تأمین مالی ناخالص عمومی به عنوان مجموع کسری بودجه و استهلاک بدهی دولت تعریف می‌شود. در راستای هدف این فصل، بازارهای نوظهور در خاورمیانه و آسیای میانه شامل اقتصادهای بازار نوظهور و با درآمد متوسط و صادرکنندگان نفت می‌شود. LICs شامل افغانستان، جیبوتی، جمهوری قرقیزستان، موریتانی، سومالی، سودان، تاجیکستان، ازبکستان، کرانه باختری و غزه و یمن است. لیبی و سوریه به دلیل کمبود داده‌ها مستثنی هستند و داده‌های مربوط به سومالی، سودان و ترکمنستان ناقص است.

بود، سه تا از کشورهای LIC⁹ (سومالی، سودان، یمن)، در وضعیت بدهی بد به سر می بردند و چهار کشور (افغانستان، جیبوتی، موریتانی و تاجیکستان) در معرض ریسک بالای تنگنای بدهی ارزیابی شدند.

ساختار بدهی در بازارهای نوظهور خاورمیانه و آسیای مرکزی منعکس کننده یک پایه سرمایه‌گذاری غیرمتنوع و توسعه نیافته با تمرکز بدهی دولت در بخش بانکی است. این کشورها برای تأمین سهم قابل توجهی از نیازهای تامین مالی بودجه خود به بازار اعتبارات داخلی اتکا کرده‌اند. در این میان، بانک‌های داخلی سرمایه‌گذاران غالب بوده‌اند (81 درصد بدهی داخلی را شامل می‌شوند، به استثنای منابع بانک مرکزی) و در چند مورد، بانک‌های مرکزی نیز نقش مهمی ایفا کرده‌اند (نمودار 2.3، پنل 1). نقدینگی ساختاری مازاد در برخی کشورها، بازارهای ثانویه بدوی و سرمایه‌گذاران نهادی توسعه نیافته در برخی دیگر و محدودیت سرمایه‌گذاری‌های جایگزین انگیزه‌هایی را برای بانک‌ها ایجاد کرده‌اند تا اوراق قرضه دولتی را تا سررسید نگه دارند و مانع نقدینگی و توسعه بازار بدهی‌های داخلی شوند.

مواجهه بیش از حد بانک‌های داخلی با بخش حاکمیتی در چندین بازار نوظهور خاورمیانه و آسیای میانه پس از بحران مالی جهانی و به ویژه شوک نفتی 2014-15 به طور قابل توجهی افزایش یافت. این مواجهه نه تنها وام به دولت بلکه به شرکت‌های بزرگ و مهم دولتی و همچنین در لبنان به بانک مرکزی را منعکس می‌کند. پیش از بحران کووید 19، مواجهه بانک‌های داخلی با حاکمیت بالاتر از 20 درصد از کل دارایی بانک‌ها در عراق، اردن و قطر بود و در الجزایر، مصر و پاکستان به بیش از 45 درصد و در لبنان تا 60 درصد می‌رسید. در مقابل، در سایر بازارهای نوظهور بانک‌ها حدود 12 درصد در معرض بخش دولتی بودند (نمودار 14، پنل 2). چنین مواجهه بیش از حدی برای توسعه بازار بدهی داخلی، و همچنین برای دولت و بخش خصوصی برای تأمین مالی با کمترین هزینه ممکن در میان مجموعه متنوعی از طلبکاران مضر است.

با توجه به اینکه فقط تعداد معدودی از کشورها توانسته‌اند بازارها را به طور مداوم مورد بهره‌برداری قرار دهند، تامین مالی خارجی بخش خصوصی به دولت‌ها در خاورمیانه و آسیای میانه محدودتر بوده است. تامین‌کنندگان رسمی اعتبارات در طول تاریخ نقش مهمی داشته‌اند. در LIC ها، تامین‌کنندگان رسمی اعتبارات حدود 80 درصد بدهی دولت را در اختیار دارند، به طوری که سهم بدهی به طلبکاران غیر کلوب پاریس رو به رشد است (حدود 45 درصد بدهی دولت خارجی).

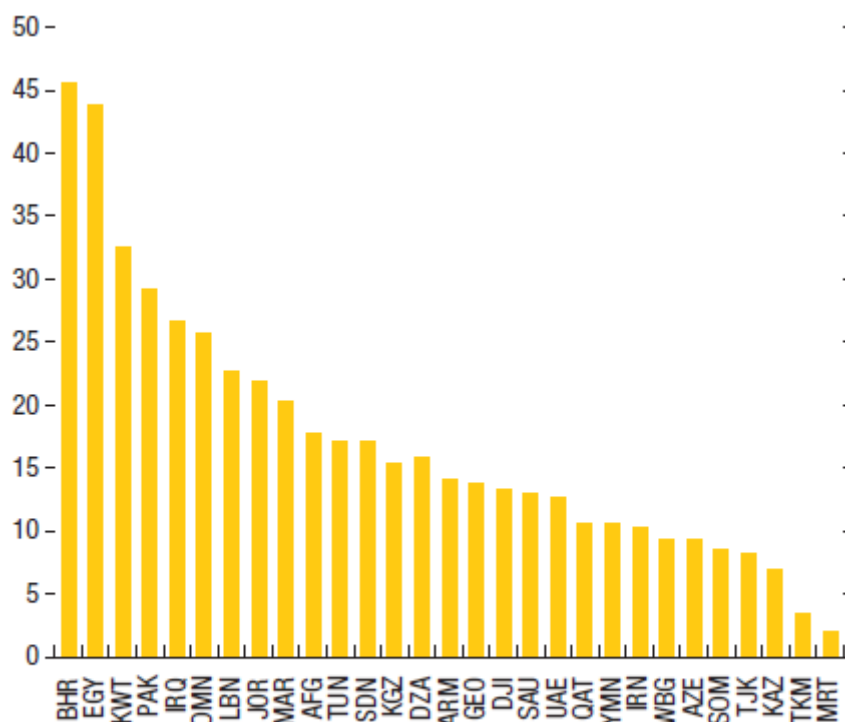
یک سال پس از شروع شیوع همه‌گیری: آسیب‌پذیری در حال افزایش است

تأثیر همه‌گیری بر درآمد و پاسخ به کاهش تأثیر آن، علیرغم تلاش برای تعیین اولویت‌بندی هزینه‌ها، منجر به افزایش کلی کسری‌ها در سال 2020 شد. در مقایسه با پیش‌بینی‌های پیش از همه‌گیری، کسری‌های اولیه به طور متوسط 7 درصد از تولید ناخالص داخلی افزایش یافت. اگرچه برخی از کشورها با استفاده از سپرده‌های دولتی (الجزایر، آذربایجان، عمان، قطر، عربستان سعودی، تونس و امارات متحده عربی) و / یا صندوق‌های ثروت حاکمیتی (الجزایر، آذربایجان، بحرین، قزاقستان، کویت، عمان و امارات متحده عربی) توانستند جلوی صدور بدهی را بگیرند، ترکیبی از کسری‌های بالاتر و انقباض اقتصادی منجر به افزایش متوسط 9 درصدی نسبت بدهی به تولید ناخالص داخلی شد. در پایان سال 2020، سیزده کشور بدهی دولت بیش از 70 درصد تولید ناخالص داخلی داشتند (در حالی که در پایان سال 2019

⁹ رتبه بندی ریسک یمن از تنگنای بدهی خارجی همانند زمان آخرین تجزیه و تحلیل پایداری بدهی که در سال 2016 تهیه شد، بالا ارزیابی شد. با این حال، از آن زمان، بدهی‌های معوقه خارجی یمن انباشته شده است.

این رقم 9 کشور بود). چهارده کشور، در مقایسه با پنج کشور در زمان قبل از همه‌گیری، نیازهای تامین مالی ناخالص عمومی بیش از 15 درصد تولید ناخالص داخلی داشته‌اند (نمودار 13).

نمودار 13. نیازهای تامین مالی ناخالص عمومی، 2020 (درصدی از GDP)

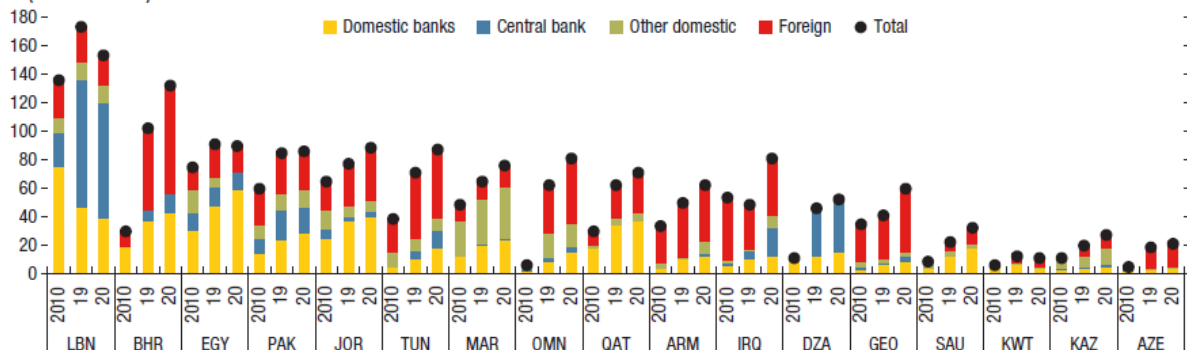


Sources: Country authorities; IMF World Economic Outlook; and IMF staff

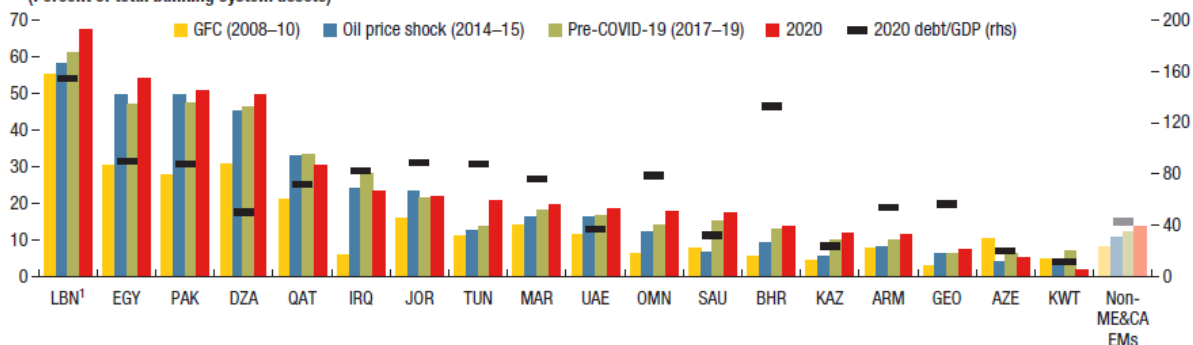
تامین مالی بالاتر از سستم بانکی داخلی، رابطه بانک-حاکمیت را در بیشتر بازارهای نوظهور خاورمیانه و آسیای میانه تقویت کرد. مشابه روندهای گذشته، بانک‌های داخلی در تأمین بودجه دولت‌ها در سال 2020 نقش اساسی داشته و بیش از 50 درصد نیازهای تامین مالی ناخالص عمومی در بحرین، مصر، اردن، پاکستان و تونس را پوشش دادند. با افزودن سهم تأمین مالی از بانک مرکزی، سهم کل بخش بانکی در ارمنستان، عراق و لبنان به بیش از 50 درصد رسیده است. اگرچه در اولین مرحله بحران هنگامی که بازارهای بین‌المللی سرمایه دچار آشفتگی بود، تأمین مالی داخلی بسیار حیاتی بود، در بیشتر موارد رابطه بانک-حاکمیت را تشدید کرد (نمودار 14، پانل‌های 2 و 3).

نمودار 14. بدهی، تأمین مالی و رابطه بانک-حاکمیت در بازارهای نوظهور ME & CA

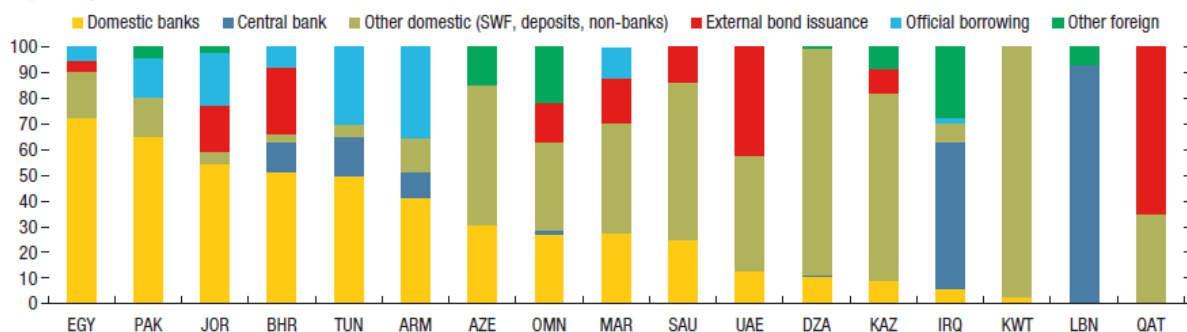
1. Government Debt Structure by Creditor
(Percent of GDP)



2. Domestic Banks' Claims on the Public Sector (General Government and SOEs)
(Percent of total banking system assets)



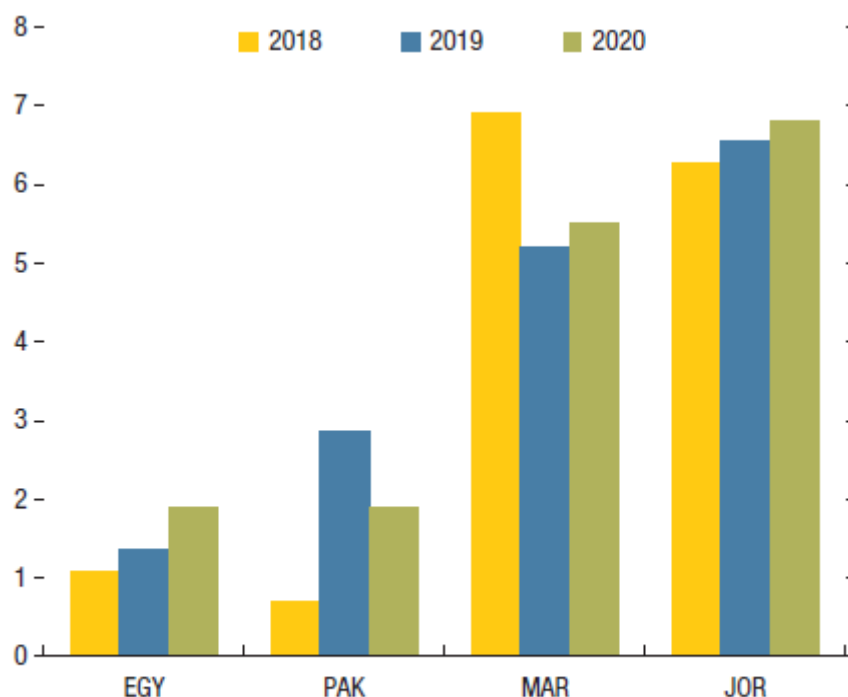
3. 2020 Public Gross Financing Sources
(Percent)



Sources: IMF International Financial Statistics; IMF World Economic Outlook; and IMF staff calculations.

کشورها در حالی که منحنی‌های بازده ارز داخلی به سمت پایین تغییر می‌کرد، استقراض‌های داخلی را افزایش دادند، که منعکس کننده سیاست‌های پولی انبساطی در سال 2020 است. برخی از کشورها اعتماد زیادی به تأمین مالی داخلی کوتاه‌مدت دارند، که منعکس کننده ملاحظات هزینه استقراض و بازارهای داخلی نوپا برای ابزارهای بلندمدت است (به عنوان مثال مصر و پاکستان)، اما سایر کشورها اوراق قرضه داخلی بلندمدت منتشر کرده و پس‌انداز سال‌های آینده را تضمین کردند (به عنوان مثال اردن و مراکش) (نمودار 15).

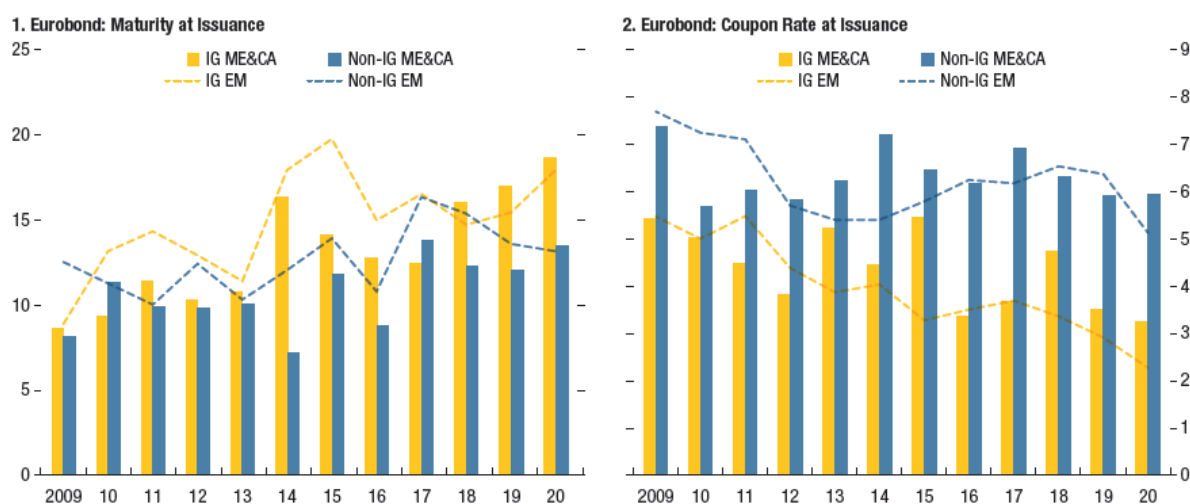
نمودار 15. متوسط سررسید در زمان انتشار اوراق قرضه به ارز داخلی



Sources: Country authorities; Bloomberg Finance L.P.; and IMF staff calculations.

یک سوم کشورهای خاورمیانه و آسیای مرکزی به بازارهای بین‌المللی راه یافته و از شرایط مساعد بهره‌مند شدند، اما برخی از آنها با نوسانات قابل توجهی روبرو شدند. ده کشور از اوایل سال 2020 از بازارهای بین‌المللی استفاده کردند (ارمنستان، بحرین، مصر، اردن، مراکش، عمان، قطر، عربستان سعودی، امارات و ازبکستان)، که 26 درصد از انتشار اوراق بازارهای نوظهور را تشکیل می‌دهد (در مقایسه با وزن ترکیبی آنها از 6 درصد تولید ناخالص داخلی بازارهای نوظهور)، اما تأمین مالی خارجی نسبت به نیازها در اکثر موارد محدود بود (به طور متوسط 20 درصد از نیازهای تأمین مالی ناخالص عمومی). شرایط مساعد نه تنها به این کشورها کمک کرد تا به بازار دسترسی پیدا کنند بلکه آنها را به جایگاه‌های قبلی برگرداند. به طور قابل توجهی، متوسط سررسید اوراق رتبه غیر سرمایه‌گذاری در خاورمیانه و آسیای میانه مانند سایر اوراق رتبه غیر سرمایه‌گذاری بازارهای در حال ظهور بود و شکافی را که در سال‌های گذشته باقی مانده بود، کاهش داد. هزینه‌های استقراض نیز پس از دوره اولیه آشفستگی به تدریج کاهش یافت و این نشان‌دهنده تسهیل شرایط مالی جهانی است. با این وجود، نرخ متوسط بازده برای صادرکنندگان اوراق رتبه غیر سرمایه‌گذاری و رتبه غیر سرمایه‌گذاری در خاورمیانه و آسیای میانه برای سال 2020 کمی بالاتر از بازارهای نوظهور مشابه در سایر نقاط بود (نمودار 16).

نمودار 16. دسترسی به بازار بین‌المللی در ME&CA (میانگین وزنی)



Sources: Bloomberg Finance L.P.; and IMF staff calculations.

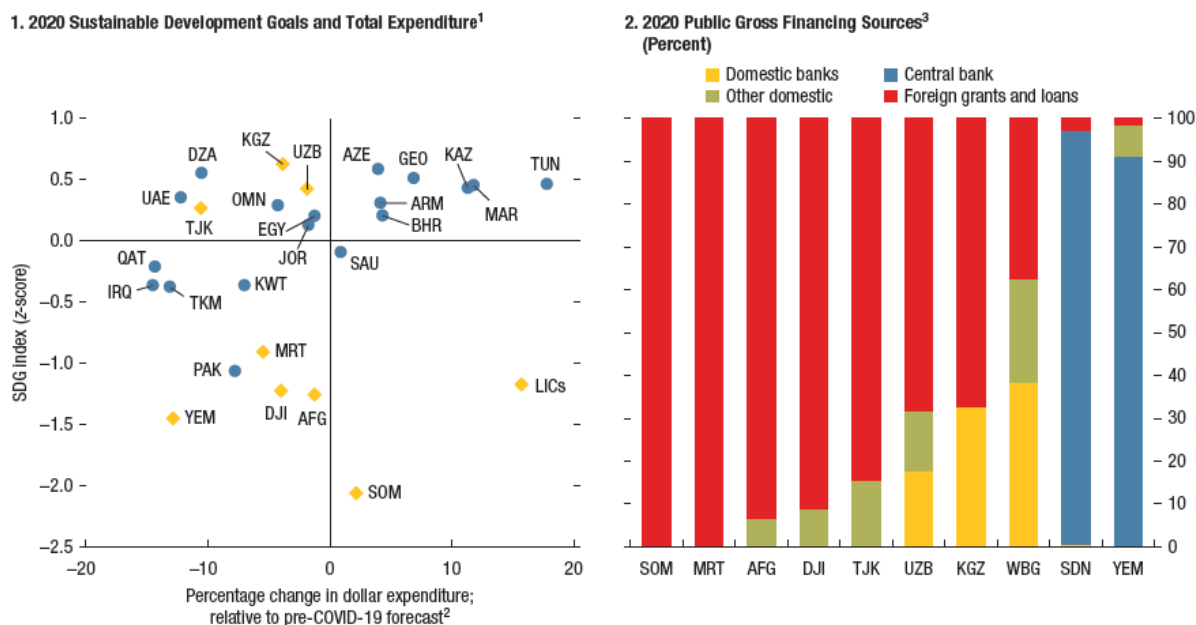
مشارکت سرمایه‌گذاران غیرمقیم در بازارهای بدهی دولتی به ارز محلی در اکثر کشورهای خاورمیانه و آسیای میانه ناچیز باقی مانده است. با این حال، کسانی که در معرض جریانهای سرمایه غیرمقیم کوتاه‌مدت به بازارهای بدهی به ارز محلی قرار داشتند، نوسانات قابل توجهی را در طول سال تجربه کردند. به عنوان مثال، مصر و پاکستان با خروج سرمایه‌گذاران خارجی از بازار اوراق بهادار دولت داخلی طی ماه‌های مارس - می (به ترتیب بیش از 15 و 2.5 میلیارد دلار) خروج سرمایه زیادی را تجربه کردند. در مصر، سیاستهای اقتصادی کلان محتاطانه و بازده واقعی بالا، علیرغم کاهش 4 درصدی نرخ سیاستی، به معکوس شدن زود هنگام روند خروج سرمایه تا پایان سال انجامید. در پاکستان، سرمایه‌گذاران خارجی هنوز به بازار داخلی بازنگشته‌اند.

اکثر LICها در خاورمیانه و آسیای میانه با توجه به محدودیت‌های مالی، با تکیه بر تامین مالی رسمی و بانک مرکزی پاسخ کمی به بحران دادند. در سال 2020، افزایش متوسط کسری اولیه این گروه 2 درصد تولید ناخالص داخلی بود (علیرغم چالش‌های قابل توجهی که این کشورها پس از همه‌گیری با آن روبرو بودند) که منعکس کننده محدودیت‌های مالی و کمبود فضای سیاست‌گذاری است. نگران کننده‌تر، کشورهایی که بیشتر نیاز به صرف هزینه دارند (با شاخص اهداف توسعه پایدار پایین) هزینه‌های اسمی خود را به طور قابل توجهی در مقایسه با پیش‌بینی‌های پیش از همه‌گیری کاهش دادند (نمودار 17، پنل 1).

تا حد زیادی، تلاش‌های بین‌المللی به کاهش برخی از محدودیت‌های فوری تأمین مالی کمک کرد. صندوق بین‌المللی پول 1.7 میلیارد دلار اعتبار به LICها در خاورمیانه و آسیای میانه ارائه کرده و سایر اهداکنندگان رسمی نیز 3.9 میلیارد دلار به آنها کمک کردند. علاوه بر این، این کشورها از خدمات بدهی طبق طرح تعلیق خدمات بدهی گروه بیست (DSSI)، صندوق امانی رفاه و کنترل بحران صندوق بین‌المللی پول، و در سوماتی، تخفیف بدهی تحت طرح کشورهای بدهکار بهره‌مند شدند. با وجود این تلاش‌ها، چند کشور و سرزمین (سودان، کرانه باختری و غزه، یمن) در سال 2020 کمک هزینه کمتری نسبت به انتظارات قبل از همه‌گیری یا در برخی موارد (جمهوری قرقیزستان، سودان، یمن) کمتر

از سال 2019 دریافت کردند. همچنین با توجه به محدودیت تأمین مالی خارجی، چند LIC (سودان، یمن) مجبور به استفاده از تأمین مالی از بانک مرکزی شدند (نمودار 17، پنل 2).

نمودار 17. تأمین مالی محدود پاسخ ME & CA-LIC را به بحران محدود کرد



Sources: Sustainable Development Goals index database; IMF World Economic Outlook; and IMF staff calculations.

ریسک‌های تأمین مالی پیش‌رو

پیش‌بینی می‌شود که نیازهای تأمین مالی ناخالص عمومی طی سالهای 2021-22، در مقایسه با انتظارات قبل از همه‌گیری افزایش یابد. در بازارهای نوظهور خاورمیانه و آسیای میانه، نیازهای تأمین مالی طی سالهای 2021-22 از 784 میلیارد دلار در 2018-19 به 1070 میلیارد دلار در سالهای 2021-22 افزایش می‌یابد (جدول 1). این کشورها انتظار دارند از طریق 862 میلیارد دلار از نیازهای تأمین مالی را از طلبکاران داخلی و 208 میلیارد دلار از منابع خارجی تأمین کنند. در مقابل، نیازهای تأمین مالی LIC از 27 میلیارد دلار در سالهای 2018-19 به 29 میلیارد دلار در طی سالهای 2021-22 افزایش یابد. این کشورها همچنان به بودجه رسمی متکی خواهند بود اما پیش‌بینی می‌شود با محدودیت دسترسی به پشتیبانی خارجی، بیشتر به منابع داخلی متکی باشند.

جدول 1. منابع و نیازهای تأمین مالی ناخالص عمومی 2021-22 (میلیارد دلار)

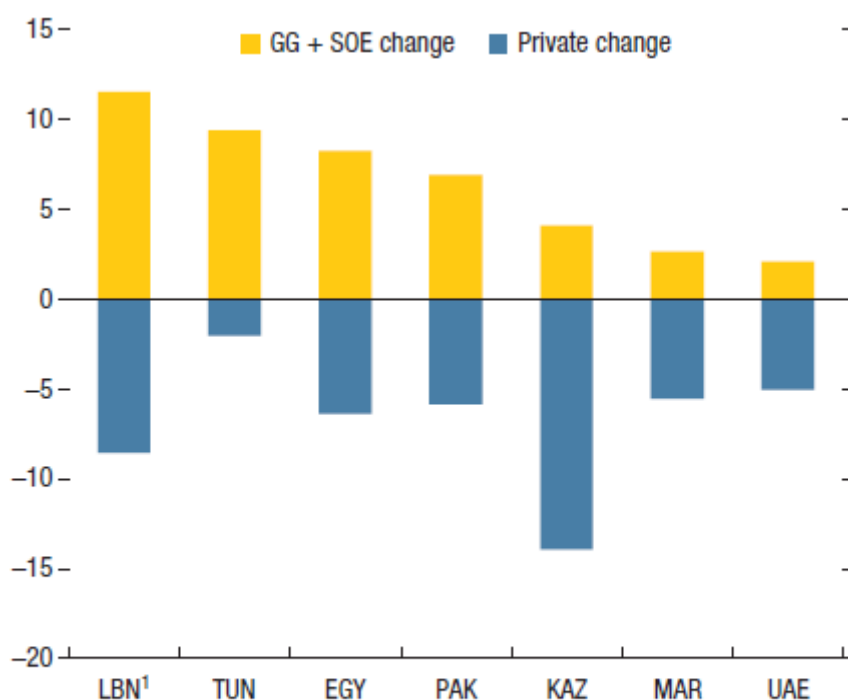
منابع ناخالص خارجی	منابع ناخالص داخلی	نیازهای تأمین مالی ناخالص عمومی	
208	862	1070	ME&CA-EMs
118	130	248	GCC
19	11	29	ME&CA-LICs
موارد تفاهم نامه:			

227	873	1100	ME&CA
185	735	919	MENA
11	15	27	CCA

Source: IMF staff estimates.

توجه: CCA = قفقاز و آسیای میانه، EM = بازار نوظهور؛ GCC = شورای همکاری خلیج فارس؛ LIC = کشور کم درآمد؛ ME&CA = خاورمیانه و آسیای میانه؛ MENA = خاورمیانه و شمال آفریقا.

از آنجا که چشم‌انداز بهره‌برداری سنگین از بازارهای بین‌المللی محدود است، بانکهای داخلی باید در سال‌های آینده به تأمین سهم عمده‌ای از نیازهای تأمین مالی بالا در بازارهای نوظهور خاورمیانه و آسیای مرکزی ادامه دهند. این می‌تواند منجر به بیرون رانده شدن بیشتر اعتبارات بخش خصوصی در چندین کشور شود - همانطور که پس از شوک نفتی 15-2014 - در زمان افزایش نیازهای تأمین مالی خصوصی، و دلالت‌هایی برای بهبود در آینده مشهود بود (نمودار 18). در عوض، بهبودی طولانی‌مدت و ایجاد آسیب‌های احتمالی در شرکت‌های کوچک و متوسط و بخش شرکتی پس از همه‌گیری، می‌تواند وام‌های ناکارآمد را افزایش داده و توانایی بانکها در تأمین بودجه مورد نیاز اقتصاد را کاهش دهد. در چند کشور، این می‌تواند باعث ایجاد دور دیگری از تأمین مالی پولی شود، و نگرانی‌ها از بابت تسلط مالی را تشدید کند. تجربه لبنان نشان می‌دهد که چگونه روابط متقابل بانک‌های دولتی می‌توانند ثبات کلان، بودجه‌ای و مالی را از بین ببرد. نمودار 18. مواجهه اعتباری بانک با بخش عمومی در مقابل بخش خصوصی (تغییرات درصدی 2013 تا 2020، درصد دارایی‌های سیستم بانکی)



Sources: Country authorities; IMF International Financial Statistics; IMF World Economic Outlook; and IMF staff calculations.

در صورت بروز شوک تا چه حد ریسک تأمین مالی می‌تواند تشدید شود؟ یک سوال اساسی، به ویژه در بازارهای در حال ظهور، این است که آیا بانک‌های داخلی همچنان قادر به جذب نیازهای اضافی تأمین مالی طی 2021-22 هستند و

اگر اتکای بیشتر به بانکداری داخلی تنها گزینه موجود باشد، حجم تقاضا برای تأمین مالی اضافی در صورت بروز شوک چقدر می‌تواند باشد؟ یک سناریو ترکیبی شامل دو شوک را در نظر می‌گیریم:

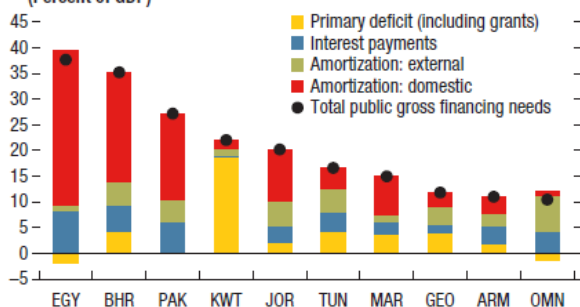
• تشدید سریعتر از حد انتظار شرایط مالی جهانی. چین سناریویی منجر به تجدیدنظر در قیمت و مقدار دسترسی به بازار می‌شود. شوکی به میزان دو درصد به بازده (داخلی و خارجی) وارد می‌شود، کاملاً مشابه تأثیر بر بازارهای نوظهور خاورمیانه و آسیای میانه در طی دوره افزایش نرخ بازده اوراق خزانه‌داری آمریکا در سال 2013 ("taper tantrum") و سایر دوره‌های با نوسانات بالا. این سناریو همچنین یک شوک تمدید بدهی اعمال می‌کند که به موجب آن فقط نیمی از سررسید اوراق قرضه خارجی طی سالهای 2021-22 تمدید می‌شود، مطابق با آزمون استرس در چارچوب پایداری بدهی صندوق بین‌المللی پول برای کشورهای نوظهور و پیشرفته.¹⁰

• تأخیر در تعدیل بودجه‌ای. کشورها انتظار دارند در سال 2021 تحکیم تدریجی را آغاز کنند، اما بهبود شکننده و طولانی شدن توزیع واکسن ممکن است منجر به درآمد کمتر از حد انتظار و تمدید سیاستهای حمایتی در سال 2021 شود. این سناریو فرض می‌کند تعدیل بودجه‌ای برنامه‌ریزی شده یک سال تأخیر داشته و از سال 2021 به سال 2022 موکول گردد. طبق این سناریو، متوسط نیازهای تأمین مالی ناخالص عمومی طی 2021-22 حدود 3 درصد از تولید ناخالص داخلی افزایش می‌یابد، یعنی تقریباً نیمی از تأثیر همه‌گیری بر نیازهای تأمین مالی ناخالص عمومی در بازارهای نوظهور خاورمیانه و آسیای میانه در سال 2020 (نمودار 19، پانل 3). با فرض اینکه نیازهای اضافی بودجه‌ای ناشی از شوک‌های ترکیبی شبیه‌سازی شده توسط بانکهای داخلی تأمین شده (علاوه بر خالص تأمین مالی از بخش بانکی که قبلاً نیازهای مورد انتظار 2021-22 را پوشش می‌داد)، چهار کشور در منطقه (مصر، عمان، پاکستان و تونس) 10 تا 23 درصد دارایی بانکها را به عنوان بدهی دولت در طول 2021-22 جذب خواهند کرد (نمودار 19، پانل 4). چنین تحولی بیشتر باعث تشدید مواجهه بخش بانکی با حاکمیت شده و ظرفیت بالقوه بانک‌ها برای وام دادن به بخش خصوصی را به شدت کاهش می‌دهد که این امر احتمالاً چشم‌اندازهای بهبود پایدار و قوی را تضعیف می‌کند.

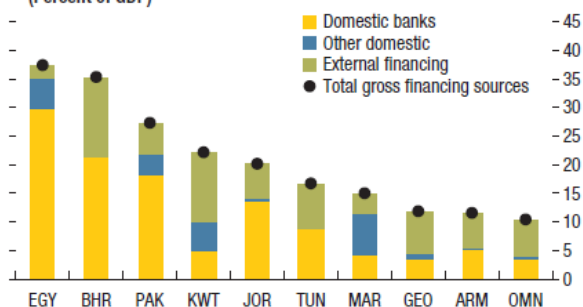
¹⁰ IMF Debt Sustainability Framework for Market Access Countries

نمودار 19. تأمین مالی عمومی و ریسک بیرون رانده شدن بخش خصوصی در ME و CA-Ems

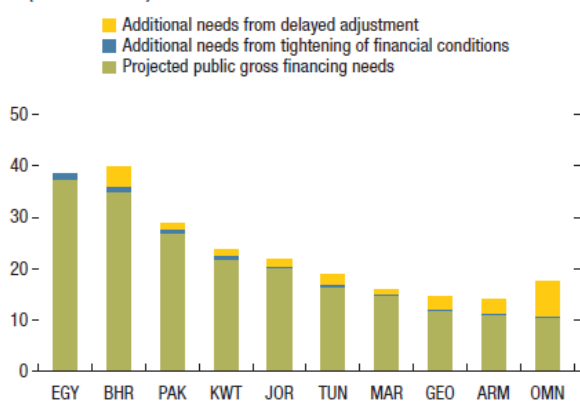
1. 2021–22 Average Public Gross Financing Needs (Percent of GDP)



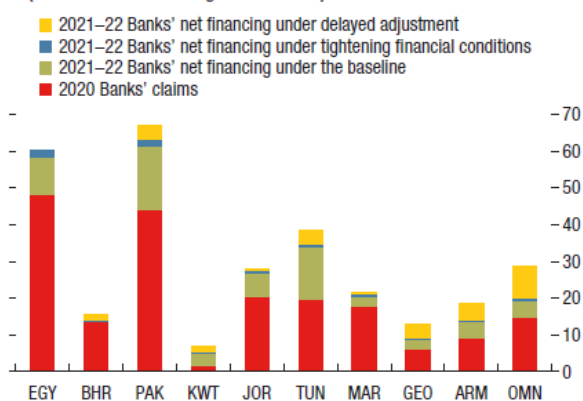
2. 2021–22 Average Public Gross Financing Sources (Percent of GDP)



3. 2021–22 Average Public Gross Financing Needs: Shock Scenarios (Percent of GDP)



4. 2022 Banks' Claims to the Public Sector: Shock Scenarios (Percent of total banking sector assets)



Sources: IMF staff projections; IMF International Financial Statistics; and IMF World Economic Outlook.

مقدمه

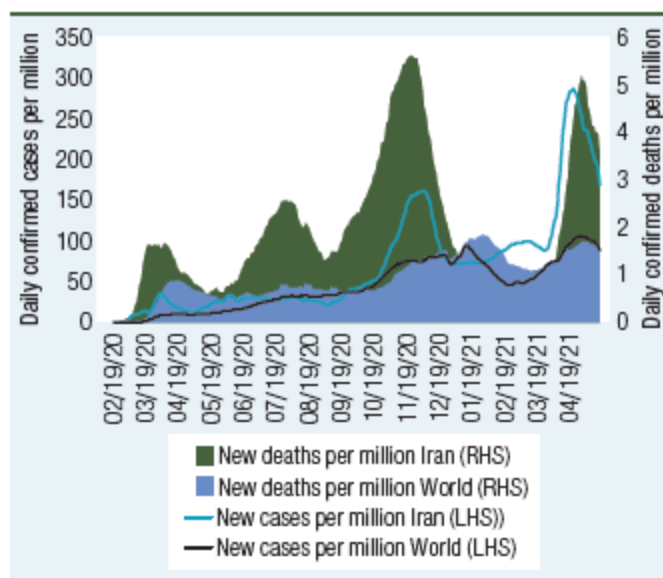
طی دهه گذشته، عملکرد رشد اقتصادی ایران به دلیل نقش بخش نفت، بی‌ثبات بوده است. تولید ناخالص داخلی واقعی به همان سطح یک دهه قبل کاهش یافته است و این کشور از فرصت‌های رشد مانند دوره‌های قیمت بالای نفت (14-2010) و جمعیت تحصیلکرده جوان که می‌تواند بهره‌وری را افزایش دهد، بهره‌مند نشده است. ایجاد مشاغل از سمت عرضه نیروی کار کاسته شده است و با وجود نرخ مشارکت پایین بازار کار (میانگین 42 درصد)، نرخ بیکاری دو رقمی بوده است. بیکاری در بین جوانان، زنان و افراد تحصیلکرده بسیار بالا بوده است. علیرغم برخی پیشرفت‌ها در جهت تنوع بخشی به اقتصاد، سهم بالای دولت در اقتصاد همچنان مانع ایجاد اشتغال و تشکیل سرمایه توسط بخش خصوصی شده است.

ایران تحت تاثیر بحران پاندمی کووید 19 دست و پنجه نرم می‌کند. با بیش از 2.7 میلیون مورد عفونت و 76 هزار مورد مرگ در 15 مه 2021، ایران مرگبارترین شیوع را در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا (MENA) تجربه کرده است. از زمان اولین موارد تایید شده در فوریه 2020، بیماری همه‌گیر تحت چهار موج قرار گرفت (نمودار 20). پس از اوج‌گیری موارد روزانه موج سوم در نوامبر 2020، موارد روزانه در سطح متوسط 7 تا 8 هزار مورد جدید با نرخ مرگ و میر دوگانه پس از اعلام اقدامات مهار جدید مانند منع رفت و آمد شبانه در سال ثابت ماند. نوامبر 2020. از آن زمان، موج چهارم پس از دو هفته تعطیلات سال نو در ایران آغاز شد (از 21 مارس شروع شد) که باعث افزایش روزانه عفونت‌ها و مرگ و میرها در بالاترین سطح خود شد. واحدهای مراقبت‌های ویژه در شهرهای بزرگ مانند تهران پس از آن به ظرفیت کامل رسیدند. در اواسط آوریل 2021، بیش از 85 درصد شهرها در معرض خطر بالا قرار گرفتند و 65 درصد در بالاترین سطح خطر ویروس قرار گرفتند و کشور اقدامات سختگیرانه‌تری را برای مهار و قرنطینه به مدت دو هفته انجام داد که بیشتر تمديد شد. افزایش اخیر همچنین با شیوع بیشتر گزارش شده از انواع جدیدتر خطرناک ویروس همراه بود در حالی که روند واکسیناسیون ضعیف باقی ماند.

شیوع همه‌گیری کووید 19 و سال‌ها تحریم اقتصادی، چالش‌های اقتصادی قبلی اقتصاد ایران را تقویت کرده است. کاهش شدید درآمدهای هیدروکربوری از سال 2019/20 همراه با هزینه‌های اقتصادی و بهداشتی این بیماری همه‌گیر منجر به بار سنگینی بر منابع مالی دولت و افزایش چالش‌های ساختاری موجود شد.

تورم از سال 2018/19 بالا بوده است (به طور متوسط سالانه 36 درصد). این بیماری همه‌گیر مشاغل و درآمد را در بسیاری از فعالیت‌های کاربر، از جمله خدمات با مخاطبین بالا و بخش غیررسمی، به شدت تحت تأثیر قرار داده است.

نمودار 20. موج‌های مختلف کرونا ویروس از ابتدا تا 15 می 2021 در ایران



Source: Our World in Data.

تحلیل اقتصاد ایران طی دو سال گذشته¹¹

عرضه و تقاضا

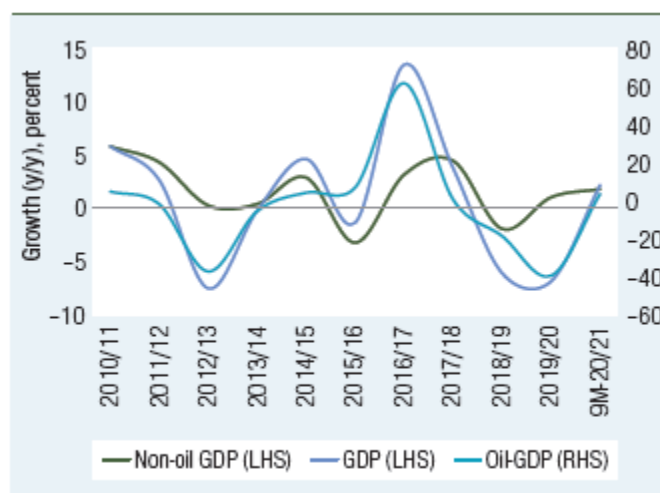
اقتصاد ایران با وجود تجربه نیمی از موج‌های کووید-19 در سال 2020/21 بهبود نسبی را تجربه کرد. بهبود تولید ناخالص داخلی در سه ماهه دوم و سوم 2020/21 در هر دو بخش نفت و غیرنفتی بیش از حد انتظار بود که به ترتیب 15.3 و 3.1 درصد در سال رشد کرد (نمودار 21). کاهش تولید ناشی از بیماری کرونا نسبت به سایر کشورها کمتر بود، تا حدی به دلیل پایین بودن پایه اقتصادی پس از انقباض اقتصادی قبلی (تحریم‌های اقتصادی) است. تولید ناخالص داخلی واقعی پس از اعمال مجدد تحریم‌های آمریکا در بخش نفت که به نصف کاهش یافت، طی دوره 2018/19-2019/20 12 درصد کاهش یافت. همه‌گیری کووید 19 همچنین تا پایان سال 2019/20 تأثیر داشت و به انقباض سالانه کمک کرد. انقباض اقتصادی شکاف بین ایران و هم‌تایان منطقه‌ای را افزایش داد (نمودار 22). در دو دهه گذشته، نرخ بالقوه تولید ناخالص داخلی ایران از بیش از 4 درصد در اوایل دهه 2000 به زیر 1 درصد در سال‌های اخیر کاهش یافته است (نمودار 23).

در حالی که اقتصاد از اواسط سال 2020 شروع به رشد کرده است، بهبود در بخش‌ها نابرابر بود. فعالیت‌های اقتصادی در همه بخش‌ها در سه ماهه دوم و سوم 2020/21 (سالانه) با نرخ‌های مختلف افزایش یافته است (نمودار 24). این بهبود با افزایش شدیدتر از حد انتظار در صنعت نفت (22.2 درصد و 9.7 درصد در سه ماهه دوم و سوم 2020/21، سالانه)، هر چند از پایه پایین، و همچنین رشد ارزش افزوده تولید انجام شد (7.9 و 7 درصد در سه ماهه دوم و سوم

¹¹. این بخش از گزارش، ترجمه گزارش زیر است:

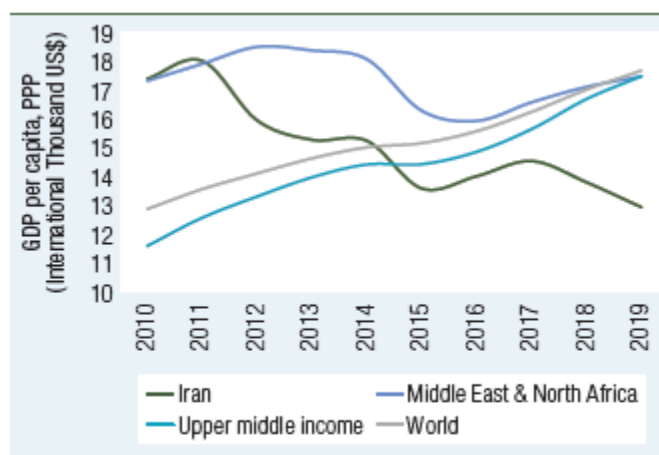
2020/21، سالانه). رشد بخش خدمات به دلیل تأثیر مداوم کووید 19 و اقدامات مهارکننده همچنان در جا می‌زند، در حالی که بخش کشاورزی 4.6 درصد رشد را در نه ماهه 2020/21 ثبت کرده است. برآورد می‌شود که تولید ناخالص داخلی در سال 2020/21 به میزان 1.7 درصد افزایش می‌یابد که ناشی از بخش‌های صنعتی (از جمله نفت) است.

نمودار 21. روند تولید ناخالص داخلی با نفت و بدون نفت ایران 2010-2021



Source: CBI and World Bank staff calculations.

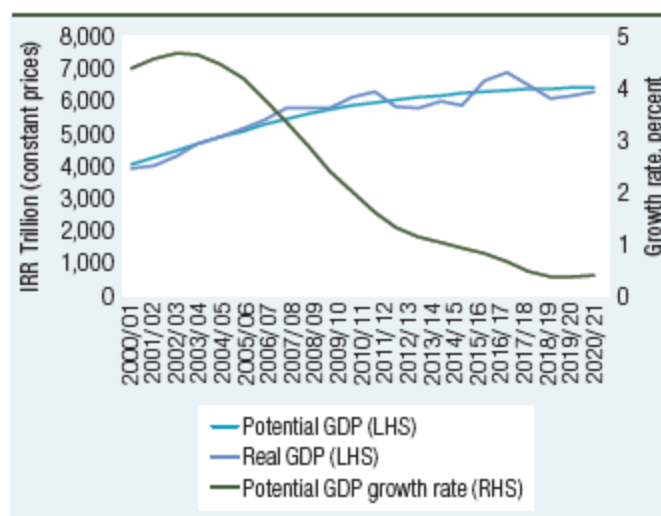
نمودار 22. روند تولید ناخالص داخلی سرانه (PPP) ایران و منطقه 2010-2019



Source: World Bank WDI.

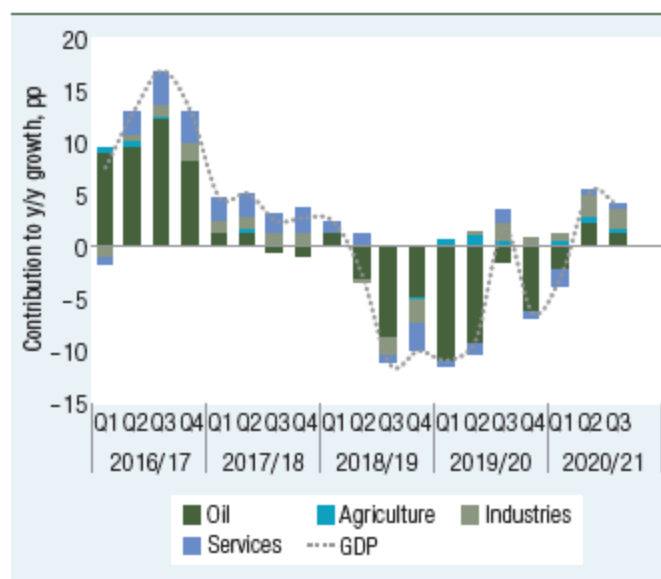
بهبود اخیر عمدتاً ناشی از رشد در صنایع بود. بخش نفت پس از هشت ماه متوالی انقباض علائم بهبود را نشان می‌دهد. این افزایش می‌تواند ناشی از سفارشات پیش‌بینی شده بیشتر، قبل از بهبود تقاضای جهانی و داخلی باشد. افزایش مجدد بخش غیرنفتی توسط بخش تولید انجام شد زیرا کاهش ارزش پول داخلی باعث شد قیمت داخلی رقابتی‌تر شود. ریال در سال 2020/21 تا 65 درصد دیگر کاهش یافت.

نمودار 23. روند تولید ناخالص داخلی بالقوه و واقعی ایران 2000-2020



Source: CBI and World Bank staff calculations.
 Note: Potential GDP estimated using the HP filter.

نمودار 24. سهم بخشهای مختلف اقتصادی ایران 2016-2020



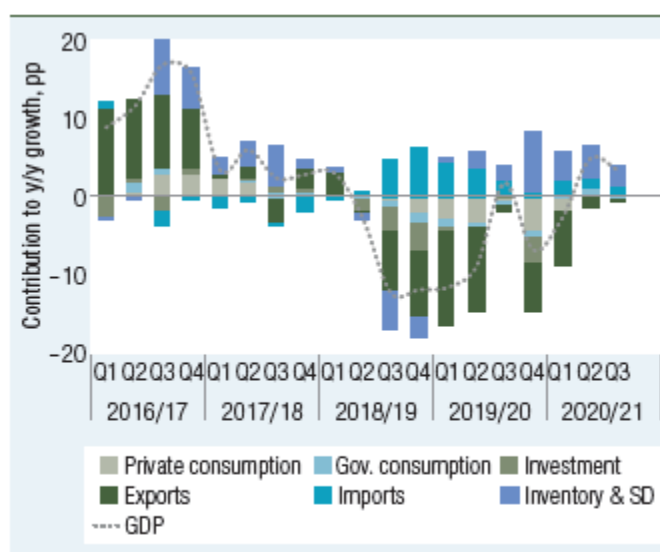
Source: CBI and World Bank staff calculations.

شاخص تولید صنعتی (IPI) صنایع منتخب در بازار سهام و بهبود شاخص مدیر خرید (PMI) نیز پس از کاهش شدید در اوایل سال 2020 وضعیت بهتری را به تصویر می کشد (نمودار 25).

اجزای اصلی تولید ناخالص داخلی از جمله مصرف و سرمایه گذاری هنوز به طور کامل بازیابی نشده است. واردات و افزایش موجودی ها منجر به رشد در سه ماهه دوم و سوم 2020/21 شد. پس از نه فصل پیاپی انقباض سالانه، مصرف خصوصی و سرمایه گذاری در سه ماهه دوم و سوم 2020/21 افزایش یافت، اما سهم کمی در رشد داشت (نمودار 26).

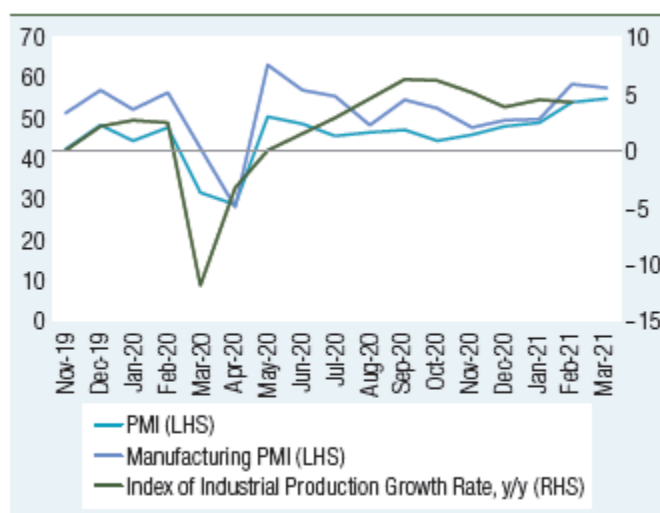
صادرات و واردات هر چند با سرعت کندتری نسبت به سه ماهه‌های قبلی همچنان در حال کاهش است. از زمان بازگشت تحریم‌های ایالات متحده (2017/18 – 2019/20)، تقلیل تقاضا در تجارت بیشتر به چشم می‌خورد زیرا صادرات و واردات به ترتیب بیش از 39 و 56 درصد کاهش یافته است. مصرف خصوصی نیز بیش از 10 درصد به صورت واقعی کاهش یافته و منجر به کاهش 12 درصدی سرانه مصرف شده است. در مدت مشابه، سرمایه‌گذاری کل 17 درصد و سرمایه‌گذاری در ماشین‌آلات 28 درصد کاهش یافت.

نمودار 25. رشد اجزاء اصلی تولید ناخالص داخلی (تقاضا) ایران 2016-2020



Source: CBI and World Bank staff calculations.

نمودار 26. شاخص تولید صنعتی و مدیران خرید ایران 2020-2021



Source: ICCIMA and MBRI.

بخش خارجی

تراز حساب جاری در نیمه اول 2020/21 منفی شد زیرا کاهش صادرات بر کاهش واردات غلبه کرد. در نیمه اول سال 2020/21، صادرات نفت و غیرنفتی به ترتیب 47 و 22 درصد کاهش و واردات 17 درصد (سالانه) کاهش یافت. تراز حساب جاری 1.8 میلیارد دلار کسری ثبت کرد و برای اولین بار در پانزده سال گذشته در نیمه اول 2020/21 منفی شد (نمودار 27). سیاست ممنوعیت واردات و گسترش فهرست کالاهای ممنوعه واردات توسط مقامات و کاهش ارزش ریال برای جبران تأثیر کامل انقباض در صادرات نفت و غیر نفت کافی نبود.

تولید و صادرات نفت در نیمه اول 2020/21 در دو دهه گذشته به کمترین حد خود رسید، اما برخی علائم بهبود در نیمه دو سال ظاهر شد. بر اساس داده‌های اوپک، تولید نفت ایران در سال 2020 حتی در مقایسه با سال 2019 (2.36 میلیون بشکه در روز) در سطح قابل توجهی پایین (1.98 میلیون بشکه در روز) را ثبت کرد.

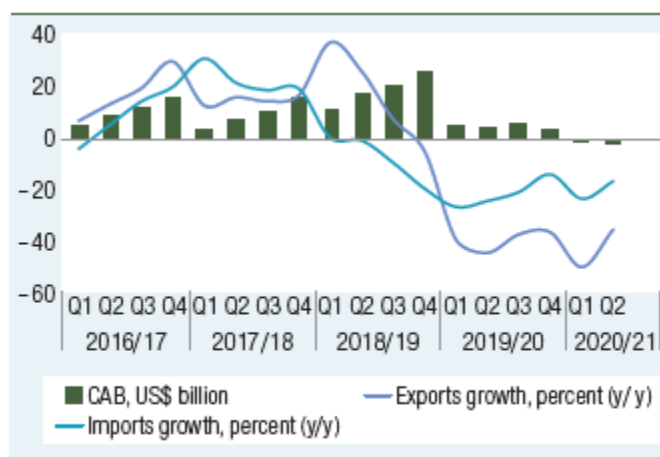
با فرض سطوح مشابه مصرف داخلی، این نشان می‌دهد که حجم صادرات نفت ایران به احتمال زیاد بسیار کمتر از سطح سال 2019 (0.651 میلیون بشکه در روز) بوده است. اخیراً، نشانه‌هایی مبنی بر افزایش تولید و صادرات نفت وجود دارد. بر اساس آخرین گزارش اوپک، تولید نفت ایران در مارس 2021 2.32 میلیون بشکه در روز است. به گزارش رسانه‌ها، در مارس 2021، چین حدود 1 میلیون بشکه در روز با قیمت تخفیف‌دار از ایران خریداری کرد.

شوک تجاری بزرگ ناشی از همه‌گیری کووید-19 بر صادرات غیرنفتی نیز تأثیر گذاشت. مجموع صادرات غیرنفتی 17 درصد در سال 2020/21 کاهش یافت، با این حال، این شوک به طور متفاوتی بین شرکای تجاری مختلف توزیع شد. صادرات غیرنفتی به ترکیه 50 درصد، عراق 26 درصد و چین و افغانستان هر کدام 7 درصد در سال 2020/21 کاهش یافت (نمودار 28)، در حالی که صادرات به امارات متحده عربی در مدت مشابه 2 درصد افزایش یافته است. عمده اقلام صادراتی غیرنفتی ایران شامل بنزین، گاز طبیعی، پلی‌اتیلن و متانول بود.

ادامه ممنوعیت واردات منجر به کاهش کل واردات در سال 2020/21 به میزان 12 درصد شد. واردات کالا در سال 2020/21 حدود 38 میلیارد دلار آمریکا بود که حدود 30 درصد آن کالاهای اساسی (ذرت، سویا، برنج، روغن و دانه‌های روغنی) و مابقی عمدتاً شامل کالاهای واسطه (ماشین‌آلات و تجهیزات مواد اولیه) بود. اقدامات جایگزینی و محدودیت واردات در 2020/21 ادامه یافت. سیاست‌های کنترل تعرفه‌ای واردات، از جمله تخصیص نرخ ارز ترجیحی برای کالاهای اساسی، چالش برانگیز بوده است. در حالی که دولت هنوز ارزشهای ترجیحی را برای واردات کالاهای اساسی تأمین می‌کند، میزان تخصیص ارز از 30.5 میلیون دلار آمریکا در سال 2018/19 به 10.5 میلیون دلار در سال 2020/21 کاهش یافته است. این وضعیت همچنین نشان‌دهنده دسترسی محدود به ذخایر ارزی به دلیل تحریم‌های مالی است. شرکای اصلی وارداتی ایران در سالهای 2020/21 ثابت بودند. ایران در سال 2020/21 واردات کالا از کشورهای مشابه را ادامه داد (نمودار 29). محدودیت‌های تجاری و مشکلات دسترسی به ذخایر خارجی منجر به کاهش واردات شده است. ارزش کل واردات از شرکای اصلی واردات بطور چشمگیری کاهش یافت، به جز امارات متحده عربی که 8 درصد افزایش داشت. واردات از هند 43 درصد و از آلمان، ترکیه و چین حدود 13-14 درصد در سال 2020/21 کاهش یافته است. تحریم‌های آمریکا و شیوع بیماری همه‌گیری، تمرکز در شرکای وارداتی را افزایش داد، زیرا پنج شریک وارداتی اصلی 72 درصد از کل واردات را در دو سال گذشته به خود اختصاص داده‌اند، در حالی که این سهم در سال 2017/18 تا 2018/19، 58 درصد بوده است.

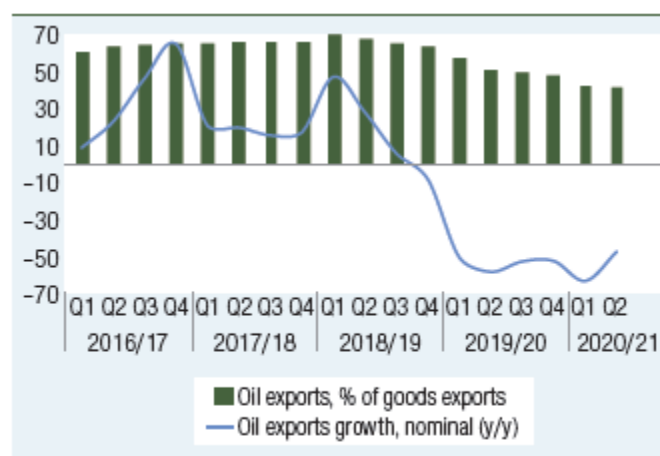
وخامت تراز حساب جاری و افزایش عدم اطمینان اقتصادی بر چالش‌های موجود دسترسی به ذخایر ارزی در خارج از کشور افزوده است. علیرغم مهلت‌های تعیین شده توسط بانک مرکزی ایران، بازگرداندن عواید حاصل از صادرات توسط صادرکنندگان به دلیل چالش‌های لجستیکی ناشی از تحریم‌ها و عدم انگیزه‌ها مانند شکاف قیمت بین نرخ بازار آزاد و بازار نیما و افزایش عدم قطعیت با کندی انجام می‌شود. این تحولات بر فشارهای ریال در بازار موازی افزود (نمودار 30). در پاسخ به این فشارها، از اواسط اکتبر 2020، بانک مرکزی ایران در بازار مداخله کرد تا بازار ارز را تثبیت کند. این مداخلات همراه با مذاکرات اخیر برای دسترسی به ذخایر خارجی با کشورهایی که وجوه آنها مسدود شده است و همچنین احساس مثبت بازار پس از انتخابات ایالات متحده و مذاکرات هسته‌ای، باعث افزایش 23 درصدی ریال در بازار موازی شد (اکتبر 2020 تا اواسط - مه 2021).

نمودار 27. تراز حساب جاری / رشد صادرات و واردات ایران 2016-2020



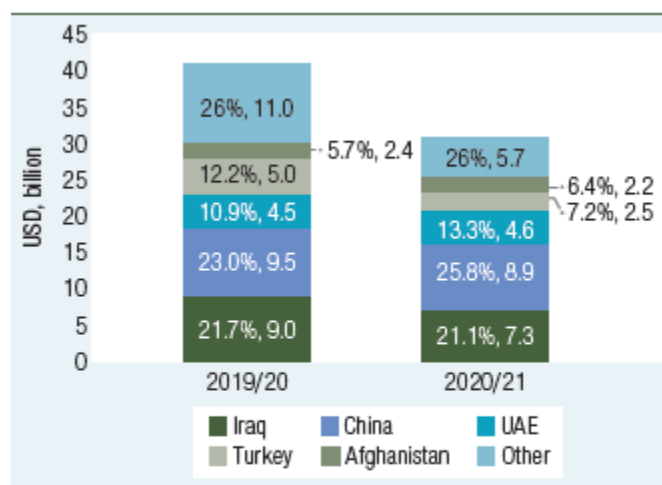
Source: CBI and World Bank staff calculations.

نمودار 28. صادرات نفت (درصد از کل صادرات کالایی و رشد به درصد) ایران 2016-2020



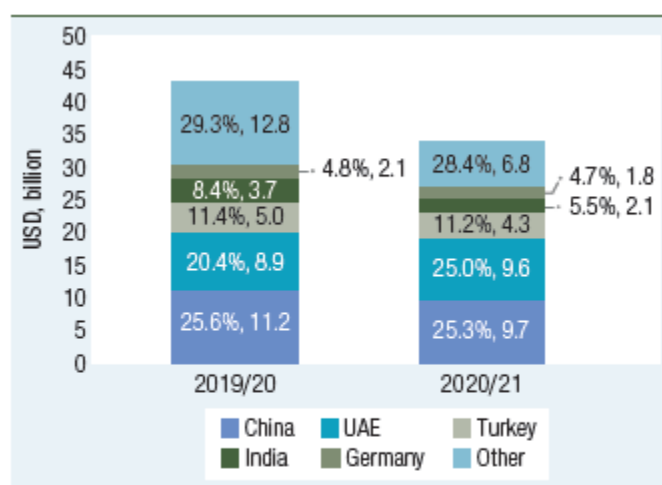
Source: CBI and World Bank staff calculations.

نمودار 29. شرکای صادرات غیرنفتی (ارزش و سهم از کل به درصد) ایران 2019-2020



Source: IRICA and World Bank staff calculations.
Note: The first number represents the country's share (%) in total exports.

نمودار 30. مقاصد وارداتی (ارزش و سهم از کل به درصد) ایران 2019-2020



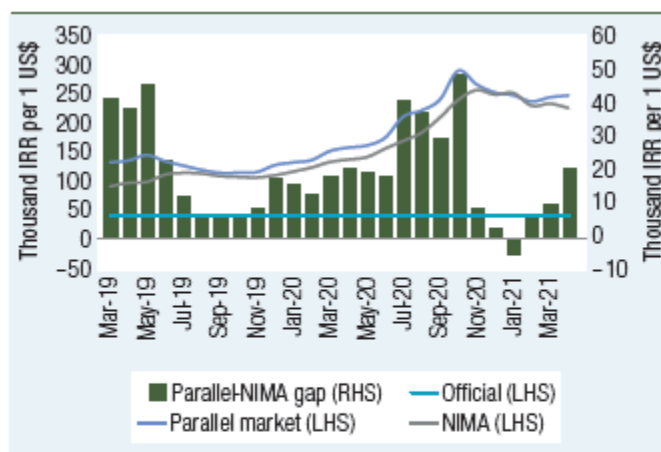
Source: IRICA and World Bank staff calculations.
Note: The first number represents the country's share (%) in total imports.

تورم

تورم مصرف‌کننده (CPI) به دلیل ترکیبی از رشد عرضه پول، انتظارات تورمی و فشار هزینه به 36.4 درصد در سال 2020/21 (سالانه) افزایش یافت. انتظارات تورمی ناشی از هزینه‌های تجاری بالاتر و کاهش شدید ریال بود (نمودار 31). در طول 2020/21، ریال بیش از 65 درصد کاهش یافت، زیرا تأثیر کووید 19 بر عدم قطعیت‌های ژئوپلیتیکی افزود و دسترسی به درآمد حاصل از صادرات را محدود کرد. همزمان با روند نرخ ارز، تورم در آوریل 2021 (سالانه) به 49.5 درصد و تورم هسته به 57.7 درصد افزایش یافت.

بعد از اینکه بانک مرکزی سیاست هدف‌گذاری تورمی و عملیات بازار باز را برای اولین بار در ماه مه سال 2020 آغاز کرد، در اولین سال در این سیاست برای تورم 22 درصد با شکست مواجه شد. محرک اصلی رشد پایه پولی در نه ماهه 2020/21 افزایش خالص دارایی‌های خارجی بود. بر این اساس، بانک مرکزی با تنها گزینه چاپ پول مواجه شد.

نمودار 31. شکاف نرخ ارز نیمایی با بازار آزاد و نرخ رسمی ارز ایران 2019-2021



Source: CBI and World Bank staff calculations.

Note: NIMA, the Persian acronym for "integrated system of foreign exchange transactions", is an FX auction system administered by the CBI for facilitating transactions between exporters and importers.

چشم انداز اقتصاد ایران

چشم انداز اقتصادی ایران به آثار همه‌گیری کووید 19 و سرعت بهبود اقتصاد جهانی بستگی دارد. پیش‌بینی می‌شود که بهبود تولید ناخالص داخلی به دلیل کندی واکسیناسیون و تقاضای ضعیف شرکای تجاری منطقه‌ای، کند و تدریجی باشد. پیش‌بینی می‌شود تورم کاهش یابد اما در میان‌مدت به طور متوسط بالای 20 درصد باقی بماند. با محدود بودن فضای مالی و تورم بالا، فشارهای اقتصادی بر خانوارهای فقیر ادامه خواهد یافت.

هدف‌گذاری بهتر کمک‌های نقدی می‌تواند به کاهش هزینه‌ها کمک کند. در صورت عدم افزایش درآمدهای نفتی، کسری بودجه در میان‌مدت بالا خواهد ماند. کندی بهبود اقتصادی به همان میزان به کندی در درآمدهای غیرنفتی تبدیل می‌شود. اتکای بیشتر به انتشار اوراق بهادار، به ویژه در قالب اوراق کوتاه‌مدت، هزینه پرداخت سود و استهلاک را افزایش می‌دهد. صدور بدهی‌های دولتی و فروش دارایی‌های عمومی می‌تواند خطرات ناشی از سرایت مالی در بازار سهام را افزایش داده و بر بخش بانکی با سرمایه کمتر تأکید کند.

ریسک‌های چشم‌انداز اقتصادی ایران مربوط به مسیر بهبود از همه‌گیری و چشم‌انداز تحولات ژئوپلیتیک است. سرعت واکسیناسیون (خرید و توزیع)، تجدید حیات در تعداد موارد مانند موارد جدید از سویه کووید 19 و اقدامات بعدی قرنطینه می‌تواند بر فعالیت‌های اقتصادی تأثیر بگذارد و مرحله حاد بحران را طولانی کند. فقر و آسیب‌پذیری یکی از قربانیان وخامت اقتصادی است. ریسک‌های بالقوه مربوط به احتمال لغو بخشی از تحریم‌ها است که می‌تواند فعالیت اقتصادی را تقویت کند، زیرا اقتصاد به طور مزمز زیر ظرفیت بالقوه عمل کرده است.

طبق پیش‌بینی‌های صورت گرفته وضعیت اقتصادی ایران به کندی و تدریجی (در میان مدت فراتر از 2.3 درصد نخواهد بود) و علت آنرا باید در رشد محدود مخارج مصرفی خانوارها، دولت و تشکیل سرمایه ناخالص داخلی باید جستجو کرد. تجارت خارجی نیز هرچند از وضعیت رشدهای منفی خلاص شده لیکن رشد صادرات و واردات همچنان محدود است. پیش‌بینی می‌شود، تورم بعد از به قله رسیدن، روند نزولی به خود بگیرد ولی همچنان بالا خواهد بود.

جدول 2. شاخص‌های کلیدی اقتصاد ایران طی 2018 الی 2023

2023/24	2022/23	2021/22	2020/21	2019/20	2018/19	شاخص‌ها
1402	1401	1400	1399	1398	1397	
2.3	2.2	2.1	1.7	-6.8	-6	رشد اقتصادی
2	2	2.2	-1.1	-7.7	-2.6	مصرف بخش خصوصی
1.5	1.8	3.2	2.3	-6	-2.9	مخارج دولت
4.1	3.9	1.9	0.7	-5.9	-12.3	تشکیل سرمایه ناخالص داخلی
4.3	4	4	-12.2	-29.9	-12.5	صادرات کالاها و خدمات
2.6	2.5	1.5	-32.4	-38.1	-29.5	واردات کالاها و خدمات
18.9	21.7	29.3	36.9	41.3	31.1	تورم مصرف‌کننده

source: World Bank, 2021, Poverty & Equity and Macroeconomics, Trade & Investment Global Practices.

نکته: آمارهای سالهای 1397 و 1398 واقعی، سال 1399 برآوردی و سالهای 1400 تا 1402 پیش‌بینی است.

دلالت های سیاستی

با توجه به افزایش آسیب پذیری ها، کشورها باید سیاست ها و اصلاحاتی را برای کمک به کاهش نیازهای تامین مالی ناخالص عمومی و با گذشت زمان، کاهش تمرکز مواجهه بانکها در برابر حاکمیت دولت، با پشتیبانی از یک استراتژی قوی مدیریت میان مدت بدهی و توسعه یک طرح ارتباطی شفاف با فعالان بازار ترتیب دهند. هماهنگی بین مقامات نظارتی مدیریت بدهی، پولی، بودجه ای و مالی - با توجه به هر دوی سیاستها و اقدامات ویژه- همچنین برای ایجاد یک دیدگاه مشترک در مورد ظرفیت جذب کل بازارهای مالی داخلی و تجزیه و تحلیل تأثیر اقداماتی که می تواند بر توانایی حاکمیت برای استقراض اثرگذار باشد، ضروری است.

چالش ها برای کشورهای با فضای مالی محدود یا فاقد آن بیشتر است. این کشورها باید برنامه های تحکیم سازگار با رشد را که مبتنی بر یک چارچوب مالی میان مدت موثق است اجرا کنند. کشورهایی که دسترسی به بازار دارند باید پیش فعالانه ریسک های مربوط به تمدید بدهی ها و تامین مالی مجدد را متناسب با شرایط بازار کاهش دهند، و با انجام عملیات مدیریت بدهی (در صورت لزوم) به شرایط بهتر در مورد مراتب و شرایط بدهی موجود و بهبود وضعیت بدهی میان مدت دست یابند.

برای کاهش ریسک ناشی از ساختار متمرکز بدهی دولت، کشورها باید از طریق چندین اهرم اقدام کنند. بازارهای داخلی سرمایه باید از سه طریق توسعه یابند:

(1) رسیدگی به نقدینگی مازاد بانکی در برخی کشورها که مانع توسعه بازارهای پول شده و راهبرد سرمایه گذاری خرید و نگهداری را ترویج می کند؛

(2) افزایش پس انداز داخلی، به ویژه در ابزارهای بلندمدت؛ و

(3) ایجاد بازارهای ثانویه عمیق و نقدشونده، از جمله از طریق توسعه اوراق بهادار بزرگتر دولتی مبنای تمام نقاط منحنی بازده.

بنیه سرمایه گذاران باید بتدریج تقویت گردد تا اتکا به بانکهای داخلی کاهش یافته و زمینه برای تامین مالی بخش خصوصی، با هدف قرار دادن سرمایه گذاران بزرگ و ناهمگن با ترجیحات مختلف ریسک، افق های سررسید سرمایه گذاری و انگیزه های معاملاتی ایجاد شود تا تقاضای پایدار برای اوراق بهادار دولتی را تضمین کند. مدیران بدهی باید بر روی (1) گسترش منابع تامین مالی غیربانکی، از جمله سرمایه گذاران نهادی و مشارکت خرده فروشی؛ (2) ارائه مجموعه ای از ابزارهای متناسب با ترجیحات مختلف سرمایه گذاران (از جمله نرخ شناور، متصل به تورم، اوراق قرضه اسلامی (صکوک) و اوراق بهادار سبز)؛ و (3) جلب مشارکت سرمایه گذاران غیرمقیم، به ویژه در ابزارهای بلندمدت که توسط بازارهای ثانویه نقدشونده پشتیبانی می شود و گنجانیدن اوراق قرضه دولتی به ارزش داخلی در شاخص های مطرح جهانی تمرکز کنند.

در بخش مالی، سیاست گذاران باید همزمان با کاهش مواجهه بیش از حد بانکها در برابر حاکمیت، به حمایت از توسعه اعتبارات ادامه دهند. در کوتاه مدت، ترازنامه های ضعیف تر بانک ها و نیاز به بازسازی بافرهای سرمایه ای، ممکن است پرتفوی دارایی بانکها را با توجه به مقررات مربوط به وزن دهی ریسک صفر، به سمت اوراق قرضه دولتی سوق دهد. برای جلوگیری از بیرون رانده شدن بیشتر اعتبارات بخش خصوصی، باید بانکها را تشویق کرد که ضررهای اولیه را

شناسایی کرده اما می‌توان به آنها فرصت داد تا وضعیت سرمایه خود را از نو بسازند. اقدامات شفاف سازی و افشای پیشرفته می‌تواند نظم بازار را تقویت کرده و به کاهش دارایی‌های بیش از حد حاکمیت کمک کند. در میان مدت، اولویت‌بندی ترازنامه‌های قوی‌تر بخش بانکی و حاکمیت، بهبود حکمرانی و ایجاد فرصت‌های جایگزین برای متنوع سازی وام‌های بانک‌ها - از جمله بهبود شمول مالی^{۱۲} - مهم خواهد بود. علاوه بر این، نهادهای تنظیم‌گر بانکی می‌توانند وزن‌های ریسک "از طریق چرخه" و کفایت سرمایه متغیر در زمان را طراحی کنند که با تمرکز حاکمیت در ترازنامه بانک‌ها افزایش می‌یابد تا رابطه بانک-حاکمیت را محدود ساخته و در عین حال اثرات موافق ادواری^{۱۳} را به حداقل برساند.

کشورهای با دسترسی محدود به بازار و نیازهای بالای توسعه‌ای، به ویژه LIC ها و کشورهای شکننده و متأثر از درگیری نظامی، با چالش‌های سنگین‌تری روبرو هستند. بسیاری از این کشورها برای اطمینان از پیشرفت در دستیابی به اهداف توسعه پایدار، به کمک اضافی در قالب منابع و وام‌های کم بهره (به ویژه کمک‌های بلاعوض) و تخفیف بدهی تحت DSSI، نیاز دارند. کشورهایی که در سرویس‌دهی بدهی با مشکلات قابل توجهی روبرو هستند می‌توانند از تجدید ساختار به موقع و منظم بدهی تجاری و دوجانبه خود با حمایت از سوی چارچوب مشترک برای رفع مشکل بدهی^{۱۴} به صورت موردی بهره‌مند شوند.

¹² Financial Inclusion

¹³ Procyclical

¹⁴ The Common Framework For Debt Treatments

فهرست منابع:

IMF (2021), National authorities; and IMF staff estimates and projections.
IMF(2021), regional economic outlook, middle east and central Asia. "Arising from the pandemic: building forward better"
IMF(2021), world economic outlook. "managing divergent recoveries"
World Bank,(2021), Poverty & Equity and Macroeconomics, Trade & Investment Global Practices.
World Bank(2021), Iran Economic Monitor, Spring 2021: The Economy at a Crossroads, Spring 2021.

جدول 3. منا، افغانستان و پاکستان، منتخبی از اندیکاتورهای اقتصادی

پیش‌بینی		واقعی				شاخص
2022	2021	2020	2019	2018	متوسط 17- 2000	
منا						
3.7	4.0	-3.4	0.8	1.2	4.5	رشد GDP حقیقی
3.3	3.0	-2.5	2.5	1.9	5.5	رشد بدون نفت
0.4	0.7	-3.2	1.2	3.8	7.4	تراز حساب جاری
-4.7	-5.8	-10.1	-3.8	-2.6	1.7	تراز بودجه کل
8.6	12.8	10.5	6.9	9.7	7.1	تورم (متوسط سالانه %)
صادرکنندگان نفت منا						
3.4	4.8	-4.5	-0.3	0.3	4.6	رشد GDP حقیقی
2.8	3.3	-3.2	2.2	1.2	5.8	رشد بدون نفت
2.0	2.3	-2.7	3.1	6.3	10.1	تراز حساب جاری
-4.3	-5.3	-10.8	-3.1	-1.6	3.6	تراز بودجه کل
8.2	11.0	8.6	5.7	8.0	6.6	تورم (متوسط سالانه %)
صادرکنندگان نفت منا به جز ایران و کشورهای درگیر						
3.7	2.6	-5.6	1.1	1.7	4.9	رشد GDP حقیقی
3.0	3.6	-4.4	2.7	2.2	6.4	رشد بدون نفت
2.4	2.9	-3.4	3.9	6.6	11.9	تراز حساب جاری
-3.1	-4.8	-10.5	-2.0	-1.0	5.4	تراز بودجه کل
3.0	3.7	1.3	-0.9	2.3	3.2	تورم (متوسط سالانه %)
شورای همکاری خلیج فارس						
3.8	2.7	-4.8	0.7	1.9	4.4	رشد GDP حقیقی
3.4	3.5	-3.9	2.4	1.7	6.2	رشد بدون نفت
3.8	4.2	-1.3	5.8	8.6	13.6	تراز حساب جاری
-1.4	-3.0	-9.2	-1.6	-1.6	6.8	تراز بودجه کل
1.9	2.7	1.2	-1.5	2.2	2.6	تورم (متوسط سالانه %)
واردکنندگان نفت منا						
4.5	2.3	-0.8	3.3	3.5	4.1	رشد GDP حقیقی
-5.2	-5.6	-4.9	-6.7	-7.5	-4.0	تراز حساب جاری
-6.1	-7.6	-7.4	-7.0	-7.4	-6.6	تراز بودجه کل
9.6	17.2	15.4	9.9	14.4	8.3	تورم (متوسط سالانه %)
مناپ						
3.8	3.7	-3.0	0.9	1.7	4.5	رشد GDP حقیقی
3.4	2.8	-2.2	2.4	2.3	5.4	رشد بدون نفت
0.3	0.6	-3.0	0.8	3.0	6.8	تراز حساب جاری

-4.7	-5.8	-9.9	-4.2	-3.0	1.3	تراز بودجه کل
8.5	12.2	10.5	6.8	8.9	7.1	تورم (متوسط سالانه %)
واردکنندگان نفت مناپ						
4.3	2.1	-0.7	2.9	4.1	4.2	رشد GDP حقیقی
-4.0	-4.2	-3.5	-5.8	-6.6	-2.8	تراز حساب جاری
-5.9	-7.3	-7.5	-7.5	-6.9	-5.9	تراز بودجه کل
9.0	14.0	13.6	8.7	10.4	8.1	تورم (متوسط سالانه %)
کشورهای عربی						
4.0	4.3	-4.2	2.0	2.5	4.6	رشد GDP حقیقی
3.6	3.2	-3.1	2.8	2.7	5.7	رشد بدون نفت
0.3	0.6	-3.9	1.4	3.5	8.1	تراز حساب جاری
-3.9	-5.5	-10.6	-3.5	-2.7	2.6	تراز بودجه کل
-	-	-	-	-	-	تورم (متوسط سالانه %)

Sources: National authorities; and IMF staff estimates and projections.

توجه: اطلاعات مربوط به سال مالی برای کشورهای زیر است: افغانستان (21 مارس / 20 مارس) تا 2011 و 21 دسامبر / 20 دسامبر پس از آن، ایران (21 مارس / 20 مارس) و مصر و پاکستان (ژوئیه / ژوئن).

MENA شامل الجزایر، بحرین، جیبوتی، مصر، ایران، عراق، اردن، کویت، لبنان، لیبی، موریتانی، مراکش، عمان، قطر، عربستان سعودی، سومالی، سودان، سوریه، تونس، امارات متحده عربی، کرانه باختری و غزه، و یمن

صادرکنندگان نفت MENA: الجزایر، بحرین، ایران، عراق، کویت، لیبی، عمان، قطر، عربستان سعودی، امارات متحده عربی و یمن.

صادر کنندگان نفت MENA، به استثنای کشورهای درگیر و ایران: الجزایر، بحرین، عراق، کویت، عمان، قطر، عربستان سعودی و امارات متحده عربی.

کشورهای شورای همکاری خلیج فارس: بحرین، کویت، عمان، قطر، عربستان سعودی و امارات متحده عربی.

واردکنندگان نفت MENA: جیبوتی، مصر، اردن، لبنان، موریتانی، مراکش، سومالی، سودان، سوریه، تونس و کرانه باختری و غزه.

MENAP: MENA، بعلاوه افغانستان و پاکستان.

واردکنندگان نفت MENAP: واردکنندگان نفت MENA، افغانستان و پاکستان.

جهان عرب: الجزایر، بحرین، جیبوتی، مصر، عراق، اردن، کویت، لبنان، لیبی، موریتانی، مراکش، عمان، قطر، عربستان سعودی، سومالی، سودان، سوریه، تونس، امارات متحده عربی، کرانه باختری و غزه و یمن

جدول 4. منطقه CCA، منتخبی از اندیکاتورهای اقتصادی

پیش‌بینی		واقعی				شاخص
2022	2021	2020	2019	2018	متوسط	

					17- 2000	
CCA						
4.1	3.7	-1.9	4.8	4.4	7.2	رشد GDP حقیقی
-2.3	-2.1	-3.6	-2.3	0.3	0.1	تراز حساب جاری
-1.8	-3.2	-5.6	0.5	1.9	1.4	تراز بودجه کل
6.2	6.9	7.4	6.6	7.9	9.0	تورم (متوسط سالانه %)
صادرکنندگان نفت و گاز CCA						
4.0	3.7	-1.4	4.7	4.2	7.3	رشد GDP حقیقی
4.0	3.5	-1.4	5.6	4.0	7.6	رشد بدون نفت ¹
-1.8	-1.4	-3.1	-1.7	4.1	1.3	تراز حساب جاری
-1.6	-2.9	-5.3	0.8	2.5	2.1	تراز بودجه کل
6.5	7.1	7.8	7.0	8.8	9.5	تورم (متوسط سالانه %)
واردکنندگان نفت و گاز CCA						
4.7	3.8	-4.6	6.0	5.1	6.0	رشد GDP حقیقی
-6.4	-7.9	-7.6	-6.2	-7.5	-8.6	تراز حساب جاری
-3.4	-5.9	-7.3	-1.4	-1.9	-3.1	تراز بودجه کل
4.2	5.7	5.2	3.8	2.6	6.5	تورم (متوسط سالانه %)

Sources: National authorities; and IMF staff estimates and projections.

¹ آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان. اطلاعات ازبکستان برای تولید ناخالص داخلی غیرنفتی در دسترس نیست.

توجه: صادرکنندگان نفت و گاز CCA: آذربایجان، قزاقستان، ترکمنستان و ازبکستان. واردکنندگان نفت و گاز CCA: ارمنستان، جورجیا، جمهوری قرقیزستان و تاجیکستان.